

آشنایی با فقه حنفی

معروف جان رحیم جان اف

تحلیل و باز نویسی: خیر الله فیض الله اف

مجمع عالی مذاهب واحد گرگان


بسم الله الرحمن الرحيم

آشنایی با فقه حنفی

نویسنده:

معروف جان رحیم جان اف

ناشر چاپی:

جامعهٔ المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیهٔ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آشنایی با فقه حنفی

مشخصات کتاب

سرشناسه:رحیم جان اف، معروف جان

عنوان و نـام پدیـدآور:آشـنایی بـا فقه حنفی [کتـاب]/ مولف معروف جان رحیم جان اف؛ تحقیق و بازنویسـی خیرالله فیض الله اف؛ ویراستار مجتمع عالی مذاهب واحد گرگان.

مشخصات نشر:قم : مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۴۳۵ق.= ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری:[۲۷۹] ص.: جدول، نمودار.

فروست:مجتمع آموزش عالی مذاهب واحد گرگان؛ ۸۰۲.

شابک:۱۳۰۰۰۰ ریال : ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۸۸۰-۲ ؛ ۱۳۰۰۰۰ ریال(چاپ سوم)

وضعیت فهرست نویسی:فاپا

یادداشت:چاپ سوم : ۱۳۹۴ .

یادداشت:کتابنامه: ص. [۲۷۹].

موضوع:فقه حنفی -- رساله عملیه

شناسه افزوده:فیض الله اف، خیرالله

شناسه افزوده:جامعه المصطفی(ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی(ص)

رده بندی کنگره:BP۱۷۴/۵/ر۳آ۵ ۱۳۹۳

رده بندی دیویی:۲۹۷/۳۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۴۵۱۲

ص:۱

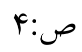
اشاره

آشنایی با فقه حنفی

مولف معروف جان رحیم جان اف

تحقیق و بازنویسی خیرالله فیض الله اف

ص:۳



سخن ناشر

تحولات اجتماعی و مقتضیات نوپدید دانش ها و پدیدآمدن دانش های نو،نیازهایی را به وجود آورده که پاسخ گویی به آن،ایجاد رشته های تحصیلی جدید و تربیت چهره های متخصص را ضروری می نماید.ازاین رو کتاب های آموزشی نیز باید با توجه به این دگرگونی ها تألیف شود.

جهانی شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه های فرهنگی و ارتباطی اقتضا دارد که دانش پژوهان و علاقه مندان به این مباحث،با اندیشه های بلند و ارزش های متعالی آشنا شوند و این مهم با ایجاد رشته های تخصصی،تولید متون جدید و غنی،گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید.این فرایند گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می شود و گاه در نگارش بحث های علمی،اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می رسد.

از طرفی بالندگی مراکز آموزشی در گرو نظام آموزشی منسجم،قانونمند و پویاست.بازنگری در متن ها و شیوه های آموزشی و به روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه نشاط علمی مراکز آموزشی را در پی دارد.

در این بستر،حوزه های علوم دینی به برکت انقلاب شکوهمند اسلامی،سالیانی است که در اندیشه اصلاح ساختار آموزشی و بازنگری متون درسی اند.

ص:۵

«جامعه المصطفی صلّی الله علیه و آله العالمیه»به عنوان بخشی از این مجموعه که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیر ایرانی را بر عهده دارد،تألیف متون درسی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون درسی در موضوعات گوناگون علوم دینی،حاصل این فرایند است.

«مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلّی الله علیه و آله»با قدردانی و سپاس از فاضل ارجمند جناب آقای معروف جان رحیم جان اف مؤلف کتاب آشنایی با فقه حنفی و خیرالله فیض الله اف که تحقیق و بازنویسی اثر را برعهده داشته است و تمام عزیزانی که در تولید این اثر همیاری و همفکری داشته اند،آن را به جویندگان فرهنگ و اندیشه ناب اسلامی تقدیم می کند.

مرکز بین المللی

ترجمه و نشر المصطفی صلّی الله علیه و آله

فهرست مطالب

ص:۱۵

ص:۱۶

مقدمه

خداونـد متعـال قـوانین و مقررات حیـات بخشـی توسـط انبیـای خـود برای هـدایت بشـر ارسـال فرمـود کـه از جملـه ی آن ها دستورالعمل های زند گی فردی و اجتماعی است که آن را«فقه»می نامند.

علم فقه در مکتب انسان ساز اسلام از جایگاه والا و ارجمندی برخوردار است.خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید:

وَ مـا کـانَ الْمُؤْمِنُونَ لِیَنْفِرُوا کَافَّةً فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طائِفَةٌ لِیَتَفَقَّهُوا فِی الـدِّینِ وَ لِیُنْـذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذا رَجَعُوا إِلَیْهِمْ لَعَلَّهُمْ یَحْذَرُونَ (۱)

«و مؤمنان نبایـد همگی رهسـپار(جهاد یا آموختن دانش)شونـد اما چرا از هر گروه ایشان دسـته ای رهسـپار نمی گردند تا دین آگاه شوند و چون نزد قوم خود باز آمدند آنها را بیم دهند باشد که بپرهیزند».

رسول خدا صلّی الله علیه و آله نیز فرمودند:

«چون خداوند خیر کسی را بخواهد،وی را در دینش فقیه سازد». (۲)

و باز فرموده اند:

«هر چیزی را پایه ای باشد و پایه ی دین،فقه است».

۱- (۱) .توبه،آیه۱۲۲.

۲- (۲) .صحیح البخاری،کتاب العلم،باب من یرید الله به خیرا یفقهه فی الدین،شماره حدیث:۷۱.

فقهای عالی مقام جهان اسلام در طول تاریخ،با بهره مندی از منابع فقهی که در رأس آن قرآن کریم و سنّت شریف نبوی قرار دارد،به تمام مسائل رفتاری و گفتاری،و فردی و اجتماعی آحاد مسلمانان پاسخ های مناسب و به روز داده و پیوسته فقه اسلامی را پویا،پرتحرک و پربار نگاه داشته اند.

البته طبیعی است که صاحب نظران در هر علمی در باره ی مسائل آن علم،اختلاف نظر پیدا می کنند و این اختلاف نظرها به مرور زمان شدت گرفته و باعث پیدایش گرایش ها و مرزبندی هایی در آن علم می شود.این مرزبندی ها گاهی به اختلاف نظر در مسائل آن محدود شده و گاهی با دقت و بررسی روشن می شود که این اختلاف نظرها در ابعاد دیگر علم،نظیر موضوع و قلمرو،اهداف،روش ها،منابع و مبانی ریشه دارد.واژه مذهب فقهی و امثال آن نظیر مدرسه فقهی،مکتب فقهی یا فقه فلان مذهب(حنفی،شافعی و...)برای چنین اختلاف هایی به کار می رود.

بی تردید یکی از راه های مهم-اگر نگوییم تنها راه-عرضه و ارائه ی فقه اسلامی در جهان معاصر،عرضه ی آن در قالب مذاهب فقهی و به صورت دسته بندی شده،منظم و متناسب با چارچوب های آموزشی است.

کتاب درسی«آشنایی با فقه حنفی»-که نخست به صورت جزوه ی درسی تنظیم گردیده و کرات و مرات مورد مطالعه و تدریس قرار گرفته بود-برای دانش پژوهان حنفی مذهب جامعه المصطفی صلّی الله علیه و آله العالمیه واحد گرگان دوره ی تمهیدی در نظر گرفته شده است.

در تدوین متن کتاب جهت اتقان مطالب آن،از کتب معتبر قدیم و جدید فقه احناف،از جمله«مختصر الوقایه»،«مختصر القدوری»،«فتاوای عالمگیری»،«فقه میسّر»و...استفاده شده و در عین حال،با توجه به سطح مخاطبان آن که تازه از آموزش زبان فارسی فارغ گردیده و در مرحله ورود به دروس اصلی حوزوی

قرار گرفته انـد،سـعی شـده است حتی الامکان ساده نویسـی و روان نگاری رعایت شـده و اصـطلاحات پیچیده ی فقهی کم تر مطرح گردد تا فراگیران مبتـدی بتواننـد به سـهولت از مـذهب خود و احکام آن اطلاع روشن و شـفاف به دست آورند.مطالب کتاب که در شصت درس تهیه و تنظیم گردیده است سعی شده تا مهم ترین موضوعات و مسائل فقهی را پوشش بدهد.

جدول بندی مطالب دروس در این کتاب از امتیازات کم نظیر آن در بین سایر کتب هم طراز آموزشی به حساب آمده و روش جدیـد علمی و کـاربردی در این زمینه تلقّی می گردد.البته توصـیه می شود در حین تـدریس،برای تک تک عبارات،مسایل و اصطلاحات فقهی توضیحات لازم از سوی اساتید ارائه گردد و فهم اوّلیه ی آن به فراگیران واگذار نگردد.

در آخر لازم است یادآوری شود که با وجود سـعی و تلاش در ارائه بی نقص نوشتار حاضر،احتمال خطا و اشتباه در آن منتفی نیست،چونکه تنها إنشای نانوشـته خطا نـدارد و از بزرگان و علمایی که نظرشان به این کتاب می افتد،انتظار می رود که هر جا خطایی دیدند با قلم اصلاح خود آن را تصحیح کنند و از دعای خیرشان این عاجز را بی بهره نگردانند.

و ما أرید إلا الإصلاح ما استطعت و ما توفیقی إلا بالله

معروف جان رحیم جان اف

ص:۲۱

۱-جایگاه احکام در اسلام

درآمد

اسلام،آخرین و کامل ترین دینی است که همه برنامه های آن،مطابق فطرت و مصلحت انسان هاست.سعادت انسان ها زمانی تأمین خواهد شد که برنامه های اسلام درست و به طور کامل اجرا گردد.جامعه ای که در آن قوانین اسلام اجرا شود،جامعه ایده آل خواهد بود.

برنامه های عالیه ی اسلام عبارتند از:

«اصول دین»؛معارف اعتقادی و باورهای اساسی دین،یعنی اموری که به قلب و دل و فکر انسان و سالم سازی اعتقاد او مربوط می شود و هدف از آنها شناخت و ایمان و اعتقاد نسبت به مسائل مربوط به مبدأ،معاد،نبوت،وحی،ملائکه و...است.علم کلام متصدی بیان اصول دین است.

«فروع دین»یا«احکام شرعی»؛که عبارت است از دستورات عملی که شامل همه شؤون زندگی بشر می شود و هدف از آنها این است که نشان بدهند انسان کدام عمل خاصی را چگونه و کی انجام دهد و یا از ارتکاب کدام عمل خودداری نماید.علم فقه عهده دار بیان مسائل عملی است.

«اخلاق»؛مجموعه ای از اصول هنجاری که در رابطه با پرورش روح و

سلامت روان آدمی است و شایسته است رفتار و روحیات بشری بر مقتضای آنها جریان یابد.این مسئولیت بر عهده ی علم اخلاق است که در آن،راه های آراسته شدن به خصلت های نیک و دوری گزیدن از خصلت های ناشایست،به انسان آموزش داده می شود به گونه ای که انسان،بی درنگ کار خوب و شایسته را انجام دهد و با سهولت از رفتار زشت و ناشایست دوری جوید.

موضوع این نوشتار،فروع دین یا همان احکام شرعی می باشد که مسائل مورد نیاز اولیه مطابق با فقه حنفی،در آن طرح و بررسی شده است.

علم فقه

با توجه به اهمیت احکام و جایگاه ممتاز آن در برنامه های انسان ساز دین مبین اسلام،علم مخصوصی برای آن تعلق گرفته است که به آن«علم فقه»گویند.این علم از جمله گسترده ترین علوم اسلامی به شمار می رود و از جهت تاریخی،قدیمی ترین علم اسلامی شناخته شده است.این علم همواره مورد توجه مسلمانان بوده و در طول قرن ها از ابتدای اسلام تاکنون بدون هیچ توقفی در حلقه ها و حوزه های علوم دینی تدریس می شده است.از این رو،فقهاء و دانشمندان بی شماری در این علم پدید آمده اند و کتاب های فراوانی در این زمینه نوشته شده که بعضی از این کتب فوق العاده ارزنده است.

مسائلی که در علم فقه طرح و بررسی شده اند،شامل همه شئون زندگی بشر می شوند.به عبارت دیگر،کلیه مسائلی که امروز در جهان تحت عنوان«حقوق»طرح می شوند-همچون حقوق اساسی،حقوق مدنی،حقوق خانوادگی،حقوق جزایی،حقوق اداری،حقوق سیاسی و...-در باب های مختلف فقه اسلامی تحت عنوان های گوناگون و پراکنده طرح و بررسی شده اند.البته،علاوه بر این،مسائل عبادی نیز در فقه اسلامی جای داده شده است،که در علوم حقوقی معاصر این مسائل مطرح نشده اند.

امام ابوحنیفه رحمه الله در یک نگاه

اشاره

از آنجا که در این نوشتار،مسائل اولیه فقهی مورد نیاز،طبق مذهب حنفی طرح گردیده،لازم است در باره شخصیت امام ابوحنیفه رحمه الله به طور اجمال معلوماتی ارائه شود.

۱.اسم و نسب

اسم این امام بزرگوار«نعمان بن ثابت»است که با کنیه«ابو حنیفه»شهرت دارد و به«امام اعظم»و«سراج الأمه»لقب گرفته است.

امام ابوحنیفه رحمه الله در سال ۸۰ ه.ق.همزمان با خلافت عبد الملك بن مروان،در شهر کوفه و در خانواده ای متعهد و متدین و محترم متولد و نشأت یافته است.

بر پایه برخی نقل ها، (۱)پدربزرگ ایشان«زوطی»نام داشت.او از مردمان بلخ بود که احتمالاً در جریان فتح خراسان به اسارت در آمده،به عراق آورده شد.زوطی به دین اسلام گرویده،آزادی خویش را بازیافت و فرزندش،ثابت زمانی به دنیا آمد که وی مسلمان بود. (۲)

اما بر اساس برخی دیگر نقلها، (۳)پدربزرگ ایشان«مرزبان»نام داشت و او کسی است که در جشن نوروز یا مهرگان به حضرت علی(کرم الله وجهه)پالوده (۴)تقدیم داشت و آن حضرت ثابت و ذریه او را به برکت دعا کرد.

۲.اساتید

امام أعظم رحمه الله در محضر بسیاری از فقیهان و عالمان کوفه دانش آموخت،ولی

۱- (۱) .ابن خلکان،وفیات،ج۵،ص۴۰۵.

۲- (۲) .بنابراین،در برخی منابع متأخرتر نام کاملتر امام رحمه الله«نعمان بن ثابت بن زوطا بن ماه»ذکر شده است.

۳- (۳) .خطیب بغدادی،تاریخ بغداد،ج۱۳،ص ۳۲۶.

۴- (۴) .یک نوع حلوا.

استاد ویژه ایشان حماد بن ابی سلیمان بود که مدت ۱۸ سال در حلقه درسش شرکت می جست و تا هنگام وفات بهره گیری از او را ترک نگفت.

بر اساس نقل هایی که در کتاب های معتبر آمده است،اساتید امام ابوحنیفه رحمه الله به چهار هزار نفر می رسند،که در میان آنها هفت صحابه و سی و نه تابعین بقیه از تبع تابعین بودند.مهمترین اساتید ایشان عبارتند از:

ابراهیم بن محمد منتشر کوفی

ابراهیم بن زید نخعی کوفی

اسماعیل بن حماد بن سلیمان کوفی

ایوب سختیانی بصری

حارث بن عبدالرحمن همدانی کوفی

سالم بن عبدالله بن عمر بن خطاب(رض)

۳.شاگردان

مهمترین شاگردان امام ابوحنیفه رحمه الله که مروّج مکتب فقهی او به حساب می آیند،عبارتند از:

ابو یوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب(۱۱۳-۱۸۲ ه.ق.)؛

محمد حسن شیبانی(متوفای ۱۸۹ ه.ق.)؛

زُفَر بن هُذَیل(۱۱۰-۱۵۸ ه.ق.).

۴.آثار برجای مانده و منتسَب

از جمله آثار برجای مانده و یا منتسب امام،می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

الف)چاپی:«العالم و التعلم»،«رساله الی عثمان البتّی»،«الفقه الاکبر»،«الوصیه»؛

ب)خطی:«وصیه إلی ابنه حماد»،«وصیه إلی یوسف خالد السمتی»،«رساله فی الإیمان و تکفیر من قال بخلق القرآن»،«مجادله لاحد الدهریین».

ص:۲۶

۵.شهادت و محل دفن

در آخرین روزهـای زنـدگانی امام ابوحنیفه رحمه الله یعنی حـدود سال های ۱۵۰ ه.ق.،منصور،خلیفه عباسـی،ایشان را به بغداد فرا خواند و مسـند قضاوت را پیشـنهاد کرد و چون امام نپذیرفت،او را به حبس افکند و پس از چند روزی،آن پیشوای بزرگوار در زیر شـلاق به درجه شهادت نایل گردید. (۱)بر جنـازه مبارک امام رحمه الله یکی از محـدثان کوفی به نام«حسن بن عُماره بجلی»نمـاز گزاریـد و سـپس در مقـبره خزیران بغـداد مـدفون گردیـد.اکنون محله ای که مقـبره ی ایشـان در آن واقع است،به نام«حی الاعظمیه»شهرت دارد.

ص:۲۷

۱- (۱) .به نوشته برخی منابع،ایشان را در زندان زهر خورانیدند.

چکیده مطالب

-«احکام»یکی از پایه های اصلی و اساسی مقررات و قوانین انسان ساز اسلام است؛

-برنامه های عالیه اسلام عبارت است از:اصول دین،فروع دین و اخلاق؛

-بنابر اهمیت احکام و جایگاه ممتاز آن در برنامه های انسان ساز اسلام،علم مخصوصی برای آن تعلق گرفته است که به آن«علم فقه»گویند؛

-مسائلی که در علم فقه طرح و بررسی شده اند،شامل همه شئون زندگی بشرمی شوند؛

-پیشوای بزرگ مذهب حنفی،امام ابو حنیفه رحمه الله نعمان بن ثابت سال ۸۰ ه.ق.در شهر کوفه متولد شد و پس از گذراندن عمر پربرکت خویش،سال ۱۵۰ ه.ق.در زندان دیده از جهان بست.

سوالات درس

۱.برنامه های اسلام بر چند دسته تقسیم شده است؟

۲.چه نوع برنامه هایی در اصول دین گنجانیده شده است؟

۳.برنامه های عملی اسلام را چه می نامند؟

۴.اخلاق در چه زمینه ای گفتگو می کند؟

۵.علمی که مربوط به احکام اسلامی می شود چه نام دارد؟چرا این علم پدید آمده است؟

۶.علم فقه در خود چه مسائلی را جای داده است؟

۷.شرح حال امام ابو حنیفه رحمه الله را اجمالاً بیان کنید.

ص:۲۸

۲-اقسام حُکم و راه به دست آوردن آن

اشاره

تقسیم احکام

هر کاری که انسان انجام می دهد،در اسلام دارای حکم خاصی است که عبارت است از:

۱.فرض:به عملی گویند که با دلیل قطعی ثابت شده است و انجام دادن آن لازم است و ترک آن عذاب دارد،مثل نماز و روزه.

۲.واجب:عملی که با دلیل ظنّی ثابت شده است و انجام دادن آن لازم است و ترک آن عذاب دارد،ولی پایینتر از عذاب فرض،مانند خواندن نماز وتر،قربانی کردن،خواندن سوره فاتحه در نماز،دادن زکات فطریه،سنگ انداختن به شیطان در موسم حج. (۱)

۳.حرام:عملی که ترک آن لازم است و انجامش عذاب دارد؛مانند دروغ و ظلم.

۴.سنت:عملی که برای پیروی از پیامبر صلّی الله علیه و آله انجام داده می شود و ترک آن موجب ملامت یا محروم ماندن از شفاعت است.

۵.مستحب:عملی که انجام آن نیکو است و ثواب دارد،ولی ترک آن عذاب

۱- (۱) .بعضاً این قید نیز ذکر می شود که:فرض حکمی است که با انکار آن،شخص کافر خواهد بود و واجب،حکمی است که با انکار آن،شخص کافر نخواهد بود.

ندارد،مانند نماز شب و صدقه.

۶.مکروه:عملی که ترک آن نیکو است و ثواب دارد،ولی انجامش ثواب را از بین می برد،ماننداحرف زدن هنگام وضو.

۷.مباح:عملی که انجام و ترک آن مساوی است،به این معنا که نه عذابی دارد و نه ثوابی،مانند بازی فوتبال،خوردن و آشامیدن و....

راه به دست آوردن احکام

معمولاً برای آگاهی از حکمی و قبول کردن آن،دو راه وجود دارد:

۱.تقلید:تقلید به معنای«پیروی کردن و دنباله روی»است و در اصطلاح فقهی عبارت است از پیروی از مجتهد در مسائل فقهی بدون درخواست دلیل و حجت.

۲.اجتهاد:نهایت تلاش و کوشش مجتهد در راه بدست آوردن احکام شرعی از طریق استنباط از منابع(قرآن،سنت،اجماع و قیاس).

چند تذکر

کسی که مجتهد نیست و احکام الهی را از منابع شرعی نمی تواند استخراج نماید،باید از مجتهد تقلید و پیروی کند. (۱)

وظیفه اکثر مردم در احکام دین،تقلید است،چون افراد کمی هستند که بتوانند در احکام اجتهاد کنند. (۲)

مجتهد کسی است که توانایی استخراج احکام از منابع آن را دارد.

مجتهدی که انسان از او تقلید می کند،باید دارای شرایط عمومی،اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد.

۱- (۱) .الإحکام،ج۴،ص ۳۵۱.

۲- (۲) .الإحکام،ج۴،ص ۳۵۱.

مکلّف کیست ؟

در اصطلاح شرعی«مکلَّف»اطلاق می شود به کسی که دارای این شرایط باشد:۱مسلمانکسی که پیرو دین اسلام یعنی معتقد به مفاد کلمه شهادتین باشدبنابراین،تکلیف ندارند:کافر

۲عاقلاز نعمت عقل برخوردار باشد،و آن عقلی که تکلیف دینی دایر مدار آن است عبارت است از نیروی آماده سازنده برای قبول علم (۱)دیوانه

۳بالغدر تعیین سِنّ«بلوغ»بین فقها اختلاف نظر دیده می شود.احناف،بر اساس ما یفتی علیه،سن بلوغ دختر و پسر را ۱۵ سال قمری می دانند اگرچه امام ابو حنیفه سن بلوغ پسر را ۱۸ سال و دختر را ۱۷ سال می داند. (۲)کودک

ص:۳۱

۱- (۱) .مفردات راغب،ماده عقل:«العقل یقال للقوه المُتهَیئه لقبول العقل...و کل موضع رُفِعَ فیه التکلیف عن العبد لِعدَم العقل فإشاره إلی[هذا المعنی]».

۲- (۲) .قدوری بغدادی،مختصر القدوری،ص:۱۹۵-۱۹۶(کتاب الحجر).

سنّ بلوغ و نشانه های آن

سنّ بلوغ و نشانه های آن

پسرهادخترها

۲۱۲۱

احتلامانزال منی (۱)احتلامخون حیض دیدن

اگر هیچ یک از این دو نشانه ظاهر نشود،باید به سِنّ و سال توجه کرد:

پسرها پس از تمام شدن پانزده سال قمری بالغ می باشنددخترها،پس از گذشت نُه سال قمری بالغ می باشند

باید توجه داشت که سنّ بلوغ،به سال قمری حساب می شود و چون هر سال قمری سیصد و پنجاه و چهار(۳۵۴)روز و شش ساعت است،ده روز و هیجده ساعت از سال شمسی کمتر می باشد؛بنابر این،با کم کردن نود و شش(۹۶)روز و هیجده ساعت از نه سال شمسی،نه سال قمری بدست می آید و با کم کردن صد و شصت و یک(۱۶۱)روز و شش ساعت از پانزده سال شمسی،پانزده سال قمری معلوم خواهد شد

۱- (۱) .گرچه از راه نامشروعی انجام بگیرد.

چکیده مطالب

-هر کـــاری کـــه انســـان انجـــام می دهـــد،در اســـلام دارای حکـــم خاصـــی اســـت کـــه عبـــارت اســـت از:فرض،واجب،حرام،سنت،مستحب،مکروه،مباح؛

-معمولاً برای آگاهی از حکمی و قبول کردن آن،دو راه وجود دارد:تقلید و یا اجتهاد؛

-کسی که مجتهد نیست باید از مجتهد تقلید کند،مانند اکثر مردم،و مجتهد کسی است که باید دارای شرایط عمومی،اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد؛

-به مسلمانِ عاقل و بالغ مکلّف گویند؛

-بلوغ نشانه هایی دارد،که اگر ظاهر نشود،پسر در صورت اتمام پانزده سال قمری و دختر در نُه سالگی به بلاغت می رسد.

سوالات درس

۱.احکام شرعی بر چند قسم است؟نام ببرید و راجع به هر کدام توضیح بدهید.

۲.برای آگاهی از حکمی و قبول کردن آن چند راه وجود دارد؟راجع به هر کدام کمی توضیح بدهید.

۳.وظیفه اکثر مردم در احکام دین چیست؟چرا؟

۴.به چه کسی که مکلّف گویند؟

۵.نشانه ها و سنّ بلوغ در پسر و دختر به چه صورتی است؟

۳-شرایط اجتهاد

درآمد

شخص مجتهد باید دارای شرایط سه گانه زیر باشد:

۱.شرایط عمومی اجتهاد:در واقع شروط مقدم بر مَلَکه اجتهاد هستند که بناچار هر مجتهدی باید دارا باشد؛

۲.شرایط اساسی اجتهاد:عبارتند از شرایطی که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها،مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط می گردد؛

۳.شرایط تکمیلی اجتهاد:شرایطی هستند که وجود مَلَکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد و شخص می تواند بدون آنها به درجه اجتهاد برسد،ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد،وجود این شرایط لازم است.

تفصیل هر کدام از شرایط بالا را در جدول زیر ملاحظه فرمایید:

شرایط اجتهادشرایط عمومیبلوغرأی و اجتهاد شخص نابالغ صحیح و قابل اعتماد نیست. (۱)

عقلمجتهد دارای ادراکات سالمی باشد،بتواند امور را درک کرده و منافع و مضار آن را تشخیص دهد و از عیوبی که با عقل منافات دارد-از قبیل دیوانگی،گیجی و سفاهت-مبرّا باشد. (۲)

تیزهوشی و خوشذهنیبار سنگین مجتهد در رابطه با استنباط احکام مربوط به همین شرط است

ایمانمجتهد باید به ضروریات دین علم و آگاهی داشته باشد،هرچند علم و آگاهی به دقایق علم کلام شرط اجتهاد نیست. (۳)

شرایط اجتهادشرایط اساسیمعرفت و آگاهی به زبان و ادبیات عربمجتهد باید به زبان و ادبیات عرب-از قبیل صرف،نحو،بلاغت،معانی مفردات و جملات و...-آشنایی داشته باشد. (۴)

معرفت و آگاهی به قرآن کریممجتهد نسبت به علومی که با قرآن کریم ارتباط دارند-از قبیل علوم ناسخ و منسوخ،مکی و مدنی،عام خاص،مطلق و مقید،محکم و متشابه و...-دارای اطلاع کافی باشد.

معرفت و آگاهی به سنت نبوی و علم حدیثبر مجتهد لازم است که راجع به سنت نبوی آنچه را که متعلّق به احکام است آگاهی داشته باشد.و نیز به علم حدیث آگاه باشد،تا به وسیله آن،احادیث متواتر،مشهور،آحاد و غیره را از هم بازشناسد و به اسباب

۱- (۱) .جمع الجوامع؛ابن سبکی با حاشیه بنانی؛ج۲،ص۳۸۲.

۲- (۲) .الاجتهاد؛دکتر سید موسی؛ص۱۶۲.

۳- (۳) .الإحکام فی أصول الأحکام؛آمدی؛ج۴،ص۱۱۱.

۴- (۴) .ارشاد الفحول؛شوکانی؛ص۲۲۱.

ورود حدیث،درجات و مراتب آنها از لحاظ صحت و قوّت،علم داشته باشد و به هنگام تعارض،به شناخت راجح از مرجوح نایل شود. (۱)

آگاهی به علم اصول فقهاین آگاهی،اساس و پایه اجتهاد است (۲)و مجتهد به وسیله این علم،کیفیت استنباط احکام شرعی از مدارک آن را بازمی شناسد. (۳)

فهم و ادراک مقاصد شارعدلالت الفاظ بر معانی گاهی احتمال چند وجه را دارد و در این صورت مجتهد باید از روی ملاحظه قصد و هدف شارع،یکی از آن وجوه را بر دیگری ترجیح دهد. (۴)

شناخت قواعد کلی فقهآگاهی به قواعد مهم فقهی همانند قواعد«الضرر یزال»،«الیقین لا یزول بالشک»،«الامور بمقاصدها»و...-لازم است تا با استفاده از آن،حکم هر حادثه ای که نصّ خاصّی راجع به آن وجود ندارد،استخراج گردد.

شرایط تکمیلیمورد اجتهاد،فاقد دلیل قطعی باشدمجتهد نسبت به مسئله و یا واقعه مورد اجتهاد،هیچ گونه دلیل قطعی ای از نصوص قرآن،سنت و اجماع در دست نداشته باشد. (۵)

آگاهی به موارد اختلاف فقهامجتهد باید در کنار آشنایی به موارد اجماع،به موارد اختلاف هم آگاهی داشته باشد.او می تواند در مسائلِ موردِ اختلاف فقها و یا در مسائلی که هنوز در باره آن حکمی صادر نشده،اقدام به اجتهاد نماید. (۶)

ص:۳۶

۱- (۱) .المستصفی،غزالی؛ج ۲،ص۳۵۲-۳۵۳.

۲- (۲) .المستصفی،غزالی؛ج ۲،ص ۱۰۲.

۳- (۳) .جمع الجوامع،ابن سبکی؛ج۲،ص۴۰۰.

۴- (۴) .ارشاد الفحول،شوکانی،ص۲۲۲؛اصول الفقه الاسلامی؛د.زحیلی؛ج ۲،ص ۱۰۴۸.

۵- (۵) .ر.ک.به المستصفی،غزالی؛ج ۲،ص ۳۵۰-۳۵۱.

۶- (۶) .ر.ک.به عقد الجید فی احکام الاجتهاد و التقلید،دهلوی؛ص۸.

شرایط اجتهادشرایط تکمیلی۳آشنایی با عُرف جاریلازم است فقیه به موارد عرف جاری منطقه خویش-بویژه در رابطه با الفاظی که معنی و مدلول آنها از شهری به شهر دیگر به جهت اختلافات عرفی تفاوت دارد-آشنایی داشته باشد،چرا که اختلاف عرفی تأثیر زیادی در اختلاف حکم دارد. (۱)

۴إعمال اصل براءتاصل براءت:هیچ چیزی بر ما حرام نیست،مگر آنچه که از روی ادله شرعی حرام شده باشد.پس مجتهد باید در هر مسئله ای به این اصل تمسّک جوید،چرا که اصلی است ثابت و غیر قابل تغییر. (۲)

۵آشنایی با علم منطقبرخی از اصولیون-مانند امام غزالی،بیضاوی-آشنایی با مباحث منطق را شرط اجتهاد دانسته اند. (۳)و نظر بسیاری از متأخرین این است که آگاهی به علم منطق امر مهمی است،هرچند شرط اساسی اجتهاد نباشد. (۴)

۶عدالت و صلاحیتقبول فتوای مجتهد و اطمینان به اینکه او از روی هوای نفس سخن نمی گوید،بلکه مطابق ادله شرعی فتوا می دهد،و در راه اجتهاد کوتاهی و تقصیر نمی ورزد،همه این امور متوقف بر عدالت و تقوای مجتهد است.تعریف عدالت:«شخص بر انجام واجبات و مندوبات و همچنین بر ترک محرّمات و مکروهات همواره پایبند باشد،مروّت و شخصیت خود را حفظ و از مواضع شک و تهمت دوری نماید». (۵)

ص:۳۷

۱- (۱) .اجتهاد و سیر تاریخی آن،نعمتی؛ص ۱۵۲-۱۵۳.

۲- (۲) .ر.ک.به المستصفی،غزالی؛ج ۲،ص ۳۵۱.

۳- (۳) .المنهاج مع شرح الاسنوی و البدخشی،ج ۳،ص ۲۰۰.

۴- (۴) .المدخل الی مذهب الامام احمد؛ص ۲۸۳.

۵- (۵) .صفه الفتوی و المفتی و المستفتی؛ابن حمدان؛ص ۱۳.

۷طلب صواب و ثواب از درگاه الهیبر مجتهد لازم است که از ته قلب به درگاه خداوند احساس فقر و نیاز کند،تا اینکه خداوند اندیشه حق و صواب را به او الهام نماید و او را در جهت نیکو و افتای صحیح و واقعی موفق گرداند.

۸مشورتمجتهد نباید اهمیّت شورا و مشاوره را از دست دهد.اگر او کسی را یافت که علم و دیانتش قابل اعتماد است،باید با او مشورت کند و از روی خودخواهی به تنهایی به استنباط احکام نپردازد،خداوند مؤمنان را اینگونه توصیف کرده:«و أمرهم شوری بینهم» (۱)

۹موافقت عمل با علم و گفتاردر زمینه اجتهاد و فتوا،مطابقت قول و عملِ مجتهد یک اصل اساسی است،زیرا چنین شیوه ای موجب صداقت ایشان در فتوا و نفوذ کلام در شنوندگان خواهد شد. (۲)

۱- (۱) .شوری،آیه۳۸.

۲- (۲) .اجتهاد و سیر تاریخی آن،نعمتی؛ص ۱۶۵.

چکیده مطالب

-مجتهدی که انسان از او تقلید می کند،باید دارای سه نوع شرایط عمومی،اساسی و تکمیلی اجتهاد باشد؛

-شرایط عمومی اجتهاد عبارتند از:بلوغ،عقل،فطانت و ایمان؛

-شرائط اساسی اجتهاد عبارتند از شرائط ششگانه ای که باید جهت استنباط احکام در مجتهد تحقق یابد به نحوی که با نبود و فقدان یکی از آنها،مجتهد از اهلیت اجتهاد ساقط می گردد؛

-شرائط اساسی اجتهاد شرائط نُهگانه ای هستند که وجود ملکه اجتهاد بستگی به آنها ندارد،ولی به جهت اینکه مجتهد در استنباط احکام به کمال برسد،وجود این شرائط لازم است.

سوالات درس

۱.شرائط عمومی اجتهاد را نام ببرید؟

۲.شرائط اساسی اجتهاد کدام است؟

۳.شرائط تکمیلی اجتهاد را ذکر کنید؟

۴.شرائط اساسی اجتهاد با شرائط تکمیلی آن چه تفاوتی دارد؟

ص:۳۹

۴-طهارت

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّوّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ ؛ (۱)

خداوند توبه کنندگان را دوست دارد و پاکان را(نیز)دوست دارد.

درآمد

از جمله برنامه های عملی اسلام فرایض است که نماز یکی از مهمترین و اساسی ترین آنها به حساب می آید.از مهم ترین شرطهای صحت نماز داشتن طهارت است.

رسول خدا صلّی الله علیه و آله فرموده اند:

«مفتاح الجنه الصلاه و مفتاح الصلاه الطهور»

کلید بهشت نماز است و کلید نماز پاکیزگی است.

بنابر این،از جمله مسایلی که قبل از انجام این عبادت بزرگ باید مورد توجه نمازگزاران قرار گیرد طهارت و پاکیزگی است.

نمازگزار باید بدن و لباس خود را از نجاست(آلودگی ها)پاک کند و برای پاکی از نجاست،شناخت آنها و راه پاک کردن آنها لازم است.

۱- (۱) .بقره،آیه۲۲۲.

نجاسات

نجاست در لغت عبارت است از آن چه که طبع انسان از آن کراهت داشته باشد و بدش آید،و اما عنوان«نجس»در اصطلاح شرعی آن،عبارت است از قرار گرفتن لباس و مکان در حالتی که شریعت آن را پلید می شمارد و به پاک شدن از آن دستور می دهد.

اقسام نجاسات

در یک تقسیم بندی کلی،نجاست بر دو بخش«حکمی»و«حقیقی»تقسیم می شود که هر کدام دارای اقسام زیر است:

نجاست حکمی عبارت است از قرار گرفتن انسان در حالت هایی که نماز همراه با آن درست نمی شود.نجاست حکمی را حدث نیز می گویند که آن نیز بر دو قسم است:

الف)حدث اکبر؛حالتی است که اگر شخص در آن قرار بگیرد،غسل برایش واجب می شود،مثل جنابت.

ب)حدث اصغر؛حالتی است که اگر شخص در آن قرار گرفت بی وضو محسوب می شود،که به آن مُحدث می گویند.

نجاست حقیقی عبارت از پلیدیی است که بر هر مسلمان واجب است از آن پاکی جوید و آنچه را که از آن به بدن و لباس و مکانش رسیده است،دور کند.

نجاست حقیقی بر دو قسم است:

الف)نجاست غلیظه؛یعنی نجاستی است که به دلیل قطعی ثابت شده است،و عبارت است از:

۱.شراب؛

۲.خون ریخته؛

۳.مدفوع سگ،گربه و مانند آن؛

۴.مدفوع درندگان و آب دهان آنها؛

۵.مدفوع مرغ خانگی،مرغابی و غاز؛

۶.گوشت مردار(گوشت حیوانی که ذبح شرعی نشده باشد)و خوک؛

۷.ادرار حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود؛

۸.هر چیزی که با بیرون شدن آن وضو می شکند.

ب)نجاست خفیفه؛عبارت از نجاستی است که بر نجس بودن آن یقین حاصل نیست به جهت وجود دلیل دیگری که بر پاکی آن دلالت دارد،مثل:

۱.ادرار اسب؛

۲.ادرار حیوانات حلال گوشت؛

۳.مدفوع پرنده ای که خوردن گوشت آن جایز نیست.

۴.ادرار نوزاد ذکور.

چکیده مطالب

-از جمله برنامه های عملی اسلام فرایض است و نماز از مهم ترین آنها به حساب می آید؛

-شرط صحت نماز داشتن طهارت است؛

-باید بدن،لباس و مکان نمازگزار از نجاسات پاک باشد؛

-معنی«نجس»در اصطلاح عبارت است از قرار گرفتن لباس و مکان در حالتی که شریعت آن را پلید می شمارد و به پاک شدن از آن دستور می دهد؛

-نجاست به دو قسم حکمی و حقیقی و حکمی به دو قسم:اکبر و اصغر و حقیقی به دو قسم:غلیظه و خفیفه تقسیم می شود و دارای مصادیق و احکام جداگانه است.

سوالات درس

۱.مهم ترین برنامه عملی اسلام کدام است؟

۲.کلید نماز چیست؟

۳.نجاست در لغت و در اصطلاح شرع به چه معناست؟

۴.اقسام نجاست را بنویسید و کمی توضیح بدهید؟

۵.مصادیق نجاست غلیظه و خفیفه را بنویسید؟

ص:۴۳

۵-احکام نجاسات

حکم نجاست غلیظه

گذشت که«نجاست حقیقی»به دو بخش غلیظه و خفیفه تقسیم می شود.نجاست غلیظه نیز به دو بخش جرم دار و بی جرم.اگر نجاستِ غلیظه جِرم دار باشد و وزنش به یک درهم و کمتر برسد،بخشودنی است،یعنی نماز خواندن با آن جایز است البته همراه با کراهت.و اگر بی جِرم باشد،به مقدار کف دست قابل بخشودن است.

اما اگر از اندازه یک درهم و یا کف دست بیشتر بود،شستن با آب و یا دور کردنِ آن با چیز مایع و پاک کننده ی دیگر فرض می گردد و نماز به همراه آن درست نیست.

حکم نجاست خفیفه

نجاست خفیفه مورد بخشودگی قرار گرفته است تا آنگاه که مقدارش زیاد نباشد.در صورت زیاد بودن مقدار نجاست خفیفه،باید بر اساس معیاری که در شریعت تعیین شده است عمل نمود و آن معیار عبارت است از آلوده شدن یک چهارم لباس و بدن به نجاست خفیفه،یعنی آلودگی بیش از این مقدار جایز

ص:۴۴

نیست و شخص باید به پاک کردن آن مبادرت ورزد.

همچنین ذرات پیشابی که به مانند سر سوزن بر بدن و لباس پاشیده می شود،مورد بخشودگی قرار گرفته است.

برخی مسائل مربوط به نجاسات

اگر لباس یا فرشِ نجس به بدنِ مرطوب یا عرق آلود شخصی در تماس شد،باید دید اگر اثر نجاست در بدن ظاهر شده است،به نجاست آن حکم می شود و اگر ظاهر نشده است،محکوم به نجس نمی شود.

اگر لباس مرطوب بر روی زمین خشک که نجس است،قرار گرفت و آن زمین با این لباسِ مرطوب خیس گردید،تا وقتی که اثر نجاست در لباس ظاهر نگردد،لباس نجس نمی شود.

اگر لباس خشک و پاکی در لباس خیس و نجس پیچیده شد،به گونه ای که اگر چنانچه لباس خیس در هم فشرده شود از آن آب خارج نمی گردد،در آن صورت لباسِ پاک نجس نمی شود.

اگر باد بر نجاستی وزید و بر اثر آن،نجاست به لباس خیسی برخورد کرد،در این صورت اگر اثر نجاست در لباس ظاهر گردد آن لباس نجس می شود و اگر اثر نجاست ظاهر نگردد،آن لباس نجس نمی شود.

نمودار:تقسیمات نجاست حقیقی و احکام آن

ص:۴۶

چکیده مطالب

-نجاست غلیظه بخشوده شـده است اگر از نوع جِرم دار و به انـدازه یک درهم یا کمتر باشد،اما اگر از اندازه یک درهم بیشتر بود و نیز اگر نوع بیجرمِ آن از کف دست بیشتر بود،پاک کردن آن فرض است.

-نجاست خفیفه تا آنگاه که مقـدارش زیاد نباشـد،یعنی لباس و بـدن به انـدازه ی کمتر از یک چهارم به نجاست خفیفه آلوده شود،مورد بخشودگی قرار گرفته است.

-اگر شـئ ای نجس از جمله لبـاس،با چیز پاک در تماس شـد،تا هنگامی که اثر نجاست در چیز پاک ظاهر نگردد،نجس نمی شود.

سوالات درس

۱.چه مقدار از نجاست غلیظه مورد بخشودگی قرار گرفته و چه مقدار مورد بخشودگی قرار نگرفته است؟

۲.چه مقدار از نجاست خفیفه مورد بخشودگی قرار گرفته و چه مقدار مورد بخشودگی قرار نگرفته است؟

۳.لباس خشک و پاک در تماس با لباس خیس و نجس چه حکمی دارد؟توضیح دهید.

۴.نجاست غلیظه به چند قسم تقسیم می شود؟نام ببرید.

۶-مطهِّرات

اقسام مطهِّرات

مطهرات بر نُه قسمند:

اقسام مطهِّرات

۱مایعات؛که شامل آب مطلق و هر مایعی که إزاله ی نجاست با آن ممکن باشد،می شود

۲زمین۶خورشید

۳آتش۷تغییر و تبدیل(استحاله)

۴دباغت(پیرایش)پوست۸ذبح شرعی

۵صدقه۹مالش و خراشیدن عین نجاست خشک شده،مثل منی

روش از بین بردن نجاسات

اشاره

با توجه به انواع مطهرات،روش از بین بردن نجاسات و پاک کردن بدن و لباس و مکان از آن،به شرح زیر است:

مایعات:

با مایعات می توان همه نوع نجاسات را از بین برد.در صورتی که بعد از ازاله نجاست به وسیله شستن،اثر آن مثل رنگ و بوی در لباس باقی بماند و زایل ساختن آن دشوار باشد،باکی ندارد.

ص:۴۸

اشیائی که توسط پیشاب یا نجاست نامرئی نجس شده است،باید سه مرتبه شسته و هر بار در هم فشرده شود تا اینکه ریزش قطرات آب از آن قطع گردد و هر بار باید آب جدید و پاك به کار گرفته شود.

زمین

با مالیدن کفش متنجس بر سطح زمین و خاك،کفش پاك می شود خواه نجاست مرطوب باشد خواه خشك.همچنین با مسح دادن کارد و شمشیر خونین بر زمین و خاك،این اشیاء پاك می گردد.

خورشید

نور خورشید زمین نجس را پاك می کند به طوری که تنها نماز خواندن در آن جایز می گردد نه انجام تیمم.

آتش

اگر عین نجاست با آتش بسوزد،پاك می گردد.

تغییر و تبدیل

از تغییر و تبدیل اصطلاحاً به«استحاله»نیز تعبیر می کنند،مثل تبدیل الاغ مرده به نمک و شراب به سرکه و خون آهو به مشک.

دباغت(پیرایش)پوست

پوست آدمی با دباغت پاك می شود ولی استفاده آن درست نیست،زیرا با کرامت و شرافت انسان منافات دارد.پوست خوك در هیچ حالی پاك نمی شود گرچه دباغت شود.غیر از این دو،بقیه پوستها با دباغت پاك می شوند.

ذبح شرعی

پوست حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود با ذبح شرعی پاك می شود.البته منظور پاکی نمازی است و نه خوردنی.

مالش و خراشیدن عین نجاست خشک شده

اگر منی انسان به لباس یا بدن برسد و سپس خشک گردد،آن لباس یا بدن با مالیدن و خراشیدن پاک می گردد،ولی اگر منی مرطوب بود،لباس و بدن تنها با شستن پاک می گردد.

صدقه

گندم و جوی که از خوشه خود به وسیله گردانیدن الاغ یا اسب بر روی آن،جُدا شده است،با صدقه کردن یک قسمت آن از نجاستِ الاغ یا اسب پاک می گردد و نیازی به شستن ندارد.

ص:۵۰

چکیده مطالب

-مطهرات بر نه قسمند:مایعات،زمین،خورشید،آتش،استحاله،دباغت پوست،ذبح شرعی،مالش و خراشیدن عین نجاست خشک شده(مثل منی)،صدقه.

-با مایعات می توان همه نوع نجاسات را از بین برد؛

-مالیدن اشیای متنجس بر سطح زمین،سبب پاکی آن می شود؛

-نور خورشید زمین نجس را پاک می کند؛

-اگر عین نجاست با آتش بسوزد،پاک می گردد؛

-تبدیل الاغ مرده به نمک و شراب به سرکه سبب پاکی آن است؛

-به جز پوست آدمی و پوست خوک،بقیه پوستها با دباغت پاک می شود؛

-پوست حیوانی که گوشت آن خورده نمی شود با ذبح شرعی پاک می شود؛

-لباسی که منی در آن خشک شده است،با مالیدن و خراشیدن پاک می شود؛

-جو و گندمی که بر روی آن الاغ یا اسب بول کرده باشد،با صدقه پاک می شود.

سوالات درس

۱.مطهرات بر چند قسمند؟آنها را نام ببرید.

۲.با مایعات چه نجاساتی را می توان از بین برد؟

۳.با زمین و خاک چه نوع نجاستی را می توان پاک نمود؟

۴.خورشید و آتش چه نجاستی را پاک می کند؟

۵.استحاله به چه معنا است و منظور از آن در مباحث فقهی چیست؟

۶.پوست چه نوع موجوداتی با دباغت پاک نمی شود؟

۷.کدام نوع نجاست تحت چه شرایطی با مالیدن و خراشیدن پاک می گردد؟

۸.صدقه سبب پاکی چه چیز می شود؟

ص:۵۱

۷-اقسام آب ها و احکام آن

اقسام آب

اشاره

۱.آب مطلق(خالص)؛آبی است که بر اوصاف طبیعی خود یعنی رقّت و سیلان،سیراب نمودن و رویانیدن باقی بوده و نجاستی با آن آمیخته نشده و چیز دیگری برآن غلبه نیافته باشد.

۲.آب نجس؛آبی که با عین نجس یا شئ متنجس نجس شده باشد.

۳.آب فشرده؛آبی است که از فشردن میوجات و سبزیجات و گیاهان و...به دست آید.

۴.آب مضاف؛آبی است که با غیر خود آمیخته شده باشد.

هم اکنون به بررسی انواع و ذکر احکام هر یک از آب های بالا می پردازیم:

۱.آب مطلق:انواع و احکام

آب مطلق بر چهار قسم است:

۱.آب مطلقِ پاک و پاک کننده غیر مکروه؛در این قسم آبهای زیر داخل می شوند:

الف)آب آسمان مثل آب باران،تکرگ(ژاله)،برف و یخ ذوب شده؛

ب)آب روی زمین مثل آب دریا،رودخانه و جویبار؛

ج)آب زیر زمین،مثل آب چاه و انبارهای زیرزمینی.

ص:۵۲

حکم:آب مطلق هم پاک است و هم پاک کننده ی نجاسات و حَدَث هاست.

۲.آب پاک و پاک کننده ی مکروه؛آبی است که گربه یا ماکیان یا پرندگان وحشی یا مار از آن آشامیده باشد.

حکم:استفاده از این نوع آب در وضو و غسل مکروه است.

۳.آبی که خود پاک است اما در پاک کننده بودن آن شک واقع شده است،و آن آبی است که الاغ یا قاطر از آن آشامیده باشد.منظور از شک در پاک کننده بودن این است که آیا وضو یا غسل با این نوع آب صحیح است یا خیر.

حکم:در صورت عدم دست یابی به آب دیگری غیر از آن،وضو یا غسل با آن صحیح است البته همراه با تیمم،و اگر تیمم مقدم بر وضو یا غسل انجام بگیرد نیز درست است.

۴.آب پاک غیر پاک کننده که به آب مستعمل شهرت دارد،و آن آبی است که برای از بین بردن جنابت و حدث و یا به قصد قربت مثل وضوی مجدد به نیت ثواب،استعمال شده باشد.بنابر این،اگر شخص با وضویی برای خنک ساختن اعضای بدن خویش،یا برای آموزش دادن وضو به دیگری،به آبی وضو گرفت،آن آب مستعمل نیست.اما اگر شخص بی وضویی این کار را انجام بدهد،آن آب مستعمل محسوب می شود.

حکم:آب مستعمل پاک است اما وضو یا غسل با آن صحیح نیست.

۲.آب نجس

آب مطلق امکان دارد در دو حالت راکد(ایستاده و بی حرکت)و جاری نجس شود.

۳.آب راکد

آب راکد چنانچه در حوض یا ظرف بزرگی قرار دارد،اگر از ده در ده گز

شرعی (۱)کمتر بود و یا به اندازه ی ده در ده گز شرعی بود اما هنگام برداشتن آب با دست،کف حوض(یا ظرف)آشکار گردد،و یا با حرکت دادن یکی از دو طرف آن(حوض یا ظرف)طرف دیگر به حرکت و جنبش درآید،آن آب«آب اندك(قلیل)»است.و اگر ده در ده گز شرعی و بیشتر بود و عمق آن به گونه ای بود که اگر با دست از آن آب گرفته شود کف حوض آشکار نمی گردد،و یا با حرکت دادن یکی از دو طرف،آن طرف دیگر تکان نخورد،به آن«آب بسیار»گویند.

حکم:هرگاه شیء نجس با هر حجم و اندازه ای به آب اندك افتاد،آن را نجس می کند چه اثر نجاست در آب ظاهر گردد و چه ظاهر نگردد.و اگر به آب بسیار افتاد،تا زمانی که اثر نجاست از رنگ یا بوی و یا مزه در آن ظاهر نگشته است،آن آب پاك است.

۴.آب جاری

آب جاری آبی است که کاهی را ببرد اگرچه جریان آن پشتوانه نداشته باشد،مثلاً اگر دهان جوی از بالا بسته شود،آخر جوی که آب هنوز در آن جریان دارد،حکم آب جاری را خواهد داشت. (۲)

حکم:هرگاه در آب جاری نجاست افتاد و رنگ و یا بوی و یا مزه ی آن را تغییر داد،آن آب نجس می شود و در غیر این صورت نجس نمی شود.

۱- (۱) .یک گز حدود ۸۰-۷۰ سانتی متر است.
۲- (۲) .در تعریفی دیگر آمده است:آب جاری آبی است که استعمال آن مستلزم تکرار نباشد(الهدایه،مبحث آب جاری)به گونه ای که اگر شخص بخواهد آبی را که بعد از شستن دست یا صورت رها شده است دو باره به دست آورد،چنین کاری برایش میسر نباشد،زیرا آب استعمال شده منضم و منحل در آب جاری گشته است.طبق این تعریف آب هایی مثل حوض حمام در صورتی که مردم پیاپی از آب آن بگیرند به نحوی که روی آب از حرکت نماند،حکم آب جاری را خواهد داشت.

چکیده مطالب

-آب به طور کلی بر چهار قسم است:۱.آب مطلق(خالص)؛۲.آب نجس؛۳.آب فشرده؛۴.آب آمیخته؛

-آب مطلق نیز تقسیمات چهارگانه زیر را دارد با احکام مخصوص خود:

-آب مطلقِ پاک و پاک کننده غیر مکروه؛هم پاک است و هم پاک کننده؛

-آب پاک و پاک کننده ی مکروه؛استفاده از آن در وضو و غسل مکروه است؛

-آبی که خود پاک است اما در پاک کننده بودن آن شک واقع شده است.

-آب مستعمل؛پاک است اما وضو یا غسل با آن صحیح نیست؛

-آب راکد اگر اندک بود،به مجرد تماس با شیء نجس،نجس می شود؛

-آب راکد اگر بسیار بود،تا زمانی که اثر نجاست در آن ظاهر نگردد پاک است؛

-اگر نجاست رنگ و یا بوی و یا مزه ی آب جاری را تغییر دهد،آب نجس می شود.

سوالات درس

۱.اقسام آب را ذکر کنید؟

۲.انواع آب مطلق را نام ببرید و حکم آب مستعمل را بیان نمایید؟

۳.آب راکد در چه شرایطی«اندک»شمرده می شود؟

۴.آب راکد اگر بسیار بود تحت چه شرایطی نجس می شود؟

۵.آب جاری را تعریف کنید و چگونه نجس شدن آن را بیان کنید؟

ص:۵۵

۸-اقسام آب ها و احکام آن

آب فشرده و حکم آن

آبی که از فشردن میوجات و سبزیجات و گیاهان و بقیه مواد پاک به دست می آید،آب فشرده نام دارد.

حکم:آب فشرده پاک است و می توان اشیای متنجس را با آن پاک کرد،اما وضو یا غسل گرفتن با آن جایز نیست.

آب مضاف و احکام آن

آب مطلق وقتی با غیر خود که پاک است،مخلوط می شود،می تواند چند صورت داشته باشد:

۱.اختلاط آب مطلق با غیر خود همراه با جوشاندن بر روی آتش؛

۲.اختلاط آب مطلق با غیر خود بدون جوشاندن بر روی آتش.

در صورت اول،آبی که با غیر خود مخلوط گردیده و در آتش جوشانده شده است:

الف)اگر به قصد نظافت باشد،می شود با آن وضو گرفت؛

ب)اگر به قصد خوردن باشد و از طبیعت آبی خارج شده باشد،مثل آب گوشت(شوربا)،آب باقلا و امثال آن،نمی شود به آن آب وضو گرفت.

در مورد صورت دوم،یعنی اختلاط آب مطلق با غیر خود بدون جوشاندن بر

روی آتش،یا این است که این کار به قصد تنظیف انجام می گیرد یا بدون قصد تنظیف.اگر همراه با قصد تنظیف باشد،مثل اختلاط صابون و پودر لباس شویی و امثال آن با آب،در این صورت باید دید:

الف)اگر رقت آب باقی است،وضو با آن جایز است؛

ب)و اگر رقت آب از بین رفته،پس وضو یا غسل با آن جایز نیست.

اما اگر بدون قصد تنظیف انجام بگیرد،خود بر چند صورت است:

۱.اختلاط آب یا با اشیای جامد و سخت است که در این صورت:

الف)اگر رقت و سیلان آب از بین برود معنایش این است که غیر آب غالب است و بنابر این وضو یا غسل با آن جایز نیست.

ب)و اگر رقت و سیلان آب از بین نرود،و شئ مخلوط غالب نباشد،وضو یا غسل با آن جایز است.

۲.و یا اختلاطِ آب با اشیای مایع است که در این صورت باید دید آیا اوصاف شیء مایع مباین با آب است یا مباین نیست(یعنی موافق):

الف)اگر اوصاف شیء مایع مباین با آب باشد،مانند سرکه که در رنگ و بوی و مزه مخالف آب است و یا مثل شیر که در رنگ و مزه مخالف ولی در عدم بوی موافقِ آب است،در این صورت اگر اکثر اوصاف آب را تغییر دهد،آن آب مغلوب به حساب می آید و وضو یا غسل با آن درست نیست،و اگر اکثر اوصاف آب را تغییر ندهد،وضو یا غسل با آن صحیح است.

ب)اگر همه ی اوصاف شیء مایع موافق آب باشد مثل مخلوط شدن آب مستعمل یا گُلاب کُهنه که بویش رفته باشد،در این صورت مغلوبیت بر حسب کمّی است نه کیفی.بنابر این،اگر وزن آب مطلق بیش از وزن آب مستعمل باشد،با این دو آبِ به هم مخلوط شده وضو یا غسل صحیح است،و اگر کمتر از آب مستعمل بود،وضو یا غسل درست نیست.

ص:۵۷

جدول احکام آب مطلقِ مختلط با غیر

اختلاط آب مطلق با غیر خود که پاک استبدون جوشاندن بر روی آتشبدون قصد تنظیفاختلاط با اشیای جامد و سخترقت آب از بین می رودوضو و غسل صحیح نیست

\رقت آب از بین نمی رودوضو و غسل صحیح است

\اختلاط با اشیای مایعشیء مایع دارای اوصاف مباین با آب استاکثر اوصاف آب را تغییر می دهدوضو و غسل صحیح نیست

\اکثر اوصاف آب را تغییر نمی دهدوضو و غسل صحیح است

\شیء مایع دارای اوصاف موافق با آب مطلق است،مثل آب مستعملوزن آب مطلق بیش از وزن آب مستعمل استوضو و غسل صحیح است

\وزن آب مطلق کمتر از وزن آب مستعمل استوضو و غسل صحیح نیست

همراه با قصد تنظیفرقت آب باقی می ماندوضو و غسل صحیح است

\رقت آب باقی نمی ماندوضو و غسل صحیح نیست

همراه با جوشاندن

بر روی آتشبدون از بین رفتن اوصاف طبیعی آبوضو و غسل صحیح است

همراه با از بین رفتن اوصاف طبیعی آبوضو و غسل صحیح نیست

ص:۵۸

چکیده مطالب

-آب فشرده هم پاک است و هم پاک کننده اما وضو یا غسل با آن جایز نیست؛

-اختلاط آب مطلق با غیر خود:یا همراه با جوشاندن بر روی آتش و با حفظ اوصاف طبیعی است یا با از بین رفتن اوصاف طبیعی،که در صورت دوم وضو یا غسل با آن صحیح نیست؛یا بدون جوشاندن بر روی آتش که این کار یا به قصد تنظیف انجام می گیرد یا بدون قصد تنظیف.اگر همراه با قصد تنظیف باشد یا رقت آب باقی است،پس وضو با آن جایز است،یا رقت آب از بین رفته،پس وضو یا غسل با آن جایز نیست.اما اگر بدون قصد تنظیف انجام بگیرد،یا این است که اشیای مختلط،بر آب غالب گشته اند،پس وضو یا غسل با آن جایز نیست،و یا غالب نگشته اند که وضو با آن جایز است؛

-هنگام اختلاط آب مطلق با مایعاتی که اوصاف مباین با آ ب دارند،اگر اکثر اوصاف آب تغییر کند،وضو با آن صحیح نیست و الا صحیح است؛

-هنگام اختلاط آب مطلق با مایعاتی که اوصاف موافق با آ ب دارند،مثل آب مستعمل،اگر وزن و حجم اوّلی بیشتر از دومی بود،وضو یا غسل صحیح است و الا صحیح نیست.

سوالات درس

۱.آب فشرده چیست و حکم آن کدام است؟

۲.آب مطلق وقتی با غیر خود مخلوط می شود،چند صورت می تواند داشته باشد؟

۳.اختلاط آب مطلق با مایعاتی که اوصاف مباین با آ ب دارند،چه حکمی دارد؟

۴.هنگام اختلاط آب مطلق با مایعاتی که اوصاف موافق با آ ب دارند،حکم آن چیست؟

۹–استنجا و استبرا و احکام آن

استبراء

عبـارت است از بیرون سـاختن بقیه ادرار که در محـل باقی مانـده است،به گونه ای که بر گمان شـخص این امر غالب شود که چیزی از نجاست در محل باقی نمانده است.اسـتبرا می تواند با روشـی همچون برخاستن یا راه رفتن یا حرکت دادن پا یا صاف کردن سینه یا مسح با انگشتان از انتهای مقعد به سمت جلو تا ابتدای ذکر و دوباره از ابتدای ذکر تا انتهای آن،انجام بگیرد.

استنجاء

اشاره

عبارت است از دور کردن نجاست از عضو مخصوص توسط آب و یا خاک و یا سنگ و یا کلوخ و مانند اینها.

هنگام دور کردن نجاست ممکن است حالات متعددی پیش آید که در ذیل هر کدام با حکم خود بیان شده است:

ص:۶۰

برخی احکام استنتجا

برخی احکام استنجامستحب۱مستحب است استنجا با سه عدد سنگ یا کلوخ انجام بگیرد و اگر نظافت با دو عدد هم صورت بگیرد،جایز است

۲بعد از نظافت با سنگ یا امثال آن،مستحب است که اول دست شسته شود و سپس محل

افضل۱سزاوار است که مخرج اول با سنگ یا مانند آن پاک گردد و سپس با آب شسته شود،زیرا این شیوه در نظافت کاری کامل تر است،گرچه استنجا تنها با سنگ و امثال آن نیز صحیح می باشد

مکروه۱استنجا با هر چیزی که برای انسان و دیگر موجودات منفعت داشته باشد مکروه است

۲استنجا با چیزهای خوردنی مکروه است

۳استنجا با دست راست و با سرگین و استخوان مکروه است

ص:۶۲

چکیده مطالب

-استبرا یعنی بیرون ساختن بقیه پیشاب از محل،به گونه ای که گمان آید بر اینکه چیزی از نجاست در محل باقی نمانده است.

-استنجا عبارت است از دور کردن نجاست از عضو مخصوص به آب و یا خاک و....

-هنگام دور کردن نجاست ممکن است حالات متعددی پیش آید که هر کدام حکم خاص خود را دارد.

-مستحب است استنجا با سه عدد سنگ یا کلوخ باشد و دست ها بعد از آن شسته شود.

-استنجا با اشیای منفعت دار و خوردنی و استخوان و سرگین مکروه است.

سوالات درس

۱.استنجا را تعریف کنید؟

۲.اگر نجاست از مخرج خود تجاوز بکند،چند صورت می تواند داشته باشد؟

۳.مستحبات استنجا را بیان نمایید؟

۴.مکروهات استنجا را نام ببرید؟

ص:۶۳

۱۰-وضو

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا قُمْتُمْ إِلَی الصَّلاهِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَکُمْ وَ أَیْدِیَکُمْ إِلَی الْمَرافِقِ وَ امْسَحُوا بِرُؤُسِکُمْ وَ أَرْجُلَکُمْ إِلَی الْکَعْبَیْنِ وَ إِنْ کُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا (۱)

ای کسانی که ایمان آورده اید!هنگامی که به نماز می ایستید،صورت و دستها را تا آرنج بشویید و سر را مسح کنید و پاها را تا قوزک(بشویید)،و اگر جنب باشید،خود را پاکیزه(یعنی غسل)کنید

درآمد

نمازگزار باید قبل از انجام نماز،وضو گرفته و خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند.

وضو در لغت از«وضاءه»گرفته شده که به معنای پاکیزگی و نیکویی است و در اصطلاح شرعی،عمل تعبّدی است برای رساندن آب با روش شُست وشو و مسح،به اعضای مخصوصی از بدن جهت انجام کارهای عبادی.

۱- (۱) .مائده،آیه۶.

اقسام وضو

به طور کلی وضو بر سه قسم است:

۱.فرض؛

۲.واجب؛

۳.مستحب.

چه وقت وضو فرض می گردد؟

برای انجام کارهای زیر،وضو بر شخص فرض می گردد:

۱.ادای نماز؛چه فرض و چه نفل؛

۲.نماز جنازه؛

۳.سجده تلاوت؛

۴.به دست گرفتن مصحف شریف؛

۵.دست زدن به نوشته های قرآنی.

چه وقت وضو واجب می گردد؟

در یک مورد وضو گرفتن واجب می شود:هنگام طواف خانه کعبه است.

چه وقت وضو مستحب است ؟

در موارد زیر،انجام دادن وضو مستحب است:

۱.قبل و بعد از خواب؛

۲.وضو بالای وضو به نیت ثواب؛

۳.جهت غسل دادن مرده؛

۴.به وقت فرارسیدن هر نمازی؛

۵.قبل از غسل جنابت؛

ص:۶۵

۶.شخص جنب در هنگام آشامیدن،نوشیدن و خوابیدن؛

۷.تلاوت شفوی قرآن کریم؛

۸.خواندن حدیث نبوی شریف و نیز روایت آن؛

۹.هنگام فراگیری علوم دینی و تدریس آن؛

۱۰.برای اذان و اقامه گفتن؛

۱۱.خواندن خطبه؛

۱۲.زیارت روضه نبی اکرم صلّی الله علیه و آله؛

۱۳.هنگام وقوف در عرفه؛

۱۴.هنگام سعی بین صفا و مروه.

یادآوری

لازم به ذکر است که وضو چه فرض باشد و چه مستحب،می شود با آن نمازهای فرض را خواند حتی اگر وضویی باشد که شخص آن را برای تعلیم به دیگران انجام داده باشد.

ص:۶۶

چکیده مطالب

–وضو در شرع مقدس اسلام عنوانی است برای رساندن آب به اعضای مخصوصی از بدن جهت انجام کارهای عبادی؛

–وضو بر سه قسم:وضوی فرض،وضوی واجب و وضوی مستحب تقسیم می شود؛

–وضو تنها در شرایط خاصی بر شخص فرض یا واجب و یا مستحب می گردد.

سوالات درس

۱.وضو به طور کلی بر چند قسم است؟

۲.وضو کدام وقت بر شخص فرض می گردد؟

۳.در چه موردی وضو واجب می شود؟

۴.ده مورد از موارد استحباب وضو را نام ببرید؟

ص:۶۷

۱۱–وضو

شرطهای صحت وضو

شرط صحت به این معنی است که عدم رعایت آن،سبب نقصان و در نتیجه بطلان کار مورد نظر می گردد.بنابر این،اگر یکی از شرطهای آتی در انجام دادن وضو رعایت نشود،وضو صحت نمی یابد.

شروط صحت وضو اینهایند:

۱.رسیدن آب به تمام اعضایی که شستن آنها در وضو لازم است.

۲.اینکه چیزی وجود نداشته باشد که مانع رسیدن آب به پوست بدن گردد،همچون موم و چربی یا خمیر.

۳.عدم وجود چیزهایی که وضو را باطل می کند.

فرایض و ارکان وضو

فرایض یا همان ارکان وضو چهار چیز است که با عدم رعایت حتی یکی از آنها،وضو تحقق نمی یابد:

۱.یک بار شستن روی؛

۲.یک بار شستن هر دو دست به همراه آرنج ها؛

ص:۶۸

۳.مسح کردن یک چهارم سر؛

۴.یک بار شستن هر دو پا به همراه دو قوزک آن.

سنت های وضو

موارد زیر به عنوان سنت های وضو شناخته می شوند:

۱نیت وضو قبل از شروع آن۱۰مسح درون و بیرون گوشها

۲گفتن:بسم الله الرحمن الرحیم۱۱خلال ریش از زیر آن

۳شستن دستان تا مُچ۱۲خلال انگشتان

۴مسواک کردن و اگر مسواک یافت نشد،با انگشت دست انجام بدهد۱۳اعضا را هنگام شستن خوب بمالد و بفشرد

۵مضمضه۱۴شستن عضو دوم قبل از خشک شدن عضو اول

۶استنشاق۱۵رعایت ترتیب،یعنی اول شستن صورت،سپس دست ها و بعد مسح سر و در آخر شستن پاها

۷سعی و مبالغه در مضمضه و استنشاق۱۶شستن دست و پای راست قبل از دست و پای چپ

۸سه بار شستن هر عضو۱۷آغاز مسح از جلوی سر

۹مسح تمام سر۱۸مسح گردن نه حلقوم (۱)

۱- (۱) .از طرف راست شروع کردن.مسح گردن در مختصر الوقایه از جمله مستحبات وضو شماریده شده است.

آداب و مستحبات وضو

امور زیر به عنوان آداب و مستحبات وضو به حساب می آیند:

۱رو به سوی قبله نشستن

۲خواندن دعاهای مأثوره

۳کمک نخواستن از غیر در انجام وضو

۴استفاده از دست چپ به هنگام افشاندن بینی

۵به دست راست گرفتن آب به هنگام مضمضه و استنشاق

۶فرو بردن سر انگشت کوچک دست به هنگام مسح سر

۷به حرکت درآوردن و چرخاندن انگشتر گشاد(در صورت وجود آن در دست)

۸قرار گرفتن متوضی در مکانی مرتفع تا ذرات آب مستعمل بر بدن و لباسش پاشیده نشود

۹قبل از داخل شدن وقت نماز وضو بگیرد؛مگر برای شخص معذوری که وضو گرفتن برای او در وقت هر نمازی الزامی است

۱۰به زبان آوردن نیت وضو

۱۱پرهیز از سخنان عادی و دنیوی

۱۲گفتن«بسمله»هنگام شستن هر عضو

چکیده مطالب

-بعضی از امور به عنوان شرط صحت وضو مطرح است،که عدم رعایت آن سبب بطلان وضو می گردد.

-وضو دارای ارکان یا همان فرایضی است که عدم رعایت یکی از آنها سبب نقصان آن می گردد.

-برای وضو سنت ها و نیز مستحباتی تعیین شده است که بر کمال آن می افزاید.

سوالات درس

۱.شروط صحت وضو را نام ببرید و بیان کنید که«شرط صحت»به چه معناست؟

۲.ارکان وضو کدامها هستند؟

۳.ده مورد از موارد سنت های وضو را نام ببرید؟

ص:۷۱

۱۲-وضو

مکروهات وضو

امور زیر مکروهات وضو به شرح ذیل است:

۱.اسراف در استفاده از آب؛

۲.کوتاهی در استفاده از آب به گونه ای که کمتر از مقدار کافی باشد؛

۳.به صورت زدن و پاشیدن آب هنگام شستن آن؛

۴.به سخنان عادی و دنیوی مشغول شدن؛

۵.کمک گرفتن از غیر خود در انجام وضو.

شکننده های وضو

وضو به خاطر امور زیر باطل می گردد:

۱.خارج شدن چیزی از یکی از دو راه،مثل باد شکم،پیشاب و مدفوع؛

۲.خارج شدن خون یا زرداب از بدن به گونه ای که از محل خروج خود تجاوز کند؛

۳.بیرون آمدن خون از دهان به گونه ای که بر آب دهان غالب آید یا برابر گردد؛

۴.قی کردن به اندازه پُری دهان؛ (۱)

۵.خواب که توان نگهداری خوابیده را از بین ببرد و او را سست سازد به نحوی که مقعد(نشیمنگاه)او از زمین دور شود؛ (۲)

۶.بی هوش گردیدن؛

۷.دیوانه شدن؛

۸.قهقهه ی شخص بالغ و بیدار در نماز دارای رکوع و سجود.

مواردی که وضو نمی شکند

برخی از امور شباهت به شکننده های وضو دارند اما در واقع وضو را نمی شکنند و آنها عبارتند از:

۱آشکار شدن خون از بدن و عدم تجاوز آن از محل خروج

۲جدا شدن گوشت از بدن بدون اینکه از آن خون سیلان کند

۳نمازگزار در نماز در حالی که بر صفت سنت قرار دارد،بخوابد خواه در حالت ایستادن یا نشستن یا رکوع و سجده

۴شخص دارای وضو به خواب برود به گونه ای که مقعدش از زمین جدا نگردد

۵چُرت زدن به گونه ای که تعادل خویش را از دست ندهد و به سویی تمایل ننماید

۶بیرون شدن کِرم از زخم یا گوش۹قی کردن بلغم خواه کم باشد خواه زیاد

۷قی کردن بدون پُری دهان۱۰مساس زن

۸لمس آلت مردانه خویش۱۱خارج شدن باد از پیش

۱- (۱) .پُری دهـان آنگـاه است که قی به گونه ای باشـد که بی اختیـار از دهـان خـارج شود و آن را نشود نگه داشت مگر به سختی.

۲- (۲) .اگر متوضـی در حال نشسـته به خواب رفت و مقعـد او بر زمین یا چیزی که در حکم زمین است اسـتوار بود،وضویش نمی شـکند،اما اگر به همین حالت به بالشـی تکیه می داد و بالش برداشـته شد و او افتاد و مقعدش از زمین دور شد،وضوی او می شکند و اگر بر حال خود باقی ماند و مقعدش از زمین کنده نشد،وضویش نمی شکند.

برخی فروعات مربوط به وضو

برخی از اموری که انجام دادن آن در وضو واجب(لازم)است،عبارتند از:

۱.شستن ظاهر محاسن(ریش)انبوه که پوست صورت زیر آن دیده نمی شود؛

۲.رساندن آب بر زیر محاسنی که پوست بدن از لابلای آن آشکار است؛

۳.حرکت دادن انگشتر تنگ.

مواردی که رعایت آنها در وضو الزامی نیست:

۱.شستن یا مسح موهایی از محاسن که فروآویخته(مسترسل)است؛

۲.اعاده ی دوباره ی مسح سر بعد از تراشیدن موی آن.

ص:۷۴

چکیده مطالب

-وضو دارای برخی مکروهات است که شایسته است شخص متوضی از آنها دوری نماید؛

-برخی امور شکننده های وضو هستند که به مجرد اتفاق آنها وضو باطل می شود؛

-برخی از امور شباهت به شکننده های وضو دارند اما در واقع وضو را نمی شکنند.

سوالات درس

۱.مکروهات وضو را نام ببرید؟

۲.پنج مورد از شکننده های وضو را بیان کنید؟

۳.مواردی که به شکننده های وضو شباهت دارند،کدامها هستند؟

ص:۷۵

۱۳-غسل

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

وَ إِنْ كُنْتُمْ جُنُباً فَاطَّهَّرُوا [مائده/۶]

و اگر جنب باشید،خود را پاکیزه(یعنی غسل)کنید

درآمد

غسل(به ضم غین)عبارت است از شستن تمام بدن و مالیدن آن با استفاده از آب پاک کننده به طریق مخصوص جهت امر شریعت.

اقسام غسل

غسل بر سه قسم است:

غسل فرض؛

غسل سنت؛

غسل مستحب.

فرایض غسل

فرایض غسل سه چیز است:

۱.مضمضه؛

۲.استنشاق؛

۳.رساندن آب به تمام بدن به نحوی که در بدن هیچ جای خشکی باقی نماند.

سنت های غسل

امور زیر به عنوان سنت های غسل مطرح هستند که شایسته است مراعات گردند تا غسل به کامل ترین وجه آن انجام بگیرد:

۱.قبل از شروع «بسم الله الرحمن الرحیم» گفتن؛

۲.نیت کردن جهت حاصل نمودن پاکی و طهارت؛

۳.شستن دست ها تا مُچ قبل از پرداختن به بقیه اعضای بدن؛

۴.شستن و از بین بردن نجاست و پلیدی از بدن اگر معلوم و ظاهر بود؛

۵.وضو گرفتن قبل از غسل،و اگر در مکانی غسل می گرفت که در آن آب جمع می شود،پاها را بعد از غسل بشوید؛

۶.سه بار رساندن آب بر تمام بدن؛

۷.اول شستن سر و سپس سمت راست و بعد طرف چپ؛

۸.مالش دادن بدن؛

۹.پیاپی شستن بدن به گونه ای که عضو اول قبل از شستن عضو بعدی،خشک نگردد.

چکیده مطالب

-غسل که عبارت است از شستن تمام بدن به طریق مخصوص،بر سه قسم است.

-فرایض یا همان ارکان غسل سه چیز است:مضمضه،استنشاق و رساندن آب به تمام بدن؛

-غسل دارای سنت های نه گانه است که انجام آن بر کمال غسل می افزاید.

سوالات درس

۱.غسل را تعریف کنید و اقسام آن را نام برید؟

۲.فرایض غسل را ذکر کنید؟

۳.پنج مورد از موارد سنت های غسل را نام ببرید؟

۱۴–غسل

غسل های فرض

در چهار مورد غسل بر شخص فرض می گردد:

۱.جُنُب شدن شخص؛

۲.بعد از پاک شدن زن از عادت ماهیانه یعنی حیض؛

۳.بعد از قطع خون نفاس برای زنان؛

۴.غسل دادن شخص مرده بر زندگان.

عوامل جنابت

عوامل جنابت را در جدول زیر ملاحظه فرمایید:

عوامل جنابت۱بیرون آمـدن منی از مرد یا زن به ظاهر بـدن،به شـرطی که از مقر خود به شـهوت و لـذت جـدا شودکم باشد یا زیاد

\در خواب یا در بیداری

۲جماع(آمیزش)و حد اقل آن عبارت است از داخل شدن سر عضو تناسلی در فرج زن یا مقعد زن یا مردبا حلال باشد یا حرام

\منی بیرون آید یا نیاید

ص:۷۹

غسل های سنت

در پنج مورد غسل نمودن سنت است:

۱.غسل روز جمعه برای نماز آن روز؛

۲.نماز عید فطر؛

۳.نماز عید قربان؛

۴.هنگام احرام بستن؛

۵.برای حاجی در روز عرفه بعد از زوال خورشید.

غسل های مستحب

غسل در موارد زیر مستحب است:

۱.شب نیمه ماه شعبان؛

۲.شب قدر؛

۳.جهت ادای نماز کسوف(آفتاب گرفتگی)؛

۴.برای نماز خسوف(ماه گرفتگی)؛

۵.برای نماز استسقاء؛

۶.به هنگام ترس و وحشت؛

۷.به هنگام تاریکی؛

۸.زمان وزش باد شدید و طوفانی؛

۹.قبل از پوشیدن لباس جدید؛

۱۰.برای توبه از گناهان؛

۱۱.بعد از بازگشت از سفر؛

۱۲.هنگام ورود به مدینه منوره؛

۱۳.زمان ورود به مکه مکرمه؛

۱۴.هنگام وقوف در مزدلفه به هنگام صبحگاه روز عید قربان(یوم النحر)؛

۱۵.طواف زیارت؛

۱۶.بعد از غسل دادن میت؛

۱۷.پس از حجامت؛

۱۸.برای کسی که از دیوانگی خویش به هوش آمده باشد؛

۱۹.پس از پذیرفتن دین مبین اسلام.

توجه

لازم به ذکر است که با همه این غسل ها چه غسل فرض،چه سنت و چه مستحب می شود نمازهای فرض،واجب و غیره را خواند و احتیاج به وضو یا غسل فرض ندارد.

چکیده مطالب

-در چهار مورد غسل بر شخص فرض می گردد.

-یکی از مواردی که غسل فرض می گردد،حالت جُنب است و جنابت عوامل خاص خود را دارد.

-در برخی موارد انجام دادن غسل سنت است.

-به مناسبت برخی امور و یا به خاطر انجام بعضی کارها،غسل گرفتن مستحب است.

سوالات درس

۱.مواردی را که غسل بر شخص فرض می گردد،ذکر کنید؟

۲.در چه حالت هایی شخص را جنب می گویند؟

۳.مواردی را که انجام دادن غسل سنت است،نام ببرید؟

۴.هفت مورد را که انجام دادن غسل در آن مستحب است،ذکر کنید؟

ص:۸۲

۱۵-تیمم(۱)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

وَ إِنْ کُنْتُمْ مَرْضی أَوْ عَلی سَفَرٍ أَوْ جاءَ أَحَدٌ مِنْکُمْ مِنَ الْغائِطِ أَوْ لامَسْتُمُ النِّساءَ فَلَمْ تَجِدُوا ماءً فَتَیَمَّمُوا صَعِیداً طَیِّباً فَامْسَحُوا بِوُجُوهِکُمْ وَ أَیْدِیکُمْ مِنْهُ [مائده/۶]

و اگر بیمار یا مسافر باشید،یا یکی از شما از محل پستی آمده(قضای حاجت کرده)،یا با زنان تماس گرفته(و آمیزش جنسی کرده اید)،و آب(برای غسل یا وضو)نیابید،با خاک پاکی تیمم کنید و از آن،بر صورت و دستها بکشید

درآمد

تیمم در لغت به معنای«قصد و توجه»بوده و در شریعت اسلام عبارت است از مسح و مساس کردن صورت و دو دست با خاک پاک به طریق مخصوص.

تیمم زمانی انجام داده می شود که امکان وضو و یا غسل با آب وجود نداشته باشد. (۱)

ص:۸۳

۱- (۱) .البته در برخی موارد استثنایی که امکان استفاده از آب وجود دارد،انجام دادن تیمم لازم است.در این باره رجوع کنید به مبحث اقسام آب ها و احکام آن.

اقسام تیمم

۱تیمم فرضدر مواردی که وضو یا غسل فرض است،تیمم نیز فرض می گردد

۲تیمم واجبتیمم برای طواف

۳تیمم مستحبآنجا که وضو گرفتن مستحب است،انجام تیمم نیز مستحب می شود

فرایض یا همان ارکان تیمم

۱مسح کردن تمام روی

۲مسح کردن هر دو دست همراه با آرنج

شروط صحت تیمم

شروط صحت تیمم هشت چیز است که همراه با جزئیات،آن را در جدول زیر ملاحظه می فرمایید:

ص:۸۴

شروط صحت تیمم۱نیتنیت خواندن نماز

لزوم رعایت شروط سه گانه

۱.نیت کردن پاکی از حدث(بی وضویی)

۲\.نیت روا گردیدن نماز و به عبارتی مجزی گشتن نماز

۳\.نیت عبادت قصد کرده شده(مقصوده)که انجام آن بدون طهارت صحیح نیست مثل نماز و سجده ی تلاوت

\نیت غیر نماز که این غیر یا:۱.اصلاً عبادت نیست بلکه کار معمولی استحکماگر تیمم به نیت انجام کارهایی از این سه نوع صورت بگیرد،

با این تیمم نماز خواندن صحیح نیست

۲\.عبادت غیر مقصوده است،مثل مساس و به دست گرفتن قرآن و گفتن اذان و اقامه (۱)

۳\.عبادت مقصوده است مثل تلاوت قرآن (۲)

۲وجود عذر موجه بر انجام تیمم۱.نبود آب به گونه ای که یا اصلاً نباشد و یا برای وضو یا غسل کفایت نکند

۲\.عجز و ناتوانی از استعمال آب و یا احتیاج به آن در صورت کم بودن آب

۳تیمم به چیز پاك و از جنس زمینهر شیئی که در آتش بسوزد و خاکستر گردد و یا بگدازد و ملایم یا ذوب شود و یا زمین آن را هضم کند،از جنس زمین نیست.بنابر این،تیمم به چوب و گیاه و نقره و طلا و آهن برنج و شیشه و...صحیح نیست

۴استیعابیعنی دربر گرفتن تمام صورت و دستان

ص:۸۵

۱- (۱) .اذان و اقامه عبادت غیر مقصوده است،زیرا غرض از آن تنها اعلام و آگاهی نمازگذاران است چه اینکه آن دو بدون وضو نیز درست است.

۲- (۲) .تلاوت و خواندن قرآن کریم اگرچه عبادت مقصوده است،اما بدون وضو رواست.

۵مسح با تمام دستان یا اکثر آنمسح با دو انگشت به طور مکرر به گونه ای که تمام صورت و دست ها مسح گردند،صحیح نمی باشد

۶دو ضربه به وسیله ی داخل دو کف دستاناگر شخص خود را حرکت داد و در جای غبار به نیت تیمم داخل گردید و خاک نیز بر بدن او نشست و با آن صورت و دستانش را مسح نمود،تیمم درست است.

۷عدم حایل بین اعضای مسح کننده و مسح شوندهمثل انواع چربی ها،پیه،شمع و...

۸پاک بودن از اموری که منافی با تیمم استمثل ترشح و بیرون شدن بول،حیض،نفاس،و...

ص:۸۶

چکیده مطالب

-تیمم در شریعت اسلام عبارت است از مسح و مساس کردن صورت و دو دست با خاک پاک به طریق مخصوص.

-تیمم بر سه قسم فرض،واجب و مستحب تقسیم می شود؛

-هشت چیز از شروط صحت تیمم به حساب می آید.

-یکی از شروط صحت تیمم«نیت»است و کسی که می خواهد نماز به جا آورد،باید تیمم را به قصد انجام نماز انجام دهد و نه غیر نماز،زیرا در غیر این صورت نمازش صحیح نمی شود.

سوالات درس

۱.تیمم را تعریف کنید و اقسام آن را ذکر کنید؟

۲.ارکان یا همان فرایض تیمم چند است؟ذکر کنید.

۳.شروط صحت تیمم را نام ببرید؟

۴.در نیت که از شروط صحت تیمم است،رعایت چه اموری الزامی است؟

۵.وجود چه نوع عذری سبب انجام تیمم می گردد؟

ص:۸۷

۱۶–تیمم(۲)

سنت های تیمّم

امور زیر از سنت های تیمم است:

۱.قبل از شروع گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» ؛

۲.مراعات ترتیب،بدین نحو که مسح صورت را مقدم بدارد،سپس دست راست و بعد دست چپ؛

۳.مراعات موالات،یعنی عدم ایجاد فاصله بین اعضای مسح شونده با عملی بیگانه از تیمم؛

۴.ضربه زدن بر روی زمین با پنجه ی دو دست به طور کامل؛

۵.تکان دادن و افشاندن دست ها بعد از برداشتن از روی زمین؛

۶.باز گذاشتن انگشتان دست هنگام نهادن بر روی زمین.

کیفیت تیمم

شخصی که می خواهد تیمم انجام بدهد،با گفتن بسم الله الرحمن الرحیم و نیتِ به جا آوردن نماز،کف هر دو دستانش را بر روی زمین و یا چیزی که از جنس زمین است یک بار بزنند و در این حال،انگشت ها را از هم دور دارد.

ص:۸۸

سپس یک بار دستانش را بیفشاند و بعد صورتش را به گونه ای مسح نماید که چیزی از آن باقی نماند.سپس دست ها را دو باره به زمین بزند و بیفشاند و بعد دست راست را با دست چپ و چپ را با دست راست از انگشتان تا آرنجها مسح نماید.

شکننده های تیمم

شکننده های تیمم را می توان در دو مورد کلی که دارای مصادیق متعددی است،خلاصه نمود:

۱.هر چیزی که وضو را می شکند،تیمم را نیز می شکند؛

۲.قدرت بر استعمال آب،یعنی بر طرف شدن عذری که تیمم را بر شخص مباح کرده بود.

برخی از احکام تیمم

با توجه به دو شرط اول از شروط صحت تیمم که در درس گذشته به آن اشاره گردید-به گونه ای که می توان گفت این دو شرط دربردارنده ی بیشترین فروعات و مسائل جزیی هستند-بنابر این،به ذکر برخی مسائل می پردازیم:

کسی که برای خواندن نماز جنازه یا برای ادای سجده تلاوت تیمم نمود،می تواند با این تیمم هر نماز دیگری را بخواند بر خلاف کسی که جهت داخل شدن به مسجد یا زیارت قبور یا دفن کردن میت تیمم نموده است.

شخصی که به او وعده آب داده شده است،واجب است تیمم را به تأخیر اندازد،اما کسی که امید به پیدا کردن آب قبل از خروج وقت نماز دارد،به تأخیر انداختن تیمم و نماز برایش مستحب است.

ص:۸۹

چکیده مطالب

-رعایت برخی از امور هنگام انجام دادن تیمم سنت است و بر کمال آن می افزاید.

-انجام تیمم دارای روش مخصوص خودش است که باید مراعات شود.

-شکننده های تیمم عبارتند از شکننده های وضو و قدرت بر استعمال آب.

-هر یک از شروط صحت تیمم دارای مسائل و فروعاتی هستند که باید بدانها توجه نمود.

سوالات درس

۱.سنّت های تیمم را ذکر کنید؟

۲.کیفیت انجام تیمم را بیان نمایید؟

۳.شکننده های تیمم کدام هایند؟

۱۷-مسح بر خفین

درآمد

مسح بر خفین (۱)رخصتی است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و یاران او بر آن عمل کرده اند جهت سهولت و آسانگیری بر امت اسلام.

مسح بر خفین عبارت است از مسح بخشی معین از پاپوش مخصوص به عوض شستن پا در زمان و شرایط خاص.

البته شستن پاها در وضو بهتر است،زیرا اصل شستن پاهاست و مسح بر خفین جایگزین آن است.

شرایط صحت مسح بر خفین

مسح بر خفین یا همان موزه،تنها با رعایت شروط زیر صحیح است:

۱.در حال طهارت به پا کردن موزه؛

۲.خفین در حدی باشد که قوزك پا را بپوشاند؛

۳.جفت موزه از پارگی به مقدار طول سه انگشت،از انگشتان کوچك پا،خالی باشد؛

۱- (۱) .خفّ:موزه.

۴.موزه ها هر دو پا را محکم بگیرد بدون این که با چیز دیگری مثل بند کفش بسته شود؛

۵.موزه ها باید از رسیدن آب به هر دو پا جلوگیری نماید؛

۶.پی در پی راه رفتن در خفین،ممکن باشد.

فرض یا ارکان مسح

مقدار فرض در مسح خفین به اندازه سه انگشت کوچک دست بر قسمت بیرون و بالای هر پا می باشد.

سنت مسح

دو چیز در مسح خفین سنت است:

۱.هنگام مسح انگشتان دو دست از هم باز و گشاده باشد؛

۲.مسح از سرانگشتان پا تا ساق انجام بگیرد.

مدت مسح

ص:۹۲

شکننده های مسح بر خفین

امور زیر شکننده های مسح بر خفین به حساب می آیند:

۱.شکننده های وضو؛

۲.بیرون کردن موزه از پا؛

۳.بیرون آوردن بیشترین قسمت پا تا ساق موزه؛

۴.به پایان رسیدن مدت مسح؛

۵.رسیدن بیشترین قسمت یکی از دو پا(قدم)یا داخل شدن آب به موزه.

ص:۹۳

چکیده مطالب

-مسح بر خفین رخصت شرعی است جهت سهولت و آسانگیری بر امت اسلام.

-مسح بر خفین دارای شرایطی است که باید رعایت شود.

-این مسح مثل بقیه اعمال عبادی دارای فرایض و سنت ها است.

-مدتی برای تداوم و اعتبار مسح بر خفین تعیین شده است.

-برخی از امور به عنوان شکننده های مسح بر خفین مطرح اند.

سوالات درس

۱.سبب اصلی در تشریع مسح بر خفین چیست؟

۲.شرایط صحت مسح بر موزه را ذکر کنید؟

۳.فرایض و سنّت های مسح بر خفین را نام ببرید؟

۴.مدت اعتبار مسح بر خفین برای مقیم و مسافر چند روز است؟

۵.شکننده های وضو را نام ببرید؟

ص:۹۴

۱۸–حیض و نفاس و استحاضه

اشاره

قال الله عز و جل:

وَ یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْمَحِیضِ قُلْ هُوَ أَذیً فَاعْتَزِلُوا النِّساءَ فِی الْمَحِیضِ وَ لا تَقْرَبُوهُنَّ حَتّی یَطْهُرْنَ فَإِذا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَیْثُ أَمَرَکُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ یُحِبُّ التَّوّابِینَ وَ یُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِینَ [بقره/۲۲۲]

و از تو،در باره خون حیض سؤال می کننـد،بگو:«چیز زیانبـار و آلوده ای است؛از این رو در حـالت قاعـدگی،از آنـان کنـاره گیری کنیـد!و بـا آنهـا نزدیکی ننمایـد،تـا پاک شونـد!و هنگامی که پاک شدنـد،از طریقی که خـدا به شـما فرمان داده،با آنها آمیزش کنید!خداوند،توبه کنندگان را دوست دارد،و پاکان را(نیز)دوست دارد

حیض

اشاره

حیض خـونی اسـت کـه از رحم(زهـدان)زنی که در سن بلـوغ به سـر می برد و به حـد ایـاس نرسـیده است،بعـد از مـدت طهر صحیح(یعنی بعد از گذشت پانزده روز از انتهای آخرین حیض)بیرون می آید.

در اینجا باید راجع به برخی امور توضیحاتی ارائه گردد:

۱سن بلوغسن بلوغ در زنان نه سال است،پس خونی که قبل از نه سالگی دیده می شود حیض نیست،بلکه استحاضه است و از خواندن نماز و گرفتن روزه جلوگیری نمی کند

۲سن ایاسسن ایاس یعنی ناامیدی از تولید نسل،پنجاه و پنج سال است و خونی که بعد از پنجاه و پنج سالگی بیرون می آید حیض نیست،بلکه استحاضه است

۳طُهرطهر ایامی است که در آن زمان زن ها از خون نفاس و حیض پاکند

۴مدت طهرکمترین مدت طهر پانزده روز است و بیشترین مدت آن حد ندارد و ممکن است ماه ها و بلکه سالها به طول انجامد

۱.مدت حیض

کمترین مدت حیض سه شبانه روز و بیشترین مدت آن ده شبانه روز است.پس خونی که کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز باشد،حیض نیست بلکه استحاضه است.

۲.حکم زن حائض

زن حایض باید از انجام دادن امور زیر خودداری نماید:

۱خواندن نماز(قضا ندارد)۵نزدیکی با شوهر

۲گرفتن روزه(قضا دارد)۶دست زدن به مصحف شریف

۳داخل شدن به مسجد۷قرائت قرآن

۴طواف خانه کعبه چه در ایام حج و عمره و چه در غیر آن

نفاس

اشاره

نفاس خونی است که پس از تولد نوزاد بیرون می آید.کمترین مدت نفاس حد ندارد یعنی ممکن است یک لحظه باشد،و بیشترین مدت آن چهل روز است و بیشتر از چهل روز خون استحاضه به حساب می آید.

ص:۹۶

حکم زن نفساء

حکم زن نفساء مثل حکم زن حایض است.

استحاضه

اشاره

همان طوری که از لابلای مطالب بالاـ به دست می آید،استحاضه خونی است که در غیر وقت حیض و نفاس مشاهده می شود.پس مصادیق آن عبارتند از:

۱خونی که قبل از بلوغ یعنی نه سالگی دیده شود

۲خونی که بعد از پنجاه و پنج سالگی زن بیرون آید

۳خونی که در ایام حیض زن کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز باشد

۴خونی که بعد از تولد بیشتر از چهل روز مشاهده شود

حکم زن مستحاضه

مواردی که برای زن حایض و نفساء حرام است،هیچ یک از آن برای زن مستحاضه حرام نمی باشد.

ص:۹۷

چکیده مطالب

-حیض خونی است که از رحم زنی که در سن بلوغ به سر می برد و به حد ایاس نرسیده است،بعد از مدت طهر صحیح بیرون می آید.

-کمترین مدت حیض سه شبانه روز و بیشترین مدت آن ده شبانه روز است.

-زن حایض باید از انجام دادن برخی امور خودداری نماید.

-نفاس خونی است که پس از تولد نوزاد بیرون می آید و کمترین مدت آن حد ندارد و بیشترین مدتش چهل روز است.

-حکم زن نفساء مثل حکم زن حایض است.

-استحاضه خونی است که در غیر وقت حیض و نفاس مشاهده می شود.

-مواردی که برای زن حایض و نفساء حرام است،هیچ یک برای زن مستحاضه حرام نمی باشد.

سوالات درس

۱.خون حیض کدام است و مدت آن چه قدر است؟

۲.اموری را که زن حایض باید از آن صرف نظر کند،ذکر نمایید؟

۳.خون نفاس کدام است و مدت آن چه قدر می باشد؟

۴.حکم زن نفسارا بیان کنید؟

۵.استحاضه را تعریف کنید و بگویید حُکم زن مستحاضه چیست؟

ص:۹۸

۱۹-نماز

معنای نماز

نماز،ترجمه کلمه«صلاه»است و در لغت به معنای«دعا»و«درخواست»می باشد:

وَ صَلِّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلاتَکَ سَکَنٌ لَهُمْ (۱)

«و(به هنگام گرفتن زکات،)به آنها دعا کن؛که دعای تو،مایه آرامش آنهاست»

اما در اصطلاح فقهی،مراد از«صلاه»اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

حکمت و اسرار نماز

نماز خواندن،اسرار و حکمت های زیادی دارد که برخی از آن عبارتند از:

همواره توجه نمودن انسان به هویت و حقیقت اصلی خویش،یعنی بندگی خداوند متعال؛

تقویت تدریجی و پیوسته ی این باور که پشتیبان واقعی و صاحب نعمت حقیقی تنها خداوند عز و جل است؛

۱- (۱) .توبه،آیه۱۰۳.

امکان فرصت برگشت از گناه و غفلت،به سوی پاکی و آرامش روحی؛

استحکام و تقویت عقیده و باور قلبی به خداوند متعال.

اقسام نماز

نماز به طور کلی بر دو قسم است:

۱.نماز دارای رکوع و سجود؛

۲.نماز بدون رکوع و سجود.

۳.هر یک از این دو قسم،به خصوص قسم اول دارای مصادیقی است که در جدول زیر ارائه شده است:

ص:۱۰۰

اقسام نمازبدون رکوع و سجودنماز جنازه

با رکوع

و

سجودفرضعینیيوميهدو رکعت نماز فجر

\چهار رکعت نماز ظهر

\چهار رکعت نماز عصر

\سه رکعت نماز مغرب

\چهار رکعت نماز عشاء

\مشروط دو رکعت نماز جمعه

\کفایینماز جنازه

واجبسه رکعت نماز وتر

\عیدین(دو رکعت نماز عید فطر و عید قربان)

\دو رکعت بعد از طواف کعبه

\قضای نمازهای نافله که بعد از شروع باطل گردیده اند

سنتمؤکدهدو رکعت قبل از نماز فرض صبح

\چهار رکعت با یک سلام قبل از فرض ظهر

\دو رکعت بعد از فرض ظهر

\دو رکعت بعد از فرض مغرب

\دو رکعت بعد فرض عشاء

\چهار رکعت با یک سلام قبل از نماز جمعه

\چهار رکعت با یک سلام بعد از نماز جمعه

\دو یا چهار رکعت هنگام کسوف(خورشیدگرفتگی)یا خسوف(ماه گرفتگی)

\نماز تراویح بیست رکعت با ده سلام

\غیر مؤکده

(مستحب،نافله و مندوب)چهار رکعت قبل از فرض عصر

\شش رکعت بعد از نماز مغرب

ص:۱۰۱

چهار رکعت قبل از فرض عشاء

\چهار رکعت بعد از نماز عشاء

\دو رکعت تا هشت رکعت نماز شب(تهجد)

\دو یا چهار رکعت نماز تحیه مسجد

\دو رکعت نماز تحیه وضوء

\چهار تا دوازده رکعت نماز ضحی(چاشت)

\دو رکعت نماز استخاره و دو رکعت نماز حاجت

\دو رکعت نماز استسقا(طلب باران در ایام خشکی)

\دو یا چهار رکعت نماز خسوف

\چهار رکعت با یک سلام نماز تسبیح

ص:۱۰۲

چکیده مطالب

-نماز که ترجمه کلمه«صلاه»است،در اصطلاح فقهی مراد اقوال و افعال مخصوصی است که با تکبیر آغاز و با سلام دادن به پایان می رسد.

-نماز خواندن،اسرار و حکمت هایی دارد که شایسته است به آن توجه گردد.

-نماز،نخست به«دارای رکوع و سجود»و«بدون رکوع و سجود»تقسیم می شود و در مراحل بعدی تقسیمات و مصادیق متعددی پیدا می کند.

سوالات درس

۱.نماز به چه معناست و تعریف آن چیست؟

۲.اسرار و حکمت های نماز را بیان کنید؟

۳.اقسام نماز فرض را ذکر کنید؟

ص:۱۰۳

۲۰-اذان و اقامه

حکم اذان و اقامه

اذان بر مردان برای نمازهای روزانه ی پنجگانه و جمعه،سنت مؤکده است.

اقامه نیز بر مردان برای نمازهای روزانه ی پنجگانه و جمعه،سنت مؤکده است؛خواه شخص مقیم باشد یا مسافر و یا نماز را به جماعت بگزارد یا فُرادا و یا نمازِ ادا بخواند یا نماز قضا.

الفاظ اذان و اقامه

الفاظ اذان و اقامه عبارت اند از:

ردیفجمله های اذان در

نماز فجرجمله های اذان در بقیه نمازها

غیر از فجرجمله های اقامه برای

همه نمازها

۱الله اکبرالله اکبرالله اکبر

۲الله اکبرالله اکبرالله اکبر

۳الله اکبرالله اکبرالله اکبر

۴الله اکبرالله اکبرالله اکبر

۵اشهد أن لا اله إلا اللهاشهد أن لا اله إلا اللهاشهد أن لا اله إلا الله

۶اشهد أن لا اله إلا اللهاشهد أن لا اله إلا اللهاشهد أن لا اله إلا الله

۷اشهد أن محمدًا رسول اللهاشهد أن محمدًا رسول اللهاشهد أن محمدًا رسول الله

۸اشهد أن محمدًا رسول اللهاشهد أن محمدًا رسول اللهاشهد أن محمدًآ رسول الله

۹حی علی الصلاهحی علی الصلاهحی علی الصلاه

۱۰حی علی الصلاهحی علی الصلاهحی علی الصلاه

۱۱حی علی الفلاححی علی الفلاححی علی الفلاح

۱۲حی علی الفلاححی علی الفلاححی علی الفلاح

۱۳الصلاه خیر من النومألله أکبرقد قامت الصلاه

۱۴الصلاه خیر من النومألله أکبرقد قامت الصلاه

۱۵ألله أکبرلا إله الا اللهألله أکبر

۱۶ألله أکبرألله أکبر

۱۷لا إله الا اللهلا إله الا الله

برخی احکام اذان و اقامه

۱.اذان گفتن باید با درنگ و تأنی باشد و اقامه گفتن با شتاب و عجله؛

۲.اذان گفتن جز به زبان عربی صحیح نیست.

مستحبات اذان

اذان دارای مستحباتی است که برخی از آن مربوط به شخص مؤذن است و برخی دیگر هنگام گفتن اذان و یا بعد از آن و برخی نیز برای شنونده یا شنونده و مؤذن هر دو،می باشد.این اقسام در جدول زیر بیان گردیده است:

ص:۱۰۵

مستحبات اذان۱شرایط مستحبه برای مؤذن۱داشتن وضو

\۲آگاهی از وقت های نماز و سنت های آن

\۳مؤذن شخص صالح باشد

۲مستحبات هنگام گفتن اذان۱رو به قبله ایستادن

\۲قرار دادن دو انگشت در دو گوش

\۳هنگام«حی علی الصلاه»رو به طرف راست کردن

\۴هنگام«حی علی الفلاح»رو به طرف چپ نمودن

۳مستحبات بعد از اذان۱فاصله انداختن بین اذان و اقامه جهت حضور مردم در نماز جماعت

\۲عدم فاصله بین اذان و اقامه در نماز مغرب مگر به اندازه قرائت سه آیه یا برداشتن سه قدم

۴مستحبات برای شنونده اذان۱دست نگه داشتن از کار و شغل دنیوی

\۲تکرار کلمات اذان

\۳هرگاه مؤذن به«حی علی الصلاه»و«حی علی الفلاح»رسید،بگوید:لا حول و لا قوه الا باللّه

\۴هنگام گفتن«الصلاه خیر من النوم»بگوید:صدقت و بررت

۵مستحبات برای مؤذن و شنوندهبعد از اتمام اذان این دعا خوانده شود:أللّهمّ ربّ هذه الدعوه التامه و الصلاه القائمه،آت محمداً الوسیله و الفضیله و الدرجه الرفیعه و ابعثه مقاماً محموداً الذی وعدته و ارزقنا شفاعته یوم القیامه إنک لا تخلف المیعاد

مکروهات اذان

۱.اذان گفتن با نغمه و آهنگ؛

۲.بدون وضو اذان و اقامه گفتن؛

۳.در حال جنابت اذان گفتن؛

۴.اذان گفتن کودک؛

۵.اذان گفتن دیوانه؛

۶.مست اذان بگوید؛

۷.زن اذان بگوید؛

۸.اذان گفتن شخص فاسق؛

۹.نشسته اذان گفتن؛

۱۰.حرف زدن در اثنای اذان و اقامه؛

۱۱.اذان و اقامه گفتن برای نماز ظهر در روز جمعه در شهر.

ص:۱۰۷

چکیده مطالب

-اذان و اقامه بر مردان برای نمازهای روزانه ی پنجگانه و جمعه،سنت مؤکده است.

-اذان و اقامه از جهت الفاظ با هم شباهت دارند مگر اینکه در اقامه بعد از«حی علی الفلاح»،«قد قامت الصلاه»اضافه می گردد چه اینکه در اذان صبح بعد از این عبارت،«الصلاه خیر من النوم»افزوده می شود.

-اذان دارای اموری مستحبی است که رعایت آن بر کمال اذان می افزاید.

-برخی امور به عنوان مکروهات اذان به حساب آمده اند.

سوالات درس

۱.حکم گفتن اذان و اقامه چیست؟

۲.الفاظ اذان و اقامه را در نمازهای یومیه ی پنجگانه بیان کنید؟

۳.مستحبات اذان را ذکر کنید؟

۴.مکروهات اذان را نام ببرید؟

ص:۱۰۸

۲۱–وقت های نماز

مقدار وقت های تعیین شده برای نمازهای فرض

نمازهای فرض دارای وقت های معینی هستند که در جدول زیر بیان شده است:

نمازهای فرضمقدار وقت های تعیین شده

دو رکعت نماز صبحاز طلوع صبح صادق شروع شده و تا پیش از طلوع خورشید ادامه می یابد

چهـار رکعت نمـاز ظهراز هنگـام زوال خورشـید شـروع و تـا آنگـاه که سایه هر چیز به جز سایه ی اصـلی آن،برابر آن(نزد ابو یوسف«ره»و محمد«ره»)یا دو برابر آن(نزد امام ابو حنیفه«ره»)گردد،ادامه دارد

چهار رکعت نماز عصربعد از انتهای وقت ظهر تا غروب خورشید

سه رکعت نماز مغرباز غروب خورشـید شروع و تا غایب شدن شفق سرخرنگ(نزد ابو یوسف«ره»و محمد«ره»)یا تا غایب شدن سفیدی ای که بعد از سرخی می آید(نزد امام ابو حنیفه«ره»)ادامه دارد

چهار رکعت نماز عشاءاز غایب شدن شفق شروع شده و تا طلوع صبح صادق ادامه دارد

دو رکعت نماز جمعههمان وقت نماز ظهر است

دو رکعت نماز جنازهبلافاصله بعد از مرگ شخص مسلمان،مگر اینکه به خاطر برخی مسائل عرفی و عقلایی به تأخیر افتد

ص:۱۰۹

بقیه اوقات نمازها

وقت های مستحب برای نمازهای فرض:

نمازهای فرض دارای اوقات مستحبه ای است که رعایت آن بر کمال نمازمی افزاید.

وقت های مکروه برای همه نمازها:

در این بین،برخی وقت ها به عنوان اوقات مکروه برای هر نمازی تعیین شده است،چه نماز فرض عینی باشد و چه فرض کفایی،چه واجب باشد و چه سنّت مؤکده یا غیر مؤکده و چه ادا باشد یا قضا.

وقتهای مکروه برای نمازهای نفل و مستحبی:

هم چنین برخی وقت ها تنها برای نمازهای مستحبه و نوافل مکروه به حساب آمده است.

تقسیمات هر یک از این وقت ها را در جدول زیر ملاحظه فرمایید:

اوقات نمازها

(جز مقدار وقت های تعیین شده برای نمازهای فرض)وقت های مستحببرای نمازهای یومیه پنجگانهنماز صبح:وقتی که تا طلوع خورشید فرصت خواندن دو رکعت نماز با چهل آیت باقی مانده باشد،که اگر آن نماز باطل شود،امکان دو باره خواندنِ آن همراه با چهل آیت وجود داشته باشد

\نماز ظهر در زمستان،اول وقت و در تابستان آخر وقت خوانده شود

\نماز عصر:بعد از انتهای وقت ظهر تا زمانی که رنگ خورشید تغییر نیابد

\نماز مغرب:پس از غروب خورشید بلا فاصله و بدون تأخیر

\نماز عشاء:تا ثُلث شب،یعنی تا یک قسمت از سه قسمت شب گذشتن

ص:۱۱۰

برای نماز

وتر واجببعد از فراغت از سنت عشاء،و هرگاه نمازگزار مطمئن بود که در آخر شب بیدار می شود،تأخیر وتر تا آخر شب مستحب است و اگر اطمینان نداشت،در اول وقت پیش از خواب بخواند

برای نماز جمعههمان وقت نماز ظهر است

برای نماز جنازهبلافاصله بعد از مرگ شخص مسلمان،هرچه زودتر انجام بگیرد بهتر است

وقت های مکروهبرای همه ی نمازهاهنگام طلوع خورشید تا به مقدار یک متر و نیم بالا رفتن آن

\هنگام استوا یا همان قیام خورشید در وسط آسمان تا لحظه ای که به سمت مغرب متمایل گردد

\هنگام قرمز شدن خورشید تا زمان غروب(نماز عصر همان روز از این حکم استثنا شده است)

برای نمازهای مستحب و نافلهپس از طلوع صبح

\پس از نماز صبح

\بعد از نماز عصر

\هنگامی که امام خطبه می خواند

\هنگام گفتن اقامه(سنت نماز صبح استثنا شده است)

\قبل از نماز عید

\بعد از نماز عید

\در تنگی وقت؛اگر بیم آن رود که با مشغول شدن به نماز نفل،نماز فرض فوت می شود

\وقت حاضر شدن غذا

\هنگام تنگی وضو بر اثر فشار بول یا مدفوع یا باد

\هنگام حضور چیزی که خاطر شخص را به خود مشغول گرداند

\بین نماز ظهر و عصر در عرفه برای شخص حاجی

\بین نماز مغرب و عشا در مزدلفه برای شخص حاجی

ص:۱۱۱

چکیده مطالب

-نمازهای فرض دارای وقت های معیّنی هستند که در خارج از آنها نماز خواندن درست نیست.

-نمازهای فرض دارای اوقاتی مستحبه است که رعایت آن بر کمال نماز می افزاید.

-برخی وقت ها به عنوان اوقات مکروه برای همه نمازها تعیین شده است.

-برخی وقت ها تنها برای نمازهای مستحبه و نوافل مکروه به حساب آمده است.

سوالات درس

۱.مقدار وقت های تعیین شده برای نمازهای فرض را بیان کنید؟

۲.وقت های مستحبه ی نمازهای فرض را ذکر کنید؟

۳.وقت هایی را که برای همه ی نمازها مکروه به حساب می آید،بیان کنید؟

۴.پنج مورد از مواردی را که خواندن نمازهای مستحب در آن مکروه است،نام ببرید؟

ص:۱۱۲

۲۲-شروط نماز

شرطهای صحت نماز

برخی از امور گرچه دخالت مستقیم در تحقق و ایجاد نماز ندارند،اما به عنوان مقدمه و شرطهای نماز به حساب می آیند،به گونه ای که اگر یکی از این امور انجام نگیرد،نماز درست نمی شود.به این امور شرطهای صحت نماز می گویند.به جدول زیر توجه فرمایید:

شروط صحت نمازطهارتطهارت بدن نمازگزار از حدث اصغر و حدث اکبر

طهارت بدن نمازگزار از نجاستی که بخشوده نشده است

طهارت لباس شخص نمازگزار از نجاستی که بخشوده نشده است

طهارت مکان نمازگزار(یعنی جای هر دو پا و دو دست و دو زانو و پیشانی)از نجاست

پوشاندن عورتعورت مرداز ناف تا انتهای زانو،پس زانوی مرد عورت است بر خلاف ناف او

عورت زن آزادتمام بدن زن عورت است به جز صورت و دو کف دستان و قدم پاها

عورت کنیزکاز ناف تا انتهای زانو همراه با شکم و پشت

ص:۱۱۳

روی آوردن به قبلهروی آوردن به عین کعبه:قبله کسی است که در مکه مستقر و بر مشاهده خانه کعبه قادر است

روی آوردن به جهت کعبه:قبله کسی است که بر مشاهده کعبه قادر نیست

رعایت وقت های نمازنماز خواندن قبل از داخل شدن وقت آن صحیح نیست و تحقق نمی یابد

نیتنیت نماز فرضتعیین کردن نماز مورد نظر در نمازهای فرض،واجب است

نیت نماز واجبتعیین کردن نماز مورد نظر در نمازهای واجب،واجب است

نیت نماز نفلتعیین نماز مورد نظر در نمازهای نفل و مستحب شرط نیست بلکه نیت مطلق نماز کفایت می کند

تکبیر تحریمهدر حال ایستادن و قبل از خَم شدن برای رکوع انجام بگیرد

نیت نماز را از تکبیر تحریمه به تأخیر نیندازد

به گونه ای تلفظ گردد که برای خود نمازگزار قابل شنیدن باشد

میان نیت و تکبیر تحریمه عملی که منافی نماز است،مثل خوردن و آشامیدن فاصله نیفتد

برخی فروعات مربوط به شروط نماز

مواردی که لازم نیست نماز اعاده شود:

۱.کسی که هیچ وسیله ای برای از بین بردن(ازاله کردن)نجاست ندارد،نمازش را همراه با نجاست به جا می آورد و اعاده لازم نیست؛

۲.کسی که هیچ لباس یا وسیله ای برای پوشاندن عورت خویش پیدا نمی کند،برهنه نماز می خواند و اعاده لازم نیست.

مواردی که نماز گزاردن با لباس نجس صحیح است:

۱.کسی که تنها یک چهارم لباسش پاک است و لباس دیگری که پاک باشد

ص:۱۱۴

نـدارد،نبایـد برهنه نماز بخواند بلکه نمازش را با همان لباس نجس به جا آورد.پس نماز خواندن با لباس نجس بهتر از خواندن آن در حال برهنگی است؛

۲.نمـاز گزاردن بر گـوشه ای از فرش که گوشه دیگرش نجس است،جـایز می باشـد به شـرطی که یکی از اطرافش بـا حرکت دادن طرف دیگر آن،حرکت نکند.

کیفیت نماز خواندن شخص برهنه:

شخص برهنه بایـد نمـازش را نشسـته بخوانـد و در حالی که هر دو پایش را به سوی قبله دراز نموده است،رکوع و سـجود را با اشاره انجام بدهد.اگر در حالت ایستاده هم نماز بخواند صحیح است،اما نشسته خواندن افضل است.

مسائل قبله:

۱.شخصـی کـه قبلـه را نمی دانـد و کسـی کـه از او در بـاره قبلـه سـوال کنـد حاضـر نباشـد و نیز وسـیله ای کـه بر قبله دلالـت نماید،نداشته باشد،باید قبله را بر اساس تحقیق و بررسی شخصی و گمان غالب خویش تعیین کند و نماز بگزارد.

۲.اگر شـخص پس از بررسی شخصی،نماز گزارد و بعد معلوم شد که اشتباه بوده است،نماز وی درست است و اعاده اش لازم نیست.

۳.اگر در اثنای نماز به اشتباه خود پی برد،باید به سوی قبله بچرخد و به نماز خود ادامه دهد.

ص:۱۱۵

چکیده مطالب

-برخی از امور به عنوان مقدمه و شرطهای نماز به حساب می آیند،به گونه ای که بدون آنها نماز درست نمی شود و عبارتند از:۱.طهارت؛۲.پوشاندن عورت؛۳.روی آوردن به قبله؛۴.رعایت وقت های نماز؛۵.نیت؛۶.تکبیر تحریمه.

-در برخی موراد لازم نیست نماز اعاده شود،چنانچه در بعضی موارد دیگر نماز گزاردن با لباس نجس صحیح است.

-شخص برهنه می تواند در حالت ایستاده نماز بخواند گرچه نشسته نماز خواندن برایش افضل است.

-شخصی که قبله را نمی داند بر اساس گمان غالب خویش نماز بگزارد و اگر بعد معلوم شد که اشتباه بوده است،اعاده ی نماز برایش لازم نیست.

سوالات درس

۱.شروط صحت نماز را نام ببرید؟

۲.مواردی را که نماز گزاردن با لباس نجس صحیح است،بیان نمایید؟

۳.مواردی را که لازم نیست نماز اعاده شود،بیان کنید؟

۴.کیفیت نماز خواندن شخص برهنه را ذکر کنید؟

۵.حکم کسی که می خواهد نماز بگزارد ولی نمی تواند قبله را تشخیص بدهد،چیست؟

۲۳-فرایض و واجبات نماز

فرایض(ارکان)نماز

فرایض نماز پنج [(۱)]چیز است که به آن ارکان نماز هم گفته می شود:

فرایض(ارکان)نماز ۱قیامدر نمازهای فرض«قیام»رکن است اما در نمازهای نافله چنین نیست

۲قرائتقرائت حتی به اندازه یک آیه ی کوتاه،در دو رکعت اول نمازهای فرض،فرض است اما در نمازهای سنت و نفل،قرائت در همه رکعات فرض است.اما قرائت شخص مقتدی مکروه است

۳رکوعرکوع عبارت از خَم شدن است به نحوی که اگر دست ها رها(دراز)شد،به زانو برسد.اما کمال رکوع با خم شدن و هموار ساختن پشت به گونه ای که سر با سرین(باسن)برابر گردد،تحقق می یابد

۴سجدهانجام دو سجده در هر رکعت فرض است.سجده کامل با نهادن تمام دست ها و زانوها و اطراف قدمها و پیشانی و بینی تحقق می یابد

۵قعده اخیرنشستن در قعده اخیر به اندازه خواندن التحیات تا«عبده و رسوله»،فرض است

لازم به ذکر است،که در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله خارج شدن نمازگزار با اختیار خود از نماز نیز فرض می باشد

ص:۱۱۷

۱- (۱) .در برخی کتاب ها مانند مختصر القدوری،تکبیره الاحرام به جهت اینکه متصل به نماز است در فرائض نماز ذکر شده است و حال آنکه بالاتفاق جزو شرطهای صحت نماز است.

حکم فرایض نماز

اگر کسی یکی از فرایض یا همان ارکان نماز را عمداً یا سهواً ترک کند،نمازش باطل می شود.

واجبات نماز

برخی از امور به عنوان واجبات نماز به حساب آمده اند.در جدول زیر ترتیب این واجبات بیان شده است:

واجبات نماز۱ واجبات مشترک بین نمازها۱با الله اکبر شروع کردن نماز

۲قرائت سوره فاتحه الکتاب در دو رکعت اول نماز فرض

۳ضمیمه نمودن یک سوره کوتاه به فاتحه الکتاب در دو رکعت اول از نمازهای فرض

۴مقدم قرار دادن فاتحه بر سوره یا آیات دیگر

۵با آرامش و طمأنینه به پایان رساندن هر یک از اجزاء و به خصوص ارکان نماز

۶خواندن التحیات در قعده ی اول

۷خواندن التحیات در قعده ی اخیر

۸خارج شدن از نماز با لفظ سلام

۹بلند و به جهر قرائت کردن امام در نماز صبح و در دو رکعت اول از نمازهای مغرب و عشا و در نماز جمعه

۱۰قرائت آهسته ی امام و منفرد،در نمازهای ظهر و عصر

۲ واجبات نماز وتر،تراویح و نفل۱قرائت سوره فاتحه الکتاب در تمام رکعت های وتر و نفل

۲ضمیمه نمودن یک سوره کوتاه به فاتحه الکتاب در تمام رکعت های وتر و نفل

۳خواندن دعای قنوت در رکعت سوم نماز وتر بعد از قرائت سوره فاتحه و سوره

۴بلند و به جهر قرائت کردن امام در نماز تراویح و وتر در رمضان

۵قرائت آهسته ی امام و منفرد،در نمازهای نافله روز

۳ واجبات نمازهای عیدین ۱ گفتن تکبیرات زوائد در نمازهای عیدین و آن سه تکبیر است در هر رکعت

۲ گفتن تکبیر رکوع در رکعت دوم از نماز هر دو عید

۳ بلند و به جهر قرائت کردن امام در دو نماز عید

حکم واجبات نماز

هر کس سهواً و از روی فراموشی یکی از واجبات نماز را ترک کند،نمازش ناقص(و نه باطل)می شود و باید آن را با سجده ی سهو جبران نماید.اما هر کس یکی از این واجبات را عمداً ترک نمود،اعاده ی نماز برایش واجب است و در غیر این صورت مرتکب گناه شده است.

چکیده مطالب

-نماز دارای پنج رکن است که عبارت اند از:قیام،قرائت،رکوع،سجده،قعده اخیر.

-حکم فرایض نماز این است که با ترک عمدی یا سهوی آن،نماز باطل می شود.

-برخی از امور به عنوان واجبات نماز محسوب می شوند.

-حکم واجبات نماز این است که تنها ترک عمدی آن موجب بطلان نماز است.

سوالات درس

۱.ارکان نماز را نام ببرید و پیرامون هر کدام توضیحی مختصر ارائه بدهید؟

۲.حکم فرایض نماز را هنگام ترک آن بیان کنید؟

۳.واجبات نمازهای فرض یومیه و جمعه را ذکر کنید؟

۴.حکم واجبات نماز چیست؟

۲۴-سنت های نماز

سنّت های نماز

انجام برخی از امور به عنوان سنت در نماز تلقی گردیده که به شرح ذیل است:

سنت های هنگام قیام و قبل از رکوع۱هنگام گفتن تکبیر تحریمه راست ایستادن بدون فرو انداختن سر

۲قبل از گفتن تکبیر تحریمه دست ها را در برابر دوگوش بلند نمودن.اما زن ها دست های خویش را تا برابر سینه هایشان بلند نمایند

۳دست و انگشتان هنگام بالا بردن در تکبیر تحریمه رو به سوی قبله باشد

۴در حال خود باقی گذاشتن انگشتان هنگام بالا بردن برای تکبیر تحریمه،یعنی نه به هم چسپاندن و نه از یکدیگر دور نگه داشتن آنها

۵قرار دادن دست راست بر روی دست چپ در زیر ناف

۶داخل کف دست راست بر پشت کف دست چپ قرار بگیرد در حالی که دو انگشت خنصر و ابهام بر مچ دست حلقه گردد

۷بلا فاصله بعد از قرار دادن دست ها در زیر ناف،ثنا(دعای افتتاح)خواندن

۸قبل از قرائت سوره فاتحه «أعوذ بالله من الشیطان الرجیم» گفتن

۹در هر رکعت قبل از سوره فاتحه «بسم اللّه الرّحمن الرّحیم» گفتن

۱۰بعد از فارغ شدن از قرائت سوره فاتحه،آهسته«آمین»گفتن

۱۱در حالت قیام،میان دو پا به اندازه چهار انگشت فاصله گذاشتن

ص:۱۲۱

۱۲در نمازهای صبح و ظهر،بعد از سوره فاتحه،سوره ای را از سوره های طوالِ مفصل (۱)خواندن

۱۳در نمازهای عصر و عشا سوره ای از اوساط مفصل (۲)خواندن

۱۴در نماز مغرب سوره ای از قصار مفصل (۳)خواندن

۱۵طولانی تر کردن رکعت اول نسبت به رکعت دوم تنها در نماز صبح

۱۶خواندن سوره فاتحه در دو رکعت اخیر از نمازهای ظهر و عصر و عشاء و در رکعت سوم مغرب

سنت های هنگام رکوع۱تکبیر رکوع

۲در حال رکوع دو زانو را با دو دست گرفتن

۳در حال رکوع انگشتان دست را از هم باز گذاشتن

۴هموار و صاف نمودن پشت در هنگام رکوع به گونه ای که سر در برابر سرین(باسن)قرار بگیرد و دو ساق پا راست و کشیده باشد

۵حد اقل سه بار:«سبحان ربی العظیم» گفتن

۶هنگام برداشتن سر از رکوع،امام:«سمع الله لمن حمده»و مقتدی با صدای آهسته:«ربنا لک الحمد»می گوید،ولی شخص منفرد هر دو را با هم می گوید

۱- (۱) .سوره های طوال مفصل عبارتند از سوره«حجرات»تا«بروج».

۲- (۲) .سوره های اوساط مفصل عبارتند از سوره«بروج»تا«لم یکن».

۳- (۳) .قصار مفصل:از«لم یکن»تا«ناس».

سنت های هنگام سجده۱با گفتن تکبیر به سجده رفتن

۲هنگام به سجده رفتن اول هر دو زانو سپس دو دست و بعد صورت را بر زمین نهادن

۳هنگام برخواستن از سجده اول صورت سپس دو دست و بعد زانوها را بلند نمودن

۴در حال سجده،قرار دادن دستان در برابر گوش ها

۵در حال سجده،شکم را از هردو ران و آرنج ها را از دو پهلو و بازوها را از زمین دور نگه داشتن

۶به هم چسپاندن انگشتان هر دو دست

۷رو به قبله نمودن انگشتان هر دو پا در حال سجده

۸حد اقل سه بار«سبحان ربی الاعلی»گفتن

۹با گفتن تکبیر از سجده سر برداشتن

۱۰بدون نشستن و بدون تکیه دادن دستان بر زمین،از سجده برخواستن مگر اینکه عذری در کار باشد

۱۱قرار دادن دو دستان بر روی دو ران در بین دو سجده

سنت های هنگام قعده۱هنگام نشستن در قعده،پای چپ را فرش نموده و پای راست را به حالت نصب قرار دادن.اما زن بر سرین(باسن)خویش بنشیند و پاهایش را از زیر سرین سمت راست بیرون نماید

۲در تشهد هنگام گفتن«لا إله»انگشت سبابه را بلند نمودن و هنگام گفتن«إلا الله»آن را پایین آوردن

۳در قعده اخیر بعد از تشهد بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله درود فرستادن

۴بعد از درود بر رسول خدا صلّی الله علیه و آله در حق خویش و و الدین و مؤمنین دعا کردن (۱)

۱- (۱) .در دعا باید چیزی را از خداوند درخواست کرد که نشود آن را از بندگان درخواست نمود و بهتر این است که دعای مأثوره باشد،مثل:اللهم اغفر لی و لوالدی و لجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین.

سنت های هنگام سلام دادن۱هنگام گفتن«السلام علیکم و رحمه الله»صورت خویش را به جانب راست و چپ بگرداند

۲امام،تکبیرات انتقال را بلند و مقتدی آن را آهسته بگوید

۳امام به سلام خویش،نمازگزاران و فرشتگان نگهبان و جنّیان صالح و نیکوکار را در نظر بگیرد،یعنی برای آنها سلام می گوید

۴مقتدی به سلام خویش،امام را به همراه جمعیت همراه امام،و شخص منفرد(تنهاگزار)فقط فرشتگان را در نظر بگیرد

۵پایین تر آوردن صدای خویش در سلام دوم نسبت به سلام اول

۶آغاز نمودن سلام از سمت راست

۷سلام مقتدی پیوسته به سلام امام باشد

۸شخص مسبوق(کسی که بعد از به رکوع رفتن امام به نماز پیوسته است)تا فارغ شدن امام از نماز،منتظر بماند،یعنی قبل از فارغ شدن امام از هر دو سلام،جهت اتمام نماز بلند نشود

ص:۱۲۴

چکیده مطالب

-نماز دارای سنت هایی است که:

-برخی مربوط به هنگام قیام و قبل از رکوع است؛

-برخی هنگام رکوع انجام داده می شود؛

-قسمتی هنگام سجده به جا آورده می شود؛

-برخی مربوط به هنگام قعده است؛

-بعضی نیز وقت سلام دادن رعایت می شود.

سوالات درس

۱.سنت های مربوط به هنگام قیام و قبل از رکوع را ذکر کنید؟

۲.سنت هایی را که هنگام رکوع انجام داده می شود،بیان نمایید؟

۳.سنت های مربوط به سجده را ذکر کنید؟

۴.سنت های هنگام قعده کدامها هستند؟

۵.هنگام سلام دادن چه سنت هایی باید رعایت شود؟

ص:۱۲۵

۲۵-مکروهات نماز

مکروهات نماز

مکروهات نماز اموری هستند که انجام دادن آن مانع کمال نماز است:

مکروهات مربوط به شخص و حالات نمازگزار۱بازی کردن نمازگزار با لباس یا بدن خویش

۲تکیه نمودن بر چیزی در حال نماز

۳میل کردن به سمت چپ و راست بدون نیاز

۴نماز خواندن رو به روی آدمی

۵نماز خواندن هنگام فشار پیشاب یا مدفوع یا باد شکم

۶رو به روی آتش یا آتش دانی که شعله ور است نماز خواندن

۷در مکان هایی پست و حقیر مانند حمام و مستراح و...نماز خواندن

۸در میان راه نماز خواندن

۹در گورستان نماز خواندن

۱۰در نزدیک موضع نجاست نماز گزاردن

۱۱نماز خواندن به همراه نجاست اندکی که نماز با آن بدون عذر جواز دارد

۱۲درهم شکستن و به صدا درآوردن انگشتان

۱۳در هم داخل نمودن انگشتان(خرپنجه)

۱۴چهارزانو نشستن بدون عذری

ص:۱۲۶

۱۵چمباتمه یعنی مانند سگ(که بر روی مقعد خود می نشیند و دو پایش را بر زمین قرار داده دو دستش را در جلو نصب می کند)نشستنِ نمازگزار

۱۶در حالت سجده بازوان را به زمین چسپانیدن

۱۷هر دو دستان خود را بر تهی گاه خویش نهادن

۱۸هر دو آستین را از بازوی خویش بالا زدن

۱۹آیات و تسبیحات را با انگشتان شمردن

۲۰در اثنای نماز خاکی را که اذیت نمی کند پاک کردن

۲۱بدون عذر تنها با پیشانی سجده کردن

۲۲خواندن نماز در حال حاضر بودن غذا برای کسی که میل به غذا دارد

۲۳بر گرداندن انگشتان دست و پا هنگام رکوع و سجده،از جهت قبله

۲۴خمیازه کشیدن

۲۵گرفتن شپش و کشتن آن

۲۶هنگام نماز موی بافته سر را به دور سرش پیچانده نماز خواندن

۲۷برهم نهادن پلک های چشم بدون مصلحتی

۲۸بالا بردن چشم ها به سوی آسمان جهت نگریستن

ص:۱۲۷

مکروهـات مربوط به لباس نمازگزار۱نماز خوانـدن با لباس کاری و حقیر و فرومایه ای که شـخص حاضـر نمی شود با آن نزد مردم باآبرو بیرون آید

۲نماز خواندن با لباسی که دارای تصاویر جاندار باشد

۳تنها با شلوار یا فقط با لباس زیر نماز خواندن در حالی که قدرت بر پوشیدن پیراهن دارد

۴بدون عذر یا بدون مصلحتی سربرهنه نماز خواندن

۵بر پیچ عمامه یا تصویری جان دار سجده نمودن

۶نماز خواندن در حالی که سر با دستمال یا حوله ای پوشانده شده و وسط آن برهنه باشد

۷بالا زدن لباس از پس و پیش هنگام رفتن به رکوع یا سجده از بیم آلوده شدن با خاک

۸بر دوش قرار دادن لباس و رها نمودن دو طرف آن بدون ضمیمه کردن هر دو جانب به هم و بدون داخل نمودن دست ها در آستین؛در واقع با این کار حالت متکبرانه به خود گرفتن

مکروهـات مربوط به مکان نمازگزار۱خوانـدن نماز در مکانی که دارای عکس و تصویر جان دار باشـد،چه آن بالای سـر قرار گرفته باشد یا پیش روی،ولی پشت سر اشکال ندارد

۲قرار گرفتن در پشت صفی که در آن گشادگی و جایی برای ایستادن یک نفر وجود دارد

مکروهات مربوط به نماز و اجزای آن۱ترک سنّتی از سنت های نماز

۲معین کردن سوره ای خاص در نماز به طوری که غیر از آن دیگر سوره ای را نخواند

۳عمداً قرائت نمودن بر خلاف ترتیب سوره ها

۴خیلی زیاد طولانی کردن رکعت دوم نسبت به رکعت اول

۵فاصله انداختن با یک سوره کوتاه بین دو سوره ای که آنها را خوانده است (۱)

۱- (۱) .مثلاًـ در رکعت اول سوره«تکـاثر»را بخوانـد و در رکعت دوم سوره«همزه»را،در حـالی که میان این دو سوره«عصـر»را ترک نماید و جا گذارد.

۶نهادن دو دست بر روی دو زانو هنگام رکوع

۷نهادن دو دست بر دو ران هنگام تشهد و در جلسه ای که میان دو سجده است

۸جواب دادن سلام با اشاره

۹تکرار یک سوره در دو رکعت در صورت حفظ بودن سوره های دیگر

۱۰رکوع نمودن قبل از إتمام قرائت و تکمیل قرائت در حالت رکوع

مکروهات مربوط به امام جماعت۱قرار گرفتن امام جماعت با تمام بدن خویش در داخل محراب بدون عذری

۲قرار گرفتن امام جماعت به تنهایی در مکانی مرتفع به اندازه یک گز، (۱)اما اگر یکی از مقتدی ها همراه با امام بایستد،مکروه نیست

۳قرار گرفتن امام جماعت به تنهایی در مکانی گود و پایین بدون عذر،اما اگر یکی از مقتدی ها همراه با امام بایستد،مکروه نیست

اموری که در نماز مکروه شناخته نشده اند

نماز خواندن در موارد زیر،مکروه نیست:

۱.برگرداندن چشم به اطراف بدون برگرداندن صورت؛

۲.رو به روی مصحف شریف؛

۳.پشت سر کسی که نشسته و صحبت می کند؛

۴.رو به روی چراغ یا چلچراغ(لوستر)؛

۵.تکرار یک سوره در دو رکعت از نمازهای نفل؛

۶.کشتن مار یا عقرب و...اگر احتمال ضرر رساندن هم نداشته باشد؛

۷.رها کردن یا جمع کردن لباس به خاطر نچسپیدن آن بر بدن هنگام رفتن به رکوع یا سجده؛

۸.سجده بر فرشی که دارای تصاویر جان دار است،به نحوی که بر روی آن تصاویر سجده انجام نگیرد؛

۹.رو به روی شمشیر آویخته شده.

۱- (۱) .یک گز:تقریباً هفتاد سانت است.

چکیده مطالب

-انجام برخی کارها که در نماز مکروه است،در موارد زیر خلاصه می شود:

-مکروهات مربوط به شخص و حالات نمازگزار؛

-مکروهات مربوط به لباس نمازگزار؛

-مکروهات مربوط به مکان نمازگزار؛

-مکروهات مربوط به نماز و اجزای آن؛

-مکروهات مربوط به امام جماعت.

-انجام برخی از امور در نماز مکروه نیست.

سوالات درس

۱.ده مورد از مکروهاتی را که به شخص نمازگزار و حالت های او در نماز مربوط می شود،ذکر کنید؟

۲.سه مورد از مکروهات مربوط به لباس نمازگزار را نام ببرید؟

۳.مکروهات مربوط به مکان نمازگزار را بیان نمایید؟

۴.پنج مورد از مکروهات مربوط به نماز و اجزای آن را ذکر کنید؟

۵.مکروهات مربوط به امام جماعت را بیان نمایید؟

۶.پنج مورد از مواردی را که انجام آن در نماز مکروه نیست،نام ببرید؟

ص:۱۳۰

۲۶-مبطلات نماز

مبطلات نماز

امور زیر«مبطلات نماز»اند یعنی بنای نماز را در هم می ریزند:

مبطلات مربوط به حالات نمازگزار۱دیوانگی بر نمازگزار عارض شود

۲بیهوشی بر نمازگزار عارض گردد

۳به آواز بلند گریستن و این گریه ناشی از درد یا مصیبت مادی و دنیوی باشد

۴جنب شدن در اثنای نماز

مبطلات لفظی و کلامی۱سخن گفتن در اثنای نماز خواه از روی عمد باشد یا سهو یا خطا

۲دعا کردن به چیزی که شباهت به کلام مردم دارد

۳بر کسی سلام گفتن یا جواب سلام کسی را با زبان یا اشاره دادن

۴آه کشیدن یا اف گفتن یا ناله کردنی که ناشی از ترس خدا و قیامت نباشد

۵همزه«ألله أکبر»را به صورت مد کشیدن

۶خندیدن بدون صدا

۷خندیدن با آواز بلند(شکننده وضو نیز هست)

۸جواب عطسه دادن

۹جواب سوال دادن اگرچه با ذکر گفتن باشد

۱۰لقمه دادن بر غیر امام خویش

ص:۱۳۱

مبطلات ایجابی و عملی۱انجام دادن عمل کثیر که احتیاج به دو دست داشته باشد

۳برگرداندن سینه از جهت قبله

۳در اثنای نماز خوردن و آشامیدن چیزی که از بیرون داخل دهان شده است اگرچه کمتر از اندازه یک نخود باشد

۴خوردن چیزی که به دندان چسپیده و به اندازه نخود یا بیشتر از آن است

۵بدون ضرورت سینه صاف کردن(سُرفه کردن و تنحنح)

۶قرائت از روی مصحف

۷به امر کسی که بیرون از نماز است،اطاعت کردن

۸نمازگزار گمان کند که وضویش از بین رفت و لذا از مسجد بیرون شد یا از صفهای نماز گذشت یا از نزد سُتره در غیر مسجد،عبور نمود

۹سبقت جستن مقتدی از امام در ادای رکنی به نحوی که در ادای آن رکن با امام شریک نباشد

۱۰بر نجس سجده کردن

۱۱از پا درآوردن موزه ای که بر آن مسح کشیده است چه با عمل اندک و چه بسیار(عمل کثیر)

ص:۱۳۲

مبطلات سلبی و فوتی۱شرطی از شرطهای نماز از نمازگزار فوت شود

۲نمازگزار رکنی از ارکان نماز را ترک کند

۳ادای رکنی از ارکان در حالت خواب و عدم اعاده همان رکن بعد از بیدار شدن

۴آشکار شدن عورت نمازگزار در اثنای نماز به مدت ادای یک رکن

مبطلات خارجی۱طلوع خورشید هنگامی که شخص نماز صبح را به جا می آورد

۲داخل شدن وقت زوال هنگام نماز عیدین

۳داخل شدن وقت نماز عصر هنگام ادای نماز جمعه

۴در بدن یا مکان یا لباس نمازگزار به مدت ادای یک رکن نجاستی عارض گردید

۵پیدا کردن آب و قدرت بر استعمال آن برای کسی که با تیمم در نماز ایستاده است

۶امام کسی را جانشین خود گرداند که صلاحیت امامت را نداشته باشد

مواردی که نماز باطل نمی شود

در موارد زیر نماز باطل نمی شود:

۱.برای بیرون شدن از نماز سهواً سلام دادن؛

۲.کسی از موضع سجده نمازگزار بگذرد؛

۳.خوردن چیزی که به دندان ها چسپیده بود به شرطی که کمتر از اندازه نخود باشد؛

۴.به نوشته ای نگریستن و معنای آن را فهمیدن؛

۵.گریه و آه و ناله به خاطر تقوای الهی و ترس از عذاب جهنم؛

۶.شکستن وضو بدون قصد،که در این حالت باید وضو بسازد و نمازش را ادامه بدهد؛

۷.کسی که در اثنای نماز بدون قصد بی وضو گردید و برای وضو ساختن بیرون شد و سینه اش را از جهت قبله برگرداند؛

۸.سینه صاف کردن(سرفه کردن یا تنحنح)جهت اصلاح آواز یا دلالت نمودن بر خطای امام یا آگاهانیدن بر اینکه نمازگزار

در نماز است و یا....

ص:۱۳۳

چکیده مطالب

برخی از کارها مبطل نمازاند که در موارد زیر خلاصه می شوند:

۱.مبطلات مربوط به شخص و حالات نمازگزار

۲.مبطلات لفظی و کلامی

۳.مبطلات ایجابی و عملی

۴.مبطلات سلبی و فوتی

۵.مبطلات خارجی

۶.مواردی هم هست که شباهت به مبطلات نماز دارد اما نماز را باطل نمی کند.

سوالات درس

۱.مبطلات نماز را که مربوط به شخص و حالات نمازگزار می شود،ذکر کنید؟

۲.مبطلات لفظی و کلامی نماز را ذکر نمایید؟

۳.پنج مورد از مبطلات ایجابی و عملی نماز را بیان کنید؟

۴.مبطلات سلبی و فوتی نماز را ذکر نمایید؟

۵.مبطلات خارجی نماز کدام ها هستند؟

۶.پنج مورد از مواردی را که باطل کننده نماز نیستند،بیان کنید؟

ص:۱۳۴

ملحقات مباحث نماز

چگونگی ادای نماز

۱.کسی که می خواهد نماز بخواند،رو به قبله بایستد و انگشتان دست خود را برابر نرمی گوش هایش قرار دهد و در حالی که باطن کف هایش متوجه به سوی قبله است،تکبیر تحریمه(الله أکبر)بگوید.

در تکبیر تحریمه نباید در همزه«الله»و در همزه و یا باء«أکبر»مدّ بکشید.

زن هنگام تکبیر تحریمه باید دست هایش را تا برابر شانه هایش بلند کند.

۲.پس از تکبیر تحریمه،دست راستش را بالای دست چپ خود قرار می دهد و به زیر ناف می نهد و آهسته«ثنا»می خواند.«ثنا»عبارت است از:

«سُبحَانَکَ اللّهُمَّ و بِحَمدِکَ و تَبَارَکَ اسمُک و تَعالَی جَدُّکَ و لا إلَهَ غَیرُک».

زن کف دست راستش را روی دست چپ قرار می دهد و بر سینه خود می نهد.

۳.بعد از«ثنا»بلافاصله «أعوذُ بالله مِنَ الشیطانِ الرَّجیم» و پس از آن «بسم الله الرحمن الرحیم» را جهت قرائت با صدای آهسته می خواند.

مقتدی «أعوذ بالله...» و «بسم الله...» را نمی خواند.

۴.سپس بلادرنگ سوره«فاتحه»را قرائت نموده و در پایانِ آن،با صدای آهسته«آمین»می گوید.پس از آن یک سوره یا سه آیه قرائت می کند و در بین

فاتحه و سوره «بسم الله» نمی گوید.

۵.بعد از ضم سوره،تکبیر(ألله أکبر)می گوید و به رکوع می رود.در رکوع دستانش را بر دو زانوهایش می گذارد،بین انگشتانش را گشاده و ساق های پاهایش را راست و پشت و سرش را با یکدیگر برابر نگه می دارد و سه مرتبه«تسبیح»یعنی«سُبحَانَ رَبِّی العَظِیم»می گوید.

زن در رکوع انگشتان دستش را گشاد از هم قرار ندهد و لازم نیست پشت و کمر و سرش را با یکدیگر برابر سازد،بلکه کافی است اندکی خم بشود و همچنین آرنجهایش را به بغل خود بچسباند.

۶.پس از آن،«سَمِعَ الله لِمَن حَمِدَه»گفته سرش را از رکوع بر می دارد و قیام می کند و در صورتی که منفرد(شخصی که تنها نماز می گزارد)باشد،«رَبَّنَا لَکَ الحَمد»را نیز بر آن اضافه می کند.ولی در نماز جماعت،امام تنها به گفتن«سَمِعَ اللهُ لِمَن حَمِدَه»و مقتدی به«رَبَّنَا لَکَ الحَمد»اکتفا می نماید.

۷.بعد،با گفتن تکبیر به سجده می رود؛به این طریق که ابتدا زانوها و بعد دستها و سپس پیشانی و بینی خویش را به زمین می نهد.در سجده انگشتانِ دستانش را به هم نزدیک می نماید،شکمش را از زانوهایش دور نگه می دارد و انگشتان پاهایش را به طرف قبله بر می گرداند و سه مرتبه«سُبحَانَ رَبّی الأعلی»می گوید.

زن در اثنای سجده شکمش را به رانهای خود چسپانده و آرنج های خود را به زمین می گذارد.

سجده بر چیزهایی درست است که پیشانی در آن قرار گرفته و در صورت فشار دادن،پایین تر نرود.

نمازگزار هنگام ازدحام می تواند بر پشت نمازگزار دیگری که در جلو او قرار دارد،سجده نماید،به شرطی که هر دو در حالت خواندن یک نماز باشند.

۸.سپس،تکبیر گفته سرش را از زمین بر می دارد و دستهای خود را بالای

رانهـایش قرار داده آرام می گیرد،سـپس بـا گفتـن تکـبیر دوبـاره بـه سـجده می رود و آرام می گیرد و سه مرتبه«سـبحان ربی الأعلی»می گوید.

۹.سپس،با گفتن تکبیر سرش را از سجده بر می دارد و بدون نشستن و بدون کمک دستها،با تکیه به پاهایش برای رکعت دوم بلد می شود.هنگام بلند شدن ابتدا سر و بعد دستها و سپس زانوهایش را بلند می کند.

۱۰.رکعت دوم نیز هماننـد رکعت اول می باشـد،تنهـا اینکه در رکعت دوم دسـتهایش را بلنـد نمی کنـد و«ثنا»و«أعوذ بالله»نمی گوید.

۱۱.هرگاه در رکعت دوم از سجده دومی فارغ گردید،برای«قعده»می نشیند.در قعده،پای چپش را بر زمین هموار نموده و روی آن می نشیند و پـای راسـتش را در حـالی که انگشـتان آن متوجه به جانب قبله است،راست می نمایـد و دسـتانش را بر بالای رانهـایش می نهـد و انگشـتان دسـتهایش را گشـاده و بـه جـانب قبلـه قرار می دهد.سـپس«تشـهد»ابـن مسـعود رحمـه الله یعنی«أَلتَّحِیَّات...»را می خواند.«تشهد»ابن مسعود رحمه الله به این ترتیب است:

«أَلتَّحِیَّاتُ لِلَّهِ وَ الصَّلواتُ وَ الطَّیِّبَاتُ،أَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا النَّبِی وَ رَحمَهُ اللهِ وَ بَرَکَاتُهُ،أَلسَّلامُ عَلَینَا وَ عَلی عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِینَ،أَشهَدُ أن لا إلهَ إلا اللهُ وَ أَشهدُ أن مُحمداً عَبدُهُ وَ رَسُولُهُ».

زن در قعده،روی دُنبه چپ خود با بیرون آوردن پاهایش از جانب راست،می نشیند.

۱۲.اگر نماز دو رکعتی بود،بعد از خواندن«تشـهد»درود و صـلوات بر رسول خدا صـلّی الله علیه و آله می فرستد و سپس با دعا کردن و سلام دادن به راست و چپ،از نماز خارج می شود.

کیفیت صلوات به این ترتیب است:

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلَی آلِ مُحَمَّدٍ کَمَا صَلَّیتَ عَلَی إبرَاهِیمَ وَ عَلَی آلِ

ص:۱۳۷

إبرَاهِيـمَ إنَّکَ حَمِيـدٌ مَجِيـدٌ،اللَّهُمَّ بَـارِك عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَـا بَـارَكتَ عَلَى إبرَاهِيم وَ عَلَى آلِ إبرَاهِيمَ إنَّکَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

دعایی که بعد از صلوات گفته می شود،باید برگرفته از قرآن و سنّت باشد،یعنی به کلام مردم شباهت نداشته باشد،مانند:

«أللَّهُمَّ رَبَّنَا آتِنَا فِی الدُّنیَا حَسَنَهً وَ فِی الآخِرَهِ حَسَنَهً وَ قِنَا عَذَابَ النَّار».

بعـد از دعا دو مرتبه به دو طرف:«السَّلامُ عَلَیکُم وَ رَحمهُ الله»می گویـد و روی خویش را به طرف راست و بَعد به طرف چپ با این نیت که برای امام و نمازگزاران و ملائکه سلام می گوید،بر می گرداند.

۱۳.اگر نمـاز چهـاررکعتی بود،بعـد از«تشـهد»برای رکعت سوم بلنـد می شود و رکعتهـای سوم و چهـارم را به همان ترتیبی که رکعتهـای اول و دوم را بجا آورد،ادا می نمایـد.تنها اینکه در رکعت سوم و چهارم«ثنا»و«أعوذ بالله»وجود نـدارد و نیز(اگر نماز فرض بود)فقـط با خوانـدن سوره«فاتحه»در آنها بـدون ضمّ سوره اکتفا می کنـد و اگر به جای سوره«فاتحه»تسبیـح بگویـد و یا حتی ساکت هم بماند،جایز است.

۱۴.در رکعت چهارم بعـد از سـجده دومی و نیز در نماز سه رکعتی،در رکعت سوم و بعـد از سـجده دومی،برای قعده اخیر می نشیند و با خواندن«تشهد»و صلوات و دعا و سلام،از نماز بیرون می آید.

نماز وتر

نماز وتر هماننـد نماز مغرب سه رکعت است و بعـد از نماز عشاء خوانده می شود و خواندن آن در نزد امام ابوحنیفه رحمه الله واجب است.

تفـاوت نمـاز وتر در این است که بعـد از خوانـدن سوره«فاتحه»در رکعت سوم،نمازگزار یک سوره دیگری هم به آن ضمّ می کند و پس از فارغ شدن از

ضم سوره،با گفتن تکبیر(أالله أکبر)دستهای خود را برابر گوشهایش بلند می نماید و دوباره آنها را در زیر ناف قرار می دهد.

سپس دعای«قنوت»را می خوانـد و بعد از انجام«قنوت»با گفتن تکبیر به رکوع می رود و همانند سایر نمازها وتر را به پایان می رساند.

دعای قنوت این است:

«أللَّهُمَّ إنَّا نَستَعِینُکَ وَ نَستَغفِرُکَ وَ نُؤمِنُ بِکَ وَ نَتَوَکَّلُ عَلَیکَ وَ نُثنِی عَلَیکَ الخَیر،نَشکُرُکَ وَ لا نَکفُرُکَ وَ نَخلَعُ وَ نَترُکُ مَن یَّفجُرُک.أللَّهُمَّ إیَّاکَ وَ نَعبُدُ وَ لَکَ نُصَلِّی وَ نَسجُدُ وَ إلَیکَ نَسعَی وَ نَحفِدُ وَ نَرجُو رَحمَتَکَ وَ نَخشَی عَذَابَکَ إنَّ عَذابَکَ بِالکُفَّارِ مُلحِقٌ».

۲۷-سجده سهو و سجده تلاوت

سجده سهو

اشاره

هر کس واجبی از واجبات نماز را سهواً و از روی خطا ترک کند،سجده سهو بر او واجب می شود و با انجام این سجده،نقصان نماز جبران می گردد.

اما اگر یکی از واجبات نماز از روی عمد و قصد ترک شود و نیز اگر یکی از ارکان(فرایض)نماز چه سهواً و چه عمداً انجام نگیرد،نماز باطل می گردد و با سجده سهو جبران نمی شود بلکه باید نماز اعاده گردد.

۱.مواردی که سجده سهو واجب می گردد

در موارد زیر به جا آوردن سجده سهو واجب است:

۱.ترک قرائت سوره فاتحه در یکی از دو رکعت نماز فجر یا در هر دو رکعت آن؛

۲.ترک قرائت سوره فاتحه در هر رکعت از رکعات نمازهای نفل و وترواجب؛

۳.پس از آنکه قرائت را در دو رکعت اول از نماز فرض فراموش کرد و آن را در دو رکعت دیگر به جا آورد؛

ص:۱۴۰

۴.فراموش نمودن ضم سوره(بر سوره فاتحه)در دو رکعت اول یا یک رکعت از نمازهای فرض؛

۵.فراموش نمودن ضم سوره(بر سوره فاتحه)در هر رکعت از رکعتهای نماز نفل یا وتر؛

۶.در صورت دو بار خواندن سوره فاتحه؛

۷.نمازگزار بعد از انجام یک سجده،برای رکعت بعدی بلند شد و سجده فوت شده را در کنار دو سجده ی رکعت بعدی(یعنی سه سجده در یک رکعت)به جا آورد؛ (۱)

۸.ترک قعده اول در نمازهای سه رکعتی یا چهاررکعتی اعم از نمازهای فرض یا نفل؛ (۲)

۹.ترک خواندن«التحیات»؛

۱۰.ترک تکبیر قنوت در نماز وتر؛

۱۱.ترک قرائت قنوت قبل از رکوع؛

۱۲.امام یا منفرد قرائت را در نمازهای سرّی بلند و به جهر بخواند؛

۱۳.امام قرائت را در نمازهای جهری آهسته بخواند؛

۱۴.در قعده اول بر تشهد یعنی«التحیات»افزوده شود بدین صورت که مثلاًـ درودها خوانده شود و یا به اندازه ادای یکی از ارکان،درنگ حاصل گردد.

۱- (۱) .در این حالت نماز صحیح است.

۲- (۲) .کسی که سهواً قعده اول را در نمازهای سه رکعتی یا چهاررکعتی ترک کند و به طور کامل در رکعت سوم بایستد،به نماز خویش ادامه می دهد و سجده سهو انجام می دهد،ولی اگر به طور کامل بلند نشده باشد به قعده برمی گردد.ملاک در این مسأله زانو است؛اگر از زمین کنده شده باشد در حکم قیام است و اگر از زمین جدا نشده باشد،در حکم قعده است.

۲.کیفیت سجده سهو

نمازگزار،بعد از فارغ شدن از تشـهد(التحیات)در قعده اخیر،فقط به یک طرف یعنی سمت راست سلام می کند،سپس با گفتن تکبیر دو سـجده به مانند سـجده های نماز انجام می دهد،آنگاه در قعده می نشـیند و دو باره تشهد را به همراه درودها و دعاها به پایان می رساند و نهایتاً با دو سلام از نماز خارج می گردد.

اگر سجده سهو را قبل از سلام انجام داد نمازش صحیح است،اما مکروه به حساب می آید.

سجده تلاوت

اشاره

انجام سجده تلاوت در چهارده موضع از قرآن کریم واجب می گردد:

اعراف/۲۰۶نحل/۴۹-۵۰مریم/۵۸فرقان/۶۰الم السجده/۱۵

حم السجده

(فصلت)/۳۷-۳۸انشقاق/۲۱رعد/۱۵اسراء/۱۰۷حج/۱۸(سجده اول)

نمل/۲۵-۲۶ص/۲۴نجم/۶۲علق/۱۹

۱.کیفیت سجده تلاوت

سجده تلاوت بین دو تکبیر صورت می گیرد،بدین نحو که شـخص با تکبیری به سـجده می رود و با تکبیر دیگری سرش را از سجده بر می دارد.

۲.برخی احکام سجده تلاوت

۱.در سجده تلاوت،شخص هنگام گفتن تکبیر دست هایش را بالا نمی برد و تشهد نمی خواند و سلام نمی دهد.

۲.شرط صحت سجده تلاوت همان شروط صحت نماز است،جز اینکه سجده تلاوت تکبیر تحریمه ندارد.

ص:۱۴۲

چکیده مطالب

-هر کس واجبی از واجبات نماز را سهواً و از روی خطا ترک کند،سجده سهو بر او واجب می شود؛

-حد اقل در چهارده مورد سجده سهو واجب می گردد؛

-سجده سهو در قعده اخیر بعد از فارغ شدن از تشهد(التحیات)انجام می گیرد؛

-انجام سجده تلاوت در چهارده موضع از قرآن کریم واجب می گردد؛

-سجده تلاوت بین دو تکبیر صورت می گیرد؛

-سجده تلاوت دارای احکام خاصی است.

سوالات درس

۱.سجده سهو چیست و حکم آن کدام است؟

۲.هفت مورد از مواردی را که سجده سهو واجب می گردد،ذکر کنید؟

۳.سجده سهو چه گونه انجام می گیرد؟توضیح بدهید.

۴.سجده تلاوت چه حکمی دارد و در چند مورد از قرآن کریم باید انجام بگیرد؟هفت مورد را نام ببرد.

۵.کیفیت سجده تلاوت را بیان نمایید؟

۶.احکامی را که در این کتاب پیرامون سجده تلاوت ذکر شده است،بیان کنید؟

ص:۱۴۳

۲۸-نماز مسافر

درآمد

هر گاه شخص راه سفری را پیش بگیرد به طوری که مسافر محسوب شود،نمازش کوتاه(شکسته)می گردد.

مقدار مسافتی که در آن نماز شکسته می شود

کمترین مسافتی که سبب کوتاه خواندن نماز می گردد،سفری است که در آن به طور متوسط،مسافت سه روز از کوتاه ترین روزهای سال،با پیاده گردی یا راه پیمایی شتر،طی شود.

هر کس مسافت سه روز را چه با وسایل نقلیه ی سریع السیر طی نماید و چه با شتر و پیاده،مسافر محسوب می گردد و باید نمازش را شکسته بخواند.

حکم کوتاه کردن نماز در سفر

کوتاه کردن نماز در سفر واجب است و مسافر حق ندارد نمازش را کامل بخواند.

نمازهایی در سفر کوتاه می شود

نمازهای فرض چهاررکعتی یعنی فرض ظهر و عصر و عشاء،در سفر

کوتاه می شود و هر کدام در دو رکعت ادا می گردد.اما نماز صبح و نماز مغرب کوتاه نمی شود.

مدت کوتاه کردن نماز

مسافر تا زمانی که در سفر است،باید نمازش را کوتاه بخواند،اما در برخی موارد،شخصِ مسافر مقیم محسوب می شود و باید نمازش را کامل ادا نماید و آن زمانی است که اقامت به مدت پانزده روز و بیشتر از آن را در شهر یا قریه ای نیت کند.

اما اگر شخص اقامت کمتر از پانزده روز را نیت کند و یا ماه ها و بلکه سالها بدون نیتِ اقامت در سفر باقی ماند،باید نمازش را کوتاه بخواند.

حکم اقتدای مسافر به مقیم و بالعکس

اقتدای مسافر به مقیم و مقیم به مسافر جایز است.اقتدای آن ها بدین نحو است که:

۱.هرگاه مسافر به مقیم اقتدا نمود،باید نمازش را کامل یعنی چهار رکعت بخواند؛

۲.هرگاه مقیم به مسافر اقتدا کند،لازم است مسافر بعد از سلام(در رکعت دوم)بگوید:«نماز خویش را تمام بخوانید چون من مسافرم»و بهتر است این جمله را قبل از شروع نماز هم تذکر دهد؛

۳.آنگاه که شخص مقیم بعد از سلام دادن امام مسافر خویش برای تمام کردن نمازش بر خواست،قرائت نخواند و بلکه مانند شخص لاحق،نمازش را بدون قرائت تمام کند.

اقسام وطن و احکام آن

کسی که وطن اصلی خویش را ترک کرد و سرزمین دیگری را به عنوان وطن

دائمی انتخاب نمود،اگر به خاطر امری از امور،به وطن اصلی خویش بازگشت،باید آنجا نمازش را شکسته بخواند؛

اگر منطقه ای را که شخص به عنوان وطن موقت(یعنی وطن اقامت) (۱)انتخاب کرده بود،ترک نمود و مکان دیگری را برای اقامتِ موقت برگزید،آن منطقه دیگر وطن محسوب نمی شود.

ص:۱۴۶

۱- (۱) .وطن اقامت یا موقت همان جایی است که شخص در آنجا اقامت به مدت پانزده روز یا بیشتر را نیت کرده باشد.

چکیده مطالب

-مسافر باید نمازش را شکسته بخواند؛

-مقدار مسافتی که در آن نماز شکسته می شود،سه روز است؛

-حکم کوتاه کردن نماز در سفر واجب است؛

-نمازهای فرض چهاررکعتی در سفر،کوتاه،یعنی دو رکعتی خوانده می شود؛

-اگر شخص،اقامت به مدت پانزده روز و بیشتر را نیت کند در حکم مسافر نخواهد بود و اگر کمتر از این را نیت کند،مسافر است؛

-مسافر می تواند به مقیم و مقیم به مسافر اقتدا نماید؛

-کسی که سرزمینی را به عنوان وطن اصلی انتخاب نمود،هرگاه به وطن قبلی خویش بازگشت،باید نمازش را شکسته بخواند؛

-کسی که سرزمینی را وطن اقامت قرار داده بود،ترک کرد و به جای دیگر اقامت موقتی گزید،وطن اقامتی اول باطل می شود.

سوالات درس

۱.مقدار مسافتی را که در آن نماز شکسته می شود،ذکر کنید؟

۲.حکم کوتاه کردن نماز در سفر چیست؟

۳.چه نمازهایی کوتاه خوانده می شود؟

۴.شخص در چه وضعیتی حکم مسافر را دارد و در چه موضع مسافر به حساب نمی آید؟

۵.حکم اقتدای مسافر به مقیم و مقیم به مسافر چیست؟

۶.آیا وطن اصلی با وطن اقامتی باطل می شود؟

۷.وطن اقامتی را کدام وطن باطل می کند؟

۲۹–نماز بیمار

درآمد

ترک نماز حتی در حال بیماری هم جایز نیست،اما در برخی موارد شدت بیماری به حدی است که قدرت انجام ارکان عبادات و به خصوص نماز را از شخص می گیرد.در چنین شرایطی شرع مقدس اسلام احکام خاصی را وضع نموده است.

حالات بیمار و احکام آن

شخص بیمار ممکن است یکی از حالات زیر را داشته باشد که هر یک احکام خاصی را در پی خواهد داشت:

حالات شخص مریضاحکام مربوط به حالات مریض

۱نمی تواند بایستداما می تواند بنشیندنشسته رکوع و سجود انجام بدهد

۲نمی تواند در حال نشستن رکوع و سجود انجام بدهداما می تواند سرش را تکان بدهدبا تکان دادن سر جهت انجام رکوع و سجده إیما و اشاره نماید

۳نمی تواند بنشیندااما می تواند به پشت بخوابددر حالی که به پشت خوابیده و پاهایش به سوی قبله است،با سر جهت رکوع و سجده إیما و اشاره نماید

و یا می تواند به پهلو بخوابددر حالی که به پهلو خوابیده و صورتش به سوی قبله است با سر جهت رکوع و سجده إیما و اشاره نماید

۴می تواند بخوابد(به پهلو و یا به پشت)اما نمی تواند سرش را تکان بدهدبدون تکان دادن سر و صرفاً با ایما و اشاره ی چشمان یا ابروان یا قلب،نماز خواندن صحیح نیستبلکه باید نمازش را به تأخیر بیندازد

۵

می تواند بایستداما نمی تواند رکوع و سجود انجام بدهدلازم نیست ایستاده نماز بخواندبلکه اگر نشسته و با إیما و اشاره نماز بخواند بهتر است

برخی حالات شخص در اثنای نماز

در مواردی هم ممکن است برای شخص حالات زیر پیش آید:

اگر نمازگزار صحیح و سالم بود و در وسط نماز مریض شدیا قدرت بر نشستن دارد،پس نماز را نشسته ادامه بدهداگر قدرت رکوع و سجود کردن را دارد با رکوع و سجود ادامه بدهد

اگر قدرت نداشت،با تکان دادن سر و با ایما و اشاره ادامه بدهد

یا قدرت بر نشستن ندارد،پس خوابیده نماز بخواند

اگر نمازگزار مریض بود و نشسته رکوع و سجود انجام می داد که ناگهان در وسط نماز صحیح و سالم گردیدباید نمازش را ایستاده ادامه بدهد در نزد امام ابوحنیفه و امام ابویوسف(رها)

اگر نمازگزار مریض بود و نمازش را با إیما و اشاره می خواند که ناگهان قدرت بر انجام رکوع و سجود پیدا نمودباید نمازش را از سر گیرد(یعنی باید استئناف کند)

اگر نمازگزار بی هوش گردیدپنج و کمتر از پنج نماز از او فوت شدقضای این نمازها را به جا می آورد هرگاه صحت یافت

بیش از پنج نماز از او فوت گردیدقضا ندارد

چند تذکر

ایما و اشاره:ایما و اشاره تنها در صورتی جانشین رکوع و سجود می گردد که با تکان خوردن سر انجام بگیرد،پس اگر اشاره با چشم یا با ابرو یا با قلب صورت بگیرد نماز صحیح نمی شود.

به تأخیر انداختن نماز:

۱.اگر شخص مریض از نمازگزاردن با اشاره ی سر عاجز بود،ادای نماز از وی به مدت یک شبانه روز به تأخیر می افتد و بعد از آنکه قدرت بر تکان دادن سر پیدا نمود و یا بهبود یافت،نمازهای تأخیری را به عنوان قضا به جا می آورد؛

۲.اگر شخص مریض بیش از یک شبانه روز از تکان دادن سر عاجز گشت،نماز از او ساقط می گردد.

ص:۱۵۰

چکیده مطالب

-ترک نماز جایز نیست،اما بخاطر شدت بیماری شرع مقدس احکام خاصی را وضع نموده است؛

-شخص بیمار می تواند حالات گوناگونی داشته باشد که هر یک احکام خاص خود را دارد؛

-در مواردی هم ممکن است شخص سالم در اثنای نماز بیمار گردد و یا بیمار بهبود یابد و یا شخص بی هوش شود که هر کدام احکام خاصی دارد؛

-ایما و اشاره اگر با چشم یا با ابرو یا با قلب صورت بگیرد نماز صحیح نمی شود بلکه باید با تکان دادن سر انجام بگیرد؛

-شخصی که نمی تواند سرش را تکان بدهد نمازهایش تا یک شبانه روز به تأخیر می افتد و قضا دارد اما اگر بیش از یک شبانه روز بود،نماز از او ساقط می گردد.

سوالات درس

۱.حالاتی را که ممکن است بر شخص مریض عارض گردد بیان نمایید و حکم هر کدام را بنویسید؟

۲.حالاتی را که ممکن است بر شخص(چه سالم و چه مریض)در اثنای نماز عارض گردد،ذکر کنید و حکم هر کدام را باز گو نمایید؟

۳.ایما و اشاره در چه صورتی جانشین رکوع و سجده می گردد؟

۴.اگر مریض از نمازگزاردن با اشاره ی سر عاجز بود،ادای نماز از وی به مدت چند شبانه روز به تأخیر می افتد و اگر بیش از این مدت بود،آیا قضا دارد یا نه؟

۳۰-نماز جماعت و احکام آن(۱)

حکم جماعت در نماز

با توجه به تعدد نمازها،به جماعت خواندن هر کدام از آن حکم خاص خودش را دارد که در جدول زیر بیان شده است:

حکم جماعت نمازهابرای مردهاسنت عینی مؤکدهدر نمازهای یومیه پنجگانه

سنت کفایی مؤکدهبرای نمازهایتراویح

\کسوف(خورشیدگرفتگی)

شرط صحتبرای نمازهای۱.جمعه

\۲.نماز عید فطر

\۳.نماز عید قربان

مستحببرای نماز وتر واجب در ماه مبارک رمضان

مباحبرای نماز وتر واجب در غیر ماه رمضان به شرط اینکه بدون مواظبت باشد مثلاً تنها دو یا سه بار اتفاق بِیفتد

مکروه تنزیهیبرای نماز وتر واجب در غیر ماه رمضان اگر چنانچه به طور دائم برگزار گردد

ص:۱۵۲

مکروهبرای نماز خسوف(ماه گرفتگی)

\برای نمازهای نافله،اگر چنانچه با اعلام و دعوت مردم جهت اقامه ی آن برپا گردد

\هنگـام برگزار کردن جماعت دوم در مسـجدی که دارای امام و مؤذن است در صورتی که مردم آن محل نماز را در مسـجد مورد نظر به جماعت خوانده باشند

برای زنانمکروهدر تمامی نمازها

مواردی که جماعت ساقط می شود

در برخی موارد به جماعت برگزار نمودن نماز،از ذمه شخص ساقط می گردد.مصادیق آن را در جدول بعدی ملاحظه نمایید:

به خاطر عوامل طبیعی۱هنگام بارش شدید باران

۲سرمای شدید،به گونه ای که بیم مریض شدن یا شدت یافتن مریضی باشد

۳گِل آلود بودن راه

۴غلظت تاریکی شب

۵وزیدن باد شدید در شب اما وزش باد در روز مانع از حضور در جماعت نمی شود

به خاطر عوارض شخصی۱نابینا بودن

۲بیمار بودن مثل سرماخودگی

۳به دلیل پیری،توانایی پیاده رفتن به مسجد را نداشته باشد

۴هر دو یا یکی از پاهای نمازگزار قطع شده باشد

۵مریضی ای که توان راه رفتن را از شخص گرفته باشد،مثل فلج بودن

۶تحت فشار پیشاب یا مدفوع بودن

ص:۱۵۳

به خاطر عوامل خارجی۱پرستاری کردن برای شخصی بیمار

۲زندانی بودن شخص

۳هنگام حاضر شدن غذا در صورتی که شخص به آن میل داشته باشد

۴هنگام آمادگی برای سفر

۵بیم از دست دادن مال و وسایل در صورت حضور در نماز جماعت

۶بیم باز ماندن از قطار یا هواپیما یا...در صورت حضور در جماعت

شروط صحت امامت در نماز

برای صحت امامت لازم است شروط آتی فراهم آید:

شروط صحت امامت در نماز۱مرد بودن،پس امامت زن بر مردان درست نیست

۲مسلمان بودن

۳بالغ بودن

۴عاقل،یعنی دیوانه نبودن

۵قادر بودن بر قرائتی که شرط صحت نماز است،پس امامتی شخص بی سواد درست نیست

۶پوشیده بودن عورت

۷سالم بودن از عذرها،مانند خونریزی دائم بینی،خروج بی اختیار پیشاب یا باد و...

۸صحیح اللسان بودن(زبانی الکن نداشتن)به گونه ای که حروف را صحیح تلفظ کند

ص:۱۵۴

چکیده مطالب

-برگزار کردن هر کدام از نمازها با جماعت حکم خاص خودش را دارد؛

-به خاطر برخی عوامل کلی که دارای مصادیقی است،حضور در نماز جماعت ساقط می شود:

۱.به خاطر عوامل طبیعی

۲.به خاطر عوارض شخصی

۳.به خاطر عوامل خارجی

۴.امامت در نماز دارای شروطی است که تنها بعد از فراهم شدن آن،صحت می یابد.

سوالات درس

۱.حکم به جماعت خواندن هر کدام از نمازها را بیان نمایید.

۲.به خاطر کدام عامل کلّی حضور در نماز جماعت از ذمه شخص ساقط می گردد؟برای هر یک از این عوامل سه نمونه ذکر کنید.

۳.شروط صحت امامت در نماز را بنویسید؟

۳۱–نماز جماعت و احکام آن(۲)

سزاوارترین شخص بر امامت

امامت برخی از افراد افضل است که به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱سلطان؛منظور خلیفه،رئیس جمهور و حاکم است

۲نائب خلیفه یا رئیس جمهور یا حاکم

۳امام موظَّف در یک مسجد معین

۴صاحب منزل در صورت واجد شرایط بودن او و برگزاری نماز جماعت در منزلش

۵داناترین مردم به احکام نماز در صورتی که در جمع نمازگزاران،سلطان یا نائب او،یا امام موظّف در مسجد محله،یا صاحب منزل(اگر نماز جماعت در منزل برپا می شود)حاضر نباشند

۶حافظ قرآن کریم به همراه علم به احکام نماز

۷با تقواترین شخص در بین نمازگزاران

۸بزرگسال ترین فرد در بین نمازگزاران

ص:۱۵۶

مکروهات مربوط به امامت و جماعت

برخی از احکامی که مربوط به مکروهات امامت و جماعت می شود،عبارتنداز:

افرادی که امامتی آنها مکروه است۱شخص فاسق

۲شخص بدعت گزار

۳نابینا،مگر اینکه شخص نابینا بهترین افراد قوم باشد

۴امامت شخص جاهل(بی سواد)اعم از بادیه نشین یا شهرنشین در صورت وجود عالم

۵امامتی کسی که مردم از او به جهت نقص و کمبودی ای که دارد،کراهت دارند

۶جماعت کردن زنان به تنهایی؛و اگر زنان جماعت کنند،امام در وسط و با مقتدی ها قرار می گیرد

اعمال مکروه در جماعت۱طولانی خواندن نماز از مقدار سنّت

۲حضور زنان در جماعت اگر احتمال ایجاد فتنه و فساد باشد،در غیر این صورت مکروه نیست

ترتیب صف ها

ترتیب صف ها در نماز به ترتیب زیر است:

اگر مقتدی فقط یک نفر است

اعم از مرد یا کودک ممیّزمقتدی در سمت راست امام و کمی عقب تر قرار می گیرد

اگر مقتدی دو نفر مرد یا

بیشتر از دو نفر استمقتدی ها پشت سر امام قرار می گیرند

اگر افراد اقتداکننده عبارتند

از مردان و زنان و کودکان و خنثیاول مردها قرار می گیرند هرچند تعداد صف ها زیاد شود،و بعد کودکان و سپس خنثی و در نهایت زنان

اگر افراد اقتداکننده مردهایند

به اضافه یک نفر کودککودکِ اقتداکننده در صف مردها قرار می گیرد

اگر افراد اقتداکننده مردهایند

به اضافه چند نفر کودکبرای کودکان صفی علاهده در پشت صف مردها تشکیل داده می شود بدون تکمیل نمودن صف مردها توسط کودکان

شروط صحت اقتدا

اقتدا به امام و پیوستن به نماز جماعت در برخی موارد صحیح است و در برخی دیگر صحیح نیست.مصادیق این دو موارد را در جدول زیر ملاحظه فرمایید:

مواردی که اقتدا صحیح نیست۱مقتدی هنگام گفتن تکبیر تحریمه متابعت امام را نیت نکند

۲امام از مقتدی ها به مقدار کمتر از دو گام معمولی جلوتر قرار بگیرد (۱)

۳گر امام نافله می خواند و مقتدی نماز فرض

۴گر امام نماز فرضی مثل ظهر را می خواند و مقتدی نماز فرض دیگری مانند عصر را

۵اقتدای کسی که سجده و رکوع انجام می دهد پشت سر کسی که با اشاره نماز می خواند

۶قرار گرفتن صفی از زنان بین امام و صف مردان

۷فاصله افتادن بین امام و مقتدی به وسیله رودخانه ای که از آن قایق عبور می کند

۸فاصله افتادن بین امام و مقتدی به ویسله راه و طریقی که در آن ماشین عبور می کند

۹وجود حایل بین امام و مقتدی به وسیله چیزی که مانع از شنیدن یا دیدن انتقالات امام است

۱- (۱) .یعنی امام باید به مقدار دو گام جلوتر از مقتدی ها قرار بگیرد.

۱۰اقتدای ساتر عورت به شخص برهنه

مواردی که اقتدا صحیح است۱اقتدای شخص متوضی به متیمم

۲اقتدای کسی که در وضو پاهایش را شسته است به ماسح بر خفین

۳اقتدا کردن کسی که نمازش را ایستاده می خواند به کسی که نشسته نماز می خواند

۴اقتدای شخص راست قامت به امام کوژپشت

۵اگر امام فرض می خواند و مقتدی نافله

.

ص:۱۵۹

چکیده مطالب

-برخی افراد برای امامتی در نماز شایستگی بیشتری دارند؛

-امام شدن برخی از افراد،طولانی خواندن نماز جماعت توسط امام و نیز به جماعت،نماز خواندن زنان مکروه است؛

-با توجه به جنسیت و سن نمازگزاران،صفوف نمازِ جماعت از ترتیب خواصّی برخوردار است؛

-اقتدا به امام و پیوستن به نماز جماعت در برخی موارد صحیح است و در برخی دیگر صحیح نیست.

سوالات درس

۱.کسانی را که سزاوارترین اشخاص بر امامت هستند،نام ببرید؟

۲.امامتی چه نوع افرادی مکروه است؟

۳.با توجه به جنسیت و سن نمازگزاران،ترتیب صفوف در نماز جماعت را بیان نمایید؟

۴.هفت مورد را که اقتدا در آن صحیح نیست و نیز مواردی را که اقتدا صحیح است،ذکر کنید؟

ص:۱۶۰

۳۲-نماز جمعه

اشاره

قال الله عز و جل:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا نُودِیَ لِلصَّلاهِ مِنْ یَوْمِ الْجُمُعَهِ فَاسْعَوْا إِلی ذِکْرِ اللّهِ وَ ذَرُوا الْبَیْعَ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ [جمعه/۹]

ای کسانی که ایمان آورده اید!هنگامی که برای نماز روز جمعه اذان گفته شود،به سوی ذکر خدا بشتابید و خرید و فروش را رها کنید که این برای شما بهتر است اگر می دانستید

ص:۱۶۱

شرطهای تحقق نماز جمعه

هرگاه شـرطهای تحقق نماز جمعه در مورد کسـی یافت شود،حضور در نماز جمعه برایش فرض می گردد،در غیر این صورت حضور در نماز جمعه مستحب است:

شرطهای فرض گردیدن حضور در نماز جمعه۱ذکوریتپس بنابر این نماز جمعه فرض نیست برای۱زنان

۲آزاد بودن۲برده و کنیز

۳مقیم شهر بودن یا مقیم منطقه ای که در حکم شهر است۳مسافر و کسی که مقیم قریه است

۴سالم بودن۴مریض

۵امنیت داشتن۵کسی که از بیم ظلم ظالم و دشمنان پنهان شده است

۶بینا بودن۶نابینا

۷قادر بودن بر پیاده روی۷کسی که قدرت بر پیاده روی ندارد

بنـابر این،کسانی که نماز جمعه برایشان فرض نیست،اگر در این عبادت حضور یابنـد،نه تنها نمازشان صـحیح است بلکه عملی مستحب انجام داده اند و نماز ظهر از ایشان ساقط گردیده است.

ص:۱۶۲

شرطهای صحت نماز جمعه

صحت نماز جمعه منوط به شروط زیر است:

۱برگزار کردن نماز جمعه در شهر و فنای آن (۱)بنابر این نماز جمعه در قریه ها صحیح نمی شود

۲حضور امام(خلیفه،رئیس جمهور،پادشاه)یا نایب آندر کشورهایی که رؤساء و حاکمان یا نایبان و نمایندگان آن در نماز جمعه حضور نمی یابند،فتوای علما بر این است مردم مسلمان،امام خویش را با توافق و رضای همدیگر تعیین کنند

۳برگزاری نماز جمعه در وقت ظهرپس برگزاری این نماز قبل یا بعد از ظهر صحیح نیست

۴ایراد خطبهخطبه باید بعد از زوال و قبل از نماز خوانده شود

۵إذن عام،یعنی حضور همگان در مکانی که نماز جمعه برگزار می شود،بلا مانع باشدبرگزاری نماز جمعه در سرایی که درهای آن بر روی عموم مردم بسته است،صحیح نیست

۶جماعت؛حضور حد اقل سه نفر به جز شخص امامنماز جمعه بدون جاعت یعنی به طور فرادا صحیح نیست

ص:۱۶۳

۱- (۱) .فنای شهر:مکانی که به شئون شهر اختصاص دارد،مانند فرودگاه،پایانه مسافربری،میدان های مسابقات و....فنا در مورد نماز جمعه و عیدین حُکم داخل شهر را دارد و در مورد مسافر بیرون از شهر محسوب می گردد.

برخی از احکام نماز جمعه به شرح ذیل است

احکامواجبشتاب به سوی نماز جمعه و ترک داد و ستد با شنیدن اذان اول

عدم جوازهنگام ایراد خطبه ها نماز خواندن و حرف زدن

مکروهبرای شخص امام۱طولانی کردن خطبه

۲\ترک چیزی از سنتهای خطبه

۳\سلام دادن به قوم بعد از استقرار بر منبر

برای نمازگزاران۱خوردن و آشامیدن

۲\بیهوده کاری و بازی کردن

۳\نگرستن به این سو و آن سو

سنت های مربوط به خطیب و خطبه

رعایت برخی امور برای شخص خطیب و خطبه نماز جمعه سنّت است:

سنت های مربوط به

شخص خطیب۱پاک بودن خطیب از حدث

۲پاک بودن خطیب از نجاست

۳ستر عورت داشتن

سنّت های مربوط به خطبهخطبه اول۱قبل از شروع خطبه در منبر نشستن

۲در پیش روی خطیب اذان(دوم)گفتن

۳ایستاده خطبه خواندن خطیب

۴خطبه را با حمد و ستایش و ثنای خداوند شروع کردن

۵در خطبه شهادین را ذکر کردن

۶به پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله در خطبه درود فرستادن

۷به مردم پند و اندرز دادن

۸حد اقل یک آیه از قرآن مجید قرائت کردن

ص:۱۶۴

خطبه دوم۱ایراد خطبه دوم خود از سنتهای نماز جمه است

۲نشستن سبُک و کوتاه بین دو خطبه

۳شروع خطبه با حمد و ستایش خداوند

۴شروع خطبه با درود فرستادن بر پیامبر صلّی الله علیه و آله

۵دعا در حق مسلمین و طلب آمرزش برای آنان

سنتهای مربوط به

هر دو خطبه۱ایراد خطبه با آواز بلند و واضح

۲ایراد خطبه به اندازه خواندن سوره ای از سوره های طوال مفصل (۱)

۱- (۱) .سوره های طوال مفصل عبارتند از سوره«حجرات»تا«بروج».

چکیده مطالب

-برخی از امور به عنوان«شرطهای وجوب حضور در نماز جمعه»مطرح هستند؛

-شش مورد،از شروط صحت نماز جمعه به حساب می آیند؛

-سنت های خطبه،برخی مربوط به شخص خطیب است و برخی دیگر به خود خطبه،و سنتهایی که مربوط به خطبه است یا در رابطه با خطبه اول است یا دوم و یا هر دو؛

-برخی از مسایل در نماز جمعه واجب است و برخی دیگر حکمِ عدم جواز را دارد و تعدادی نیز مکروه هستند.

سوالات درس

۱.شرطهای فرض گردیدن حضور در نماز جمعه را ذکر کنید؟

۲.شش مورد از مواردی را که از شروط صحت نماز جمعه به حساب می آیند،بیان نمایید؟

۳.ده مورد از سنت های خطبه را ذکر کنید؟

۴.مکروهات نماز جمعه را که مربوط به شخص امام و نمازگزار می شود،بیان کنید؟

ص:۱۶۶

۳۳–محتضر و میت

مسائل مربوط به مُحتضَر

مُحتضَر کسی است که زمان مرگ او فرا رسیده و نشانه های مرگ بر وی ظاهر گردیده است.برخی احکام محتضر عبارتند از:

احکام محتضرسنت۱محتضر بر پهلوی راست قرار داده شود

۲صورت محتضر به سوی قبله باشد

مستحب۱تلقین شهادتین بر محتضر

۲شهادتین با صدای بلند تلقین گردد به گونه ای که آن را بشنود (۱)

۳حضور نیکوترین اعضای خوانواده محتضر و نزدیکان و دوستان و همسایگان بر بستر او

۴تلاوت سوره«یس»نزد محتضر

۵عدم حضور زنان حایض و نفساء و افراد جنب نزد محتضر و دور کردن وسایل لهو و لعب

مباحجایز است محتضر بر پشت خوابانده شود به گونه ای که پاهایش به سوی قبله باشد و سرش اندکی بالاتر از سینه قرار بگیرد تا صورتش به سوی قبله باشد

۱- (۱) .هنگام تلقین شهادتین نباید به محتضر گفته شود:«بگو و تکرار کن»تا«نه»نگوید و در نتیجه گمان بد در حق وی نرود.

احکام میت

قبل از غسلمستحب۱محکم بستن محاسن میت با پارچه ای عریض از بالای سر

۲فرو آوردن پلک های چشم یعنی فروپوشانیدن چشم

۳خواندن این دعا هنگام فروپوشاندن چشمهای میت:

بسم الله و علی ملّه رسول الله،اللّهمّ یسّر علیه امرَهُ و سهّل علیه ما بعده و اسعده بلقائک و اجعل ما خرج الیه خیراً ممّا خرج منه

۴گذاشتن چیزی سنگین بر شکم میت تا باد نکند

۵نهادن دستان میت به دو پهلویش

۶اعلام مرگ متوفی

۷تعجیل در تجهیز متوفی و دفن او

عدم جواز گذاشتن دستان میت بر روی سینه او

مکروهبلند قرائت کردن قرآن در نزدیکی میت (۱)

هنگام غسلفرضیک بار شستن تمام بدن میت

واجب۱پوشاندن عورت میت

۲شستشوی مواضع عورت میت با دستکش یا پارچه

عدم جواز۱مردان زنان را و زنان مردان را غسل بدهند

۲شوهر زن خویش را غسل بدهد

جواززن شوهر خویش را غسل بدهد

مستحب۱دو یا سه دفعه شستن تمام بدن میت

۲در غسل اول و دوم از آب سدر استفاده شود

۳در غسل سوم،بر آب کافور افزوده شود

۴وضو دادن میت بدون مضمضه و استنشاق

ص:۱۶۸

۱- (۱) .اما اگر قاری قرآن از میت دور باشد،مکروه نیست.

مکروه۱غسل دادن میت در دفعات چهارم و بالاتر اگر در دفعه سوم پاک شده بود

۲غسل ندادن میت در دفعات چهارم و بالاتر اگر در دفعه سوم پاک نشده بود

بعد از غسلمستحب۱سر و ریش میت بعد از غسل خوشبو کرده شود

۲کافور زدن بر اعضای سجده میت

احکام تکفین میت

۱.کفن کردن میت بر مسلمانان فرض کفایی است؛

۲.مقدار فرض در کفن چیزی است که تمام بدن میت با آن پوشانده شود؛

۳.اگر نه شخص میت مال داشت و نه نفقه پرداز او و نه بیت المالی در اختیار مسلمانان بود،تکفین میت بر عهده جماعتی از مسلمانان که قدرت بر تهیه آن دارند،واجب می گردد.

انواع کفن

کفن دارای انواعی است و در مورد زن و مرد تفاوتهایی جزیی وجود دارد:

کفن سنتبرای مردپیراهن-ازار-لفافه

برای زنلفافه-ازار-پیراهن-خمار(چادر،چارقد)-خرقه

کفن کفایتبرای مردازار-لفافه

برای زنازار-لفافه-خمار

کفن ضرورتبرای مردآن مقدار چیزی که در حال ضرورت یافت شود و به قدر پوشاندن عورت باشد

برای زنآن مقدار چیزی که در حال ضرورت یافت شود و لو ستر عورت نکند

ص:۱۶۹

کیفیت تکفین مرد و زن

نحوه کفن کردن مرد و زن به ترتیب زیر است:

کیفیت تکفین مرد۱لفافه پهن گردد

۲ازار بالای لفافه قرار بگیرد

۳پیراهن بالای ازار گذاشته شود

۴میت روی پیراهن قرار داده و بر او پوشانده شود

۵پیچاندن ازار،نخست از چپ و بعد از راست بر میت

۶پیچاندن لفافه از چپ آنگاه از راست

۷گره زدن لفافه از بالا و پایین

کیفیت تکفین زن۱لفافه پهن گردد

۲ازار بالای لفافه قرار بگیرد

۳پیراهن بالای ازار پهن شود

۴پوشاندن پیراهن بر میت زن

۵موهای زن به دو دسته تقسیم و بر روی سینه بالای پیراهن قرار داده شود

۶نهادن خمار(چادر،چارقد)بر سر میت بدون پیچاندن و گره زدن

۷پیچاندن ازار،نخست از چپ و بعد از راست

۸بستن سینه با خرقه

۹پیچاندن لفافه

ص:۱۷۰

چکیده مطالب

-احکام مربوط به شخص محتضر تقسیم می شود به سنت و مستحب و مباح؛

-برخی احکام میت مربوط به قبل از غسل است و برخی در هنگام غسل و بعضی نیز بعد از غسل میت؛

-تکفین میت فرض کفایی است و مقدار فرض در آن چیزی است که تمام بدن پوشانده شود و تهیه آن بر مسلمانان واجب است؛

-کفن بر سه قسم:سنت و کفایت و ضرورت تقسیم می شود که هر کدام در مورد مرد و زن دارای تفاوتهایی است؛

-در تکفین مرد و زن باید به تفاوت انجام آن توجه کرد.

سوالات درس

۱.محتضر کیست و احکام سنّت و مستحب را که در مورد او مطرح است،بیان کنید؟

۲.برای هر یک از احکام میت که مربوط به قبل و بعد و حین غسل است،دو نمونه ذکر کنید؟

۳.حکم کفن کردن میت چیست و مقدار فرض آن چه قدر است و بر عهده کیست؟

۴.کفن به طور کلّی بر چند قسم است؟نام ببرید(بدون ذکر مصداق).

۵.کیفیت تکفین مرد را بیان کنید؟

۳۴-نماز جنازه

حکم نماز جنازه

خواندن نماز جنازه بر میت،فرض کفایی است به این معنا که اگر از هر گروه یا هر خوانواده یک نفر از مسلمانان بر میت نماز جنازه بخواند،فرض از ذمه بقیه ساقط می شود و اگر کسی نخواند،همگی گنهکار به حساب می آیند.

نماز جنازه بر کسی که نمازهای فرض بر وی واجب(إلزام آور)است،واجب می باشد به شرط اینکه از مرگ طرف آگاه باشد.

ارکان یا همان فرایض نماز جنازه

نماز جنازه دارای دو رکن است:

تکبیرات چهارگانه؛که هر تکبیر آن به منزله یک رکعت است.

ایستادن؛پس بدون عذر نشسته به جا آوردن نماز جنازه صحت ندارد.

ص:۱۷۲

شرطهای نماز جنازه

خواندن نماز جنازه تنها بر میتی صحت دارد که دارای شروط زیر باشد:

۱اسلامپس خواندن نماز جنازه بر شخص کافر جایز نیست

۲پاکی از نجاسات حقیقی و حکمیپس نماز جنازه بر میت قبل از غسل دادن او جایز نیست

۳حاضر بودن میتپس نماز جنازه بر میت غایب صحت ندارد

۴میت در جلوی روی نمازگزاران قرار بگیردپس نماز جنازه بر میتی که پشت سر نمازگزاران نهاده شده است،صحت ندارد

۵میت را روی زمین قرار بدهندپس اگر میت بدون هیچ عذری بر روی مرکب یا حیوانی حمل بود،نماز بر او جایز نیست

سنت های نماز جنازه

رعایت امور زیر جزو سنتهای نماز جنازه است:

۱.قرار گرفتن امام در برابر سینه میت،خواه مرد باشد و خواه زن؛

۲.خواندن ثناء یعنی:«سُبحَانَکَ اللّهُمّ...»بعد از تکبیر اول؛

۳.درود و صلوات فرستادن بر رسول اکرم صلّی الله علیه و آله بعد از تکبیر دوم؛

۴.دعای مأثور در حق خود و میت و سایر مسلمانان بعد از تکبیر سوم.

ص:۱۷۳

دعای مأثور در نماز جنازه

دعاهای نماز جنازه۱اگر میت چه زن و چه مرد،شخص بالغ بودألّلهُمّ اغفِر لِحَیّنا وَ مَیّتِنَا وَ شَاهِدِنَا وَ غَائِبِنَا وَ صَغِیرِنَا وَ کَبِیرِنَا وَ ذَکَرِنَا وَ انثَانَا،ألّلهمَّ مَن أحیَیتَهُ مِنّا فَاحیِهِ علی الإسلام وَ مَن تَوَفَّیتَهُ مِنّا فَتَوَفَّهُ عَلَی الإیمان

۲اگر میت کودک پسر بودألّلهمّ اجعَلهُ لَنَا فَرَطاً وَ اجعَلهُ لَنَا اجراً و ذُخراً،وَ اجعَلهُ لَنَا شَافِعاً و مُشَفَّعاً

۳اگر میت کودک دختر بودألّلهمّ اجعَلهَا لَنَا فَرَطاً وَ اجعَلهَا لَنَا أجراً وَ ذُخراً وَ اجعَلهَا لَنَا شَافعهً و مُشَفَّعَهً

مستحبات نماز جنازه

۱.نمازگزاران هنگام ادای نماز جنازه در سه صف بایستند حتی اگر تعداد آنان مثلاً هفت نفر باشد؛ (۱)

۲.تعداد صفوف نمازگزاران در نماز جنازه فرد باشد:سه یا پنج یا هفت و مانند آن.

۱- (۱) .بعد از امام سه نفر و بعد دو نفر و بعد یک نفر.

چکیده مطالب

-نماز جنازه فرض کفایی است و بر کسی که نمازهای فرض بر وی واجب است،واجب می باشد؛

-نماز جنازه دارای دو رکن است:تکبیرات چهارگانه و ایستادن؛

-شروط صحت نماز جنازه پنج تاست:اسلام،پاکی،حضور،قرار داشتن در جلوی نمازگزاران و بر روی زمین؛

-نماز جنازه دارای چهار سنّت است؛

-برخی امور از مستحبات نماز جنازه است.

سوالات درس

۱.حکم نماز جنازه چیست؟

۲.ارکان نماز جنازه را نام ببرید؟

۳.شروط صحت نماز جنازه کدامهایند؟

۴.سنت های نماز جنازه را بیان کنید؟

۵.مستحبات نماز جنازه را بنویسید؟

ص:۱۷۵

۳۵-مسائل شهادت و شهید

اشاره

قال الله عز و جل:

وَ لا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ فَرِحِينَ بِما آتاهُمُ اللّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ [آل عمران/۱۶۹-۱۷۰]

هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند،مردگانند!بلکه آنان زنده اند،و نزد پروردگارشان روزی داده می شوند.آنها بخاطر نعمتهای فراوانی که خداوند از فضل خود به ایشان بخشیده است،خوشحالند و بخاطر کسانی که هنوز به آنها ملحق نشده اند(مجاهدان و شهیدان آینده)مژده می دهند،که نه ترسی بر آنهاست،و نه غمی خواهند داشت.

تعریف شهید

شهید کسی است که:

۱.بناحق و ظلم توسط انسان های یاغی و سرکش یا راهزنان یا دزدان کشته شود؛

۲.و یا بخاطر اعلای کلمه الله جهاد نماید و به شهادت برسد.

ص:۱۷۶

انواع شهادت و شهید و احکام آن

شهادت و شهید بر سه نوع است:

۱شهید کاملشهیدی است که احکام آخرت و دنیا هر دو بر او جاری استشرایط شهید کامل:۱)اسلاماحکام:۱)در دنیا:

غسل داده نمی شود،بلکه با لباس و خونش کفن کرده می شود و پس از خواندن نماز جنازه بر او،دفن می گردد

۲)در آخرت:

از اجر و ثواب الهی برخوردار می گردد

\۲)بلوغ

\۳)عقل

\۴)پاک بودن از جنابت و حیض و نفاس

\۵)به مجرد ضربه،مرگ فرا رسد و از خدماتی مانند درمان یا خوردن و آشامیدن بهره مند نگردد

\۶)به کشتن او مال و یا دیه واجب نشود

۲شهید آخرتشهیدی است که حد اقل یکی از شروط شهید کامل-بجز اسلام-را نداشته باشداحکام:مزد و ثواب شهداء را در قیامت می برند اما در دنیا غسل و کفن می شوند

۳شهید دنیاکسی است که جهت دنیا و شهرت و اغراض مادی جهاد می کند و به قتل می رسد و یا منافقی است که در صف مسلمانان با دشمن می جنگد و کشته می شودمثل شهدای کامل غسل و کفن نمی شود و با لباس خونینش بر او نماز جنازه خوانده می شود و دفن می شود،اما از ثواب و پاداش شهدا در قیامت بهره مند نمی گردد

ص:۱۷۷

مصادیق شهید

کسی که در حال دفاع از مال و یا نفس خود و خانواده یا مسلمین یا شخص ذمی کشته شود،شهید کامل به حساب می آید در صورت برخورداری از شروط؛

کسی که در آب غرق شود و یا به آتش بسوزد و یا دیوار بر بالا-یش بیفتد و یا در غریبی بمیرد و یا بخاطر وبا و دیگر بیماریهای واگیر فوت گردد و یا به اسهال شدید و یا ذات الجنب و یا نفاس و یا سل و یا بیهوشی و یا تب و یا گزیدن عقرب و دیگر گزنده ها و یا در حالی که در طلب علم یا تعلیم بود و یا پنج شنبه شب(شب جمعه)و...بمیرد،از جمله شهدای آخرت به حساب می آید.

ص:۱۷۸

چکیده مطالب

-شهید به کسی گویند که بناحق و ظلم توسط انسان های یاغی و سرکش یاراهزنان یا دزدان کشته شود و یا بخاطر اعلای کلمه الله جهاد نماید و به شهادت برسد؛

-شهید بر سه نوع است:۱)شهید کامل؛۲)شهید آخرت؛۳)شهید دنیا،که هر کدام دارای احکام خاصّی می باشند؛

-هر یک از شهدای کامل و آخرت دارای مصادیقی هستند.

سوالات درس

۱.شهید را تعریف کنید؟

۲.اقسام شهید را نام ببرید و هر کدام را تعریف نمایید؟

۳.مصادیق شهدای کامل و آخرت را ذکر کنید؟

ص:۱۷۹

۳۶-روزه(۱)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَیْکُمُ الصِّیامُ کَما کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِنْ قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ [بقره/۱۸۳]

ای آنانی که ایمان آورده اید!روزه بر شما نوشته شده،همان گونه که بر کسانی قبل از شما نوشته شد؛تا پرهیزکار شوید.

تعریف روزه

روزه که معادل عربی آن«صَوم یا صیام»است،در لغت به معنی خودداری نمودن از سخن گفتن و یا غذا خوردن است.در شریعت اسلام،مراد از روزه آن است که مسلمان با قصد و نیت از چیزهایی که باعث افطار می شود(مفطرات)،از طلوع صبح صادق تا غروب خورشید،خودداری نماید.

شروط صحت روزه

روزه ماه مبارک رمضان-چه در ادا و چه در قضا-بر کسی فرض است که دارای شرایط زیر باشد:

ص:۱۸۰

شروط صحت روزه۱بلوغپس روزه بر کودک فرض نیست

۲اسلامبنابر این روزه بر کافر فرض نیست

۳عقلشخص دیوانه مکلَّف بر انجام روزه نیست

نیت روزه

روزه جز با نیت صحیح نمی شودنیت ادای روزه ماه رمضان-نیت روزه نذر معین-نیت روزه نفلنیت این روزه ها باید از هنگام شب تا پیش از نیمه روز(زوال)باشدادای روزه ماه رمضان و روزه نذر

و روزه نفل با مطلق نیت (۱)و نیز

به نیت نفل نیز صحیح می شود

قضای روزه ماه رمضان-قضای روزه نفلی که فاسد شده-روزه کفاره-روزه نذر مطلقبرای این روزه ها باید در شب و تا طلوع صبح صادق نیت کرد و اگر بعد از طلوع بامداد نیت کرده شود،صحیح نیست

انواع روزه

روزه از جهت حکم دارای انواعی است که به شرح زیر می باشد:

انواع روزهفرض عینروزه ماه مبارک رمضان

واجب۱قضای روزه های نافله ای که فاسد و باطل گردیده است

۲روزه نذر؛روزه ای است که مسلمان آن را بر خود به نیت تقرب به خداوند واجب می گردانیده است

۳روزه کفاره ها (۲)

۱- (۱) .مطلق نیت:چنین است که شخص نیت روزه نماید بدون تعیین کردن فرض یا واجب یا نفل بودن روزه را.

۲- (۲) .روزه نـذر و روزه کفـارات نزد برخی از فقهاء فرض است،ولی بنابر نظر محققین از احناف،واجب می باشـد،زیرا مُنکر آن کافر نمی شود.

سنتروزه روز عاشوراء به همراه روز نهم یا یازدهم از محرم

مستحب۱روزه سه روز از هر ماه

۲روزه ایام بیض یعنی ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ از هر ماه

۳روزه روزهای دوشنبه و پنجشنبه در هفته

۴شش روز اول ماه شوال

۵روز عرفه برای غیر حاجی

۶روزه حضرت داود علیه السّلام یعنی یک روز در میان روزه گرفتن

مکروه۱تنها روزه روز عاشوراء بدون پیوستن روز نهم یا یازدهم ماه محرم به آن

۲روزه روز شنبه به تنهایی و بدون پیوستن آن به روزهای دیگر

۳روزه وصال،یعنی بدون افطار روزه گرفتن

حرام۱روز عید فطر

۲روز عید قربان

۳روزهای تشریق یعنی ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ از ماه ذیحجه

ادای روزه بر چه کسی فرض است ؟

ادای روزه فرض می گردد برای:ادای روزه فرض نیست برای:

۱مقیم۱مسافر

۲سالم و تندرست۲مریض

۳زنان پاک از حیض و نفاس۳زن حایض و نفساء(بلکه جایز نیست)

ص:۱۸۲

چکیده مطالب

-روزه در لغت به معنی خودداری نمودن و در شریعت اسلام عبارت از آن است که مسلمان با قصد و نیت،از مفطرات،از طلوع صبح صادق تا غروب خورشید خودداری نماید؛

-روزه دارای انواعی است:فرض عین،واجب،مستحب،مکروه و حرام؛

-شروط صحت روزه عبارتند از:بلوغ،عقل و اسلام؛

-ادای روزه فرض می گردد برای شخص مقیم،سالم و زن پاک از حیض و نفاس؛

-نیت کردن در روزه شرط صحت آن است.

سوالات درس

۱.روزه را از نظر لغت و اصطلاح تعریف کنید؟

۲.انواع روزه را نام ببرید و مصادیق روزه ی واجب را ذکر کنید؟

۳.شروط صحت روزه را بنویسید؟

۴.ادای روزه بر چه کسی فرض است؟

۵.نیت روزه باید کی و چگونه انجام بگیرد؟

۳۷-روزه(۲)

چگونگی ثبوت ماه رمضان

ماه مبارک رمضان با یکی از امور زیر ثابت می شود:

۱.دیدن خود شخص هلال ماه رمضان را(استهلال)؛

۲.گواهی دادن یک مرد یا یک زن عادل بر رؤیت هلال ماه رمضان اگر چنانچه خود شخص به خاطر وجود ابر یا غیر آن در آسمان،به رؤیت نایل نگردد؛

۳.گواهی دادن جمعیتی بزرگ بر رؤیت هلال به گونه ای که از آن،گمان غالب نزدیک به یقین حاصل شود به شرط اینکه آسمان صاف و بی ابر بوده باشد؛

۴.به پایان رسیدن ماه شعبان به تعداد سی روز تمام،اگر چنانچه هلال ماه رمضان رؤیت نشود.

روز شک

روز شک(یومُ الشّکّ)روز بعد از بیست و نهم شعبان است و معلوم نیست که آیا هلال عید در آن طلوع کرده است یا نه.

ص:۱۸۴

حکم روزه گرفتن در روز شک

روزه گرفتن در روز شکمکروه استاگر شخص نیت روزه فرض را کند

اگر شخص مردد میان نیت فرض و نفل باشد

مکروه نیستاگر شخص قاطعانه نیت روزه نفل را نماید

مواردی که روزه باطل نمی شود

مواردی که موجب بطلان روزه نمی شوند به شرح ذیل است:

اموری که روزه را باطل نمی کندفراموشیشخص فراموش کرد که روزه دار است و:۱خورد

\۲آشامید

\۳جماع کرد

استعمالات خارجیشخص روزه دار اشیائی را در ظاهر بدن خود استفاده کرد مثلاً:۱روغن مالیدن بر سر و بدن(بدون چکاندن بر گوش)

\۲سرمه کشیدن

\۳خوشبویی زدن

\۴غسل کردن یا لباس مرطوبی را به تن کردن برای خنک ساختن بدن

\۵روزه دار گوش خود را با وسیله ای خلال کرد و آن وسیله آغشته به چرک گوش گردید،سپس آن را چندین بار بر گوش خود فرو برد

بی اختیاریدر برخی موارد بدون اینکه شخص خواسته باشد،اتفاقاتی افتاد،مثلاً:۱بی اختیار وارد شدن دود در حلق

\۲بدون قصد قبلی وارد شدن غبار غلیظی همچون غبار آسیاب در حلق

\۳داخل شدن مگس به حلق

\۴بالا آمدن قی(چه اندک و چه بسیار)و بدون قصد دو باره پایین رفتن آن

ص:۱۸۵

حدثشخص روزه دار جنب گردیداگر شخص در طول روز جُنب باقی بماند روزه اش نمی شکند اگرچه با این کار مرتکب مکروه تحریمی می شود

خوردندر مواردی خوردن روزه را نمی شکندو آن زمانی است که شخص از میان دندانهایش چیزی را که کمتر از دانه نخود بود،پیدا نمود وخورد

چکیده مطالب

-ماه مبارک رمضان با یکی از امور زیر ثابت می شود:دیدن هلال؛گواهی دادن دیگران؛به پایان رسیدن ماه شعبان؛

-بیست و نهم شعبان را که معلوم نیست آیا هلال عید در آن طلوع کرده است یا نه،روز شک گویند؛

-روزه گرفتن در روز شک در برخی حالتها مکروه است و در برخی دیگر مکروه نیست؛

-در برخی موارد مثل فراموشی،استعمالات خارجی،بی اختیاری،حدث،تزریقات و خوردن(مورد خاص)روزه باطل نمی شود.

سوالات درس

۱.از چه راه های می توان به ثبوت ماه رمضان پی برد؟

۲.روز شک کدام روز است؟

۳.روزه گرفتن در روز شک چه حکمی دارد؟

۴.پنج مورد از مواردی را که در آن روزه باطل نمی شود،ذکر کنید؟

ص:۱۸۷

۳۸-روزه(۳)

مواردی که تنها قضای روزه واجب می گردد

در موارد آتی روزه باطل و به جا آوردن قضای آن واجب می گردد اما کفاره ندارد:

قضای روزه واجب می گردد در حالت های:خوردن و آشامیدنعمداً و قصداًمواد غذایی را خورد البته بخاطر وجود عذر شرعی،مثل:سفر-بیماری-بارداری-شیردهی-حیض و نفاس-بی هوشی-دیوانگی

\اشیایی را خورد که معمولاًـ خورده نمی شود،مثل:آرد-خمیر-نمک بسیار در یک دفعه-پنبه-کاغذ-هسته خرما-گِل اگر چنانچه عادت وی گِل خوردن نبود

\اشیایی را خورد که اصلاً خورده نمی شود،مثل:سنگ-چوب-نقره-طلا-سرب و...

\در میان دندانهایش چیزی از غذا به اندازه نخود یا بزرگتر از آن باقی مانده بود و آن را خورد

اجبار و اکراهتوسط شخصی دیگرشخص روزه دار را وادار و مجبور به خوردن یا آشامیدن بکنند و او تناول نماید

ص:۱۸۸

به خاطر مسأله شخصیروزه دار خود ناچار به خوردن یا آشامیدن شود و بخورد

سهواً و خطاًروزه دار از روی سهو و خطا و به گمان اینکه شب باقی است یا خورشید غروب کرده است،خورد یا آشامید سپس برایش آشکار گردید که صبح طلوع کرده و یا خورشید غروب نکرده است

مسافرتشخص روزه دار مسافرت کرد و بعد از نیت اقامت(یعنی بعد از مقیم شدن)،خورد یا آشامید

شخص روزه دار بعد از آنکه مقیم گردیده بود مسافرت کرد سپس خورد یا آشامید

طبابتداخل کردن دارویی در بینی

جراحتی را در بینی خویش تداوی کرد که در اثر آن دارو به شکمش رسید

جراحتی را در شکم خویش تداوی کرد که در اثر آن دارو به داخل آن رسید

وضو و غسلروزه دار در مضمضه کردن و استنشاق نمودن چنان زیاده روی کرد که آب به سوی شکمش روان گردید

مواردی که هم قضای روزه واجب است و هم پرداخت کفاره

در موارد زیر روزه باطل می گردد و به علاوه قضا باید کفاره نیز پرداخت شود:

۱خوردن غذایی که طبع بدان مایل است و شهوت شکم و گرسنگی با آن برآورده میشود

۲دارویی را بدون عذری شرعی خوردن

۳نوشیدن آب یا مایعاتی دیگر

۴جماع،هم بر فاعل و هم بر مفعول

۵بلعیدن قطرات بارانی که داخل دهان گردیده است

۶استعمال دخانیات

۷خوردن گِل در صورتی که شخص معتاد به خوردن آن بود

ص:۱۸۹

شرطهای وجوب کفّاره

کفّاره تنها در مواردی که شروط زیر محقق گردد،واجب می شود:

۱خوردن یا آشامیدن در حال ادای روزه ماه رمضان باشد؛ (۱)

۲خوردن یا آشامیدن از روی قصد و عمد باشد

۳اجبار و اکراهی در خوردن یا آشامیدن نباشد

۴خوردن و آشامیدن از روی سهو و خطا نباشد

مصادیق کفاره

مصادیق کفاره عبارتند از:

۱.آزاد ساختن برده؛

۲.و اگر برده ای نبود دو ماه پیاپی روزه گرفتن به شرط اینکه در میان آن،روز عیدی یا روزهای تشریق واقع نشود؛

۳.و اگر شخص توانایی دوماه پیاپی روزه گرفتن را نداشت،باید شصت مسکین را طعام بدهد.

۱- (۱) .پس اگر خوردن یا آشامیدن در غیر ماه رمضان یا هنگام قضا آوردن روزه ی این ماه اتفاق بیفتد،کفاره واجب نمی شود.

چکیده مطالب

-در موارد متعددی تنها به جا آوردن قضای روزه واجب می گردد بدون پرداخت کفاره؛

-در برخی موارد هم قضای روزه واجب است و هم پرداخت کفاره؛

-کفّاره تنها در مواردی که شروط مخصوص آن تحقّق یابد،واجب می شود؛

-مصادیق کفاره به ترتیب اولویت عبارت است از آزاد کردن برده،دو ماه پیاپی روزه گرفتن و یا اطعام شصت مسکین.

سوالات درس

۱.هفت مورد از مواردی را که تنها قضای روزه،بدون پرداخت کفاره واجب می گردد،ذکر کنید؟

۲.چهار مورد از مواردی را که هم قضای روزه و هم کفاره واجب می گردد،بیان نمایید؟

۳.شروط وجوب کفاره را بنویسید؟

۴.مصادیق کفاره را به ترتیب اولویت بنویسید؟

ص:۱۹۱

۳۹-روزه(۴)

امور مکروه برای روزه دار

انجام برخی از امور برای روزه دار مکروه است،که عبارتند از:

۱.جویدن چیزی یا چشیدن آن بدون نیاز؛

۲.جمع کردن آب دهان در دهان و سپس بلعیدن آن؛

۳.انجام کارهایی که سبب ضعف و ناتوانی شخص می گردد،مثل حجامت،رگ زدن،حمام سونا و....

امور مستحب برای روزه دار

موارد زیر از مستحبات روزه داری است:

۱.سحر خوردن؛

۲.به تأخیر انداختن سحری؛

۳.بعد از غروب خورشید در افطار تعجیل نمودن؛

۴.قبل از طلوع صبح غسل جنابت کردن اگر جنب شده باشد؛

۵.پرهیز از خشم و غضب و برآشفتگی،دروغ،غیبت،سخن چینی و دشنام دادن و بدزبانی؛

ص:۱۹۲

۶.تا آنجا که امکان دارد زیاد تلاوت کردن قرآن کریم و مشغول شدن به دعاهای مأثوره؛

۷.پرهیز از شهوات نفسانی و جسمانی اگرچه مباح باشد.

مواردی که ترک روزه در آن جایز است

اسلام دین فطرت است و انسان را بیشتر از طاقت و توانش وادار نمی گرداند.بر این اساس،در برخی موارد که ذیلاً بیان می شود،ترک روزه جایز است:

ترک روزه جایز است در حالت های:مریضی۱اگر شخص مریض است

۲یا خوف از طولانی شدن مدت مریضی دارد

۳یا خوف از شدت یافتن مریضی دار

مسافرت۴مسافرتی طولانی که سبب کوتاه شدن نماز می گردد

سختی۵اگر بر کسی گرسنگی یا تشنگی سختی عارض شود و برگمان وی چنین غالب گردد که اگر روزه را نخورد هلاک می شود

۶زنانی که به خاطر بارداری و شیردهی روزه گرفتن برایشان دشواری ها ایجاد می کند

۷کهنسالانی که توانی برای روزه گرفتن ندارند

جنگ۸کسانی که در حال جنگیدن با دشمن هستند

چکیده مطالب

-انجام برخی از امور برای روزه دار مکروه است؛

-برخی از امور جزو مستحبات روزه داری است؛

-در حالت های مریضی،مسافرت،سختی و جنگ ترک روزه جایز است.

سوالات درس

۱.اموری را که برای روزه دار مکروه است برشمارید؟

۲.اموری را که برای روزه دار مستحب است بیان نمایید؟

۳.حالت های را که مجوّز ترک روزه هستند ذکر کنید؟

۴۰-زکات(صدقه)فطر

تعریف زکات فطر

زکات فطر یا صدقه فطر مقدار معینِ مالی است که فرد مسلمان آن را در روز عید رمضان از ملک شخصی خویش برای نیازمندان پرداخت می کند به جهت پاکسازی نفس و جبران آنچه که ممکن است از وی در طول ماه رمضان سر زده باشد.

شروط وجوب زکات فطر

زکات فطر واجب می گردد بر کسی که دارای این شرایط باشد:۱اسلامپس زکات فطر برای غیر مسلمانان واجب نیست

۲آزادیبنابر این زکات برای برده واجب نمی گردد

۳مالک نصاب بودن در زمان طلوع روز عید (۱)یعنی شخص افزون بر قرض و حوائج و نیازمندی های اصلی خود و خانواده خویش،صاحب مال باشد.بنابر این،زکات فطر بر کسی که مالک نصابی افزون بر حوائج اصلی خویش نیست،واجب نمی باشد.حوائج اصلی عبارتند از:مسکن،اثاثیه منزل،لباس،تغذیه،مرکب،آلات و ابزار و وسایل کسب معاش.

۱- (۱) .یعنی شرط نیست که یک سال کامل بر نصاب مال گذشته باشد.

بلوغ و عقل از شروط وجوب زکات فطر به حساب نمی آید،بلکه اگر شخص نابالغ و یا دیوانه مالک نصاب بودند،صدقه فطر از مال آنان توسط اولیائشان پرداخت می شود.

زمان وجوب زکات فطر

زکات فطر در هنگام طلوع صبح روز عید فطر واجب می گردد.

بنابر این،اگر کسی قبل از این وقت مُرد یا فقیر گردید،صدقه فطر بر وی واجب نیست.

همچنین اگر کسی بعد از طلوع فجر متولّد یا مسلمان شد،صدقه بر او واجب نیست.

پرداخت زکات فطر قبل یا بعد از طلوع فجر روز عید جایز است،اما مستحب است که آن را قبل از خارج شدن به سوی مصلّی،از مال خویش بیرون آورد.

زکات فطر،به نیابت از چه کسی ؟

پرداخت زکات فطرواجب استاز طرف خود

از طرف فرزندان صغیرِ فقیر خویش

از طرف فرزندان کبیرِ فقیرِ دیوانه ی خویش

واجب نیستاز طرف زن خویشاما اگر به صورت داوطلبانه از طرف زن خویش پرداخت کند جایز است

از طرف فرزندان کبیرِ فقیر خویشاما اگر به صورت داوطلبانه از طرف فرزندان کبیرِ فقیر خویش که عاقل هستند،پرداخت کند جایز است

ص:۱۹۶

مصداق،مقدار و مصارف زکات فطر

مصادیق زکات فطر:بر اساس نصوص شرعی،مصادیق زکات(اموال زکوی)فطر عبارتند از:۱.گندم؛۲.جو؛۳.خرما؛۴.کشمش.

پرداخت زکات فطر از غلّه جاتی دیگر جایز است و باید مقداری را که معادل قیمت مصادیق اصلی زکات است،از غله جات بیرون آورد.

بهتر است قیمت زکات فطر به پول نقد پرداخت شود،زیرا این کار نفع بیشتری برای فقراء دارد.

مقدار زکات فطر:زکات فطر برای یک نفر،مقدار نصف صاع از گندم یا آرد آن،و مقدار یک صاع از جو یا خرما یا کشمش می باشد.

هر صاعی برابر است با ۳ کیلو و ۶۰۰ گرم،که با این حساب نصف آن می شود:۱ کیلو و ۵۳۰ گرم.

مصارف زکات فطر:مصارف زکات فطر همان مصارف زکات است که به زودی در مبحث«زکات»بیان خواهد شد.

ص:۱۹۷

چکیده مطالب

-زکات فطر مالی است که مسلمانان آن را در روز عید رمضان از ملک شخصی خویش برای نیازمندان پرداخت می کنند؛

-صدقه فطر بر کسی واجب می گردد که دارای اسلام،آزادی و مالک نصاب باشد؛

-زکات فطر در هنگام طلوع صبح روز عید فطر واجب می گردد؛

-پرداخت زکات فطر واجب است از طرف خود،از طرف فرزندان صغیرِ فقیر خویش و از طرف فرزندان کبیرِ فقیرِ دیوانه ی خویش؛

-مصادیق زکات فطر عبارتند از:گندم،جو،خرما و کشمش،اما می توان از غلّه جاتی دیگر و نیز قیمت آن را به پول نقد پرداخت کرد؛

-زکات فطر برای یک نفر،مقدار نصف صاع از گندم یا آرد آن،و مقدار یک صاع از جو یا خرما یا کشمش می باشد.

سوالات درس

۱.منظور از زکات فطر چیست؟

۲.زکات فطر بر چه کسی واجب است؟

۳.زمان وجوب زکات فطر کی است؟

۴.پرداخت زکات فطر از طرف چه کسانی واجب است و به نیابت از چه اشخاصی واجب نیست؟

۵.مصادیق زکات فطر کدامها هستند و آیا می توان پول آن را پرداخت نمود؟

۶.مقدار زکات فطر برای یک نفر چه مقدار است؟

ص:۱۹۸

۴۱–اعتکاف

تعریف اعتکاف

اعتکاف از اصطلاحات فقه اسلامی و به معنی«ماندن در یکی از مساجد جامع با قصد و نیت عبادت و بندگی خدا»است و از جمله عبادت هایی است که سابقه تاریخی فراوانی دارد.

انسان به دنبال سعادت و کمال است و برای رسیدن به این هدف نیازمند پرورش جان و روان اش است،که خلوت و راز و نیاز با دوست و هم کلامی و مناجاتی شیرین و زیبا با او در قالب اعتکاف،از راه های آن است.اعتکاف یکی از اعمالی است که سرآمد دیگر عبادات محسوب می گردد و بسیاری از پیامبران و موحدان برای راز و نیاز با خداوند و تهذیب نفس و تقویت روح به مدت طولانی در نقطه ای معین و به دور از زندگی مادی اقامت می گزیدند.

انواع اعتکاف

اعتکاف بر سه نوع است ۱واجباعتکافی است که نذر شده باشد،پس هر کس نذر کرد که در اعتکاف بنشیند،اعتکاف بر او واجب می شود

۲سنّتاعتکاف دهه اخیر ماه مبارک رمضان

۳مستحباعتکاف غیر نذری و در غیر دهه اخیر ماه رمضان

ص:۱۹۹

مدت اعتکاف

مدت اعتکاف بر حسب انواع آن مختلف است:

مدت اعتکافاعتکاف واجبمدت اعتکاف واجب همان مقداری است که هنگام نذر کردن،شخص تعیین می کند

اعتکاف سنّتمدت اعتکاف سنت ده روز یعنی دهه اخیر ماه رمضان است

اعتکاف مستحبکمترین مدت اعتکاف مستحبی یک لحظه زمانی است اما بیشترین مدت آن حدی ندارد

شرط صحت اعتکاف

اعتکاف صحیح نمی شود مگر اینکه:

۱.در مسجدی که دارای نماز جماعت است برگزار گردد؛

۲.همراه با روزه باشد البته برای اعتکاف نذری(اعتکاف واجب)،اما برای اعتکاف مستحب،روزه گرفتن شرط نیست.

مبطلات اعتکاف

امور زیر اعتکاف را باطل می کند:

۱.بدون عذر خارج شدن از مسجد؛

۲.عارض شدن خون حیض و نفاس؛

۳.جماع و یا مقدمات آن،مثل بوسه و لمس و بازی.

عذرهای مباح کننده ی خروج از مسجد

در برخی از موارد به خاطر وجود عذری،خارج شدن از مسجد جایز می گردد:

عذرهای مباح کننده ی

خروج از مسجد۱عذر طبیعیخارج شدن از مسجد برای قضای حاجت و یا انجام غسل جنابت

۲عذر شرعیخروج به قصد شرکت در نماز جمعه اگر در مسجدی که در آن معتکف است جمعه برگزار نمی شود،و یا دفن و کفن و تشییع جنازه در صورت انجام نگرفتن این امور توسط دیگران

۳عذر ضروریخوف از دست دادن جان و مال و عِرض در صورت ماندن در مسجد

برخی احکام

لازم به ذکر است که در مسجد هنگام اعتکاف حرف های خوب زدن و صحبت های دلنشین کردن مستحب است و در سکوت به سر بردن کراهیت دارد؛

معتکف می تواند مشغول خرید و فروش شود،البته بدون حاضر کردن کالا و مال فروشی.

ص:۲۰۱

چکیده مطالب

-اعتکاف عبادتی است که شخص،با قصد و نیت در مسجدی که نماز جماعت در آن بر گزار می شود،درنگ کند؛

-اعتکاف بر سه نوع است:واجب،سنّت و مستحب؛

-هر یک از انواع اعتکاف مدت زمان به خصوصی دارد؛

-شرط صحت اعتکاف:حضور در مسجد و روزه گرفتن(برای اعتکاف واجب)؛

-مبطلات اعتکاف عبارتند از:خروج از مسجد،خون حیض و نفاس دیدن و جماع؛

-عذرهای مباح کننده ی خروج از مسجد عبارتند از:عذر طبیعی،عذر شرعی و عذر ضروری.

سوالات درس

۱.اعتکاف چه نوع عبادتی است؟آن را تعریف کنید.

۲.اعتکاف بر چند نوع است و مدت زمان هر کدام را بنویسید؟

۳.شروط صحت اعتکاف را بیان نمایید؟

۴.مبطلات اعتکاف را بنویسید؟

۵.عذرهای مباح کننده ی خروج از مسجد را ذکر کنید؟

ص:۲۰۲

۴۲-زکات

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

وَ آتُوا الزَّکاهَ

و زکات بپردازید[مزمل/۲۰]

وَ الَّذِینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّهَ وَ لا یُنْفِقُونَها فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلِیمٍ

و کسانی را که طلا و نقره را گنجینه می سازند،و در راه خدا انفاق نمی کنند،به مجازات دردناکی بشارت ده[توبه/۳۴]

معنای زکات و حکم آن

معنای لغوی:زکات در لغت به معنای«افزایش»،«پاکی»و«مدح»است.

معنای اصطلاحی:زکات در اصطلاح شرع و فقه عبارت است از مقداری از مال که با کیفیت مخصوصی (۱)به خاطر پاک نمودن اموال و ثروت،در راه خدا به افراد مستحق داده می شود.

حکم زکات:حکم پرداخت زکات برای کسی که دارای شرایط مخصوص آن است،فرض می باشد.

ص:۲۰۳

۱- (۱) .منظور از«کیفیت مخصوص»آن است که آن مال باید برخی از شرایط را دارا باشد و موانعی در کار نباشد.

موارد زکات

زکات دارای انواعی است:۱.زکات حیوانات چرنده۲.زکات محصولات کشاورزی و میوه ها

۳.زکات معادن و رکاز۴.زکات طلا و نقره

۵.زکات عروض

مصارف زکات

مطابق نصّ قرآن کریم، (۱)مواردی که باید زکات در آن صرف شود،عبارتند از:

۱فقیربه کسی گویند که مالک کمتر از نصاب است

۲مسکینکسی است که اصلاً مالک چیزی نیست

۳عاملبه کسی گویند که به جمع آوری زکات و عشر می پردازد و از طرف حاکم شرع به این امر منصوب شده است

۴مؤلّفه قلوبهمکسانی که برای جلب توجهشان به دین اسلام و یا دفع ضررشان از مسلمانان،باید دل آنان را به دست آورد(حکم این گروه منسوخ است)

۵رقاببردگان مکاتَب (۲)

۶غارِمکسی است که بر ذمه اش قرضی است و اگر پرداخت کند مالک نصاب کامل نمی شود

۷سبیل اللهآنان که در راه خدا جهاد و یا تحصیل علم می کنند و حاجیانی که به قصد انجام فریضه حج بیرون آمده اند اما به خاطر اینکه هزینه های سفرشان تمام شده است،از رسیدن به بیت الله عاجز مانده اند

۸ابن السبیلمسافر در راه مانده،هرچند در منزلش مالی که در حد نصاب است داشته باشد

ص:۲۰۴

۱- (۱) . إِنَّمَا الصَّدَقاتُ لِلْفُقَراءِ وَ الْمَساكِينِ وَ الْعامِلِينَ عَلَيْها وَ الْمُؤَلَّفَهِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقابِ وَ الْغارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَهً مِنَ اللّهِ وَ اللّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ سوره توبه آیه ۶۰.

۲- (۲) .مکاتب:برده ای است که صاحبش با او قرارداد بسته است که مبلغ معینی را در مدت معین بیاورد تا آزاد شود.

موارد ممنوع برای صرف زکات

جایز نیست صرف کردن زکات برای۱کافر

۲ثروتمند

۳بنی هاشم و آزادکردگان ایشان

۴اصول خویش یعنی پدر و پدربزرگ و مادر و مادربزرگ هر مقدار که بالا رود

۵فروع خویش یعنی فرزند و فرزند فرزند هرمقدار که پایین رود

۶همسر خویش

۷بنای مسجد یا مدرسه یا هموارسازی راه یا ساختن پل

۸تکفین میت و پرداخت قرض وی

ص:۲۰۵

چکیده مطالب

-زکات که به معنای افزایش است،در اصطلاح شرع عبارت است از مقداری از مال که با کیفیت مخصوصی در راه خدا به افراد مستحق داده می شود و حکم آن فرض است؛

-زکات دارای انواعی است؛

-مصارف زکات هشت مورد است؛

-در برخی موارد صرف زکات جایز نیست.

سوالات درس

۱.زکات در لغت و اصطلاح به چه معنا است و حکم آن چیست؟

۲.انواع زکات را نام ببرید؟

۳.مصارف زکات را بیان کنید؟

۴.مواردی را که صرف زکات جایز نیست،ذکر نمایید؟

ص:۲۰۶

۴۳-شروط زکات

شروط فرض گردیدن زکات

گذشت که پرداخت زکات برای کسی که دارای شرایط است،فرض می باشد.هم اکنون به این شروط که در قالب جدول زیر بیان شده است،توجه نمایید:

زکات در صورت وجود این شرایط فرض می گردد:۱اسلامپس زکات بر کافر و مرتد فرض نیست

۲آزادیزکات بر برده فرض نیست

۳بلوغزکات بر کودک فرض نیست

۴عقلپس زکات بر دیوانه فرض نیست

۵داشتن ملکیت تامیعنی این که مال مملوک شخص و در دست آن باشدپس اگر شخص مالک چیزی گردید که هنوز آن را دریافت نکرده(مانند مهر زن قبل از دریافت آن)و یا مالی دریافت نمود که مالک آن نیست(مثل قرض یا امانت)زکات بر وی فرض نمی گردد

۶نصاب مالحد اقل مقداری از مال است که با وجود آن زکات بر مال تعلق می گیرد

۷افزون بودن مال بر حاجات اصلیپس منزل مسکونی،اثاثیه منزل،لباسهای مورد استفاده،کتابهای علمی غیر تجاری،چهارپایان سواری،سلاح های مورد استفاده،آلات و ابزار کاری که وسیله کسب معاش است زکات ندارد

۸فراغت مال از قرضشخص نباید بده کار باشد به گونه ای که وام او تمام مالش را بپوشاند یا از حد نصاب کم کند

۹رشدکننده(نامی)بودن مالرشدکننده حقیقی،مثل چهارپایان

\رشدکننده تقدیری،مثل طلا و نقره (۱)چه به صورت مسکوک و غیر مسکوک و یا به شکل زیورآلات یا ظروف و وسایل

شرط وجوب ادای زکات

شرط وجوب ادای زکات عبارت است از:

سپری شدن یک سال قمری بر نصاب مال.

مراد از سپری شدن یک سال کامل این است که نصاب مال در دو طرف سال کامل باشد،چه در اثنای سال کامل باقی مانده باشد یا نه.بنابر این:

۱.اگر شخص در اول سال مالک نصاب کامل بود و تا آخر سال این نصاب همچنان کامل ماند،زکات در آن واجب می گردد.

۲.اگر نصاب در اول سال کامل بود و در اثنای سال ناقص گردید،آنگاه در آخر سال نصاب دوباره کامل شد،باز هم زکات در آن واجب است.

۱- (۱) .زیرا طلا و نقره در معاملات اقتصادی به عنوان دو جنس نموّکننده مطرح است.

شرط صحت ادای زکات

شرط صحت ادای زکات عبارت است از:

نیت پرداخت زکات به فقیر.

نیت پردخت زکات به فقیر در موارد زیر لازم است:

۱.هنگام پرداختِ زکات،بی واسطه به فقیر؛

۲.هنگام دادن زکات به وکیلی که آن را در میان مستحقّان توزیع می کند؛

۳.هنگام کنار گذاشتن زکات از سرجمع مال خویش.

ص:۲۰۹

چکیده مطالب

-زکات فرض می گردد در صورت وجود این شروط:اسلام،آزادی،بلوغ،عقل،داشتن ملکیت تام،نصاب مال،افزون بودن مال بر حاجات اصلی،فراغت مال از قرض،رشدکننده(نامی)بودن مال؛

-شرط وجوب ادای زکات عبارت است از:سپری شدن یک سال قمری بر نصاب مال؛

-شرط صحت ادای زکات عبارت است از:نیت پرداخت زکات به فقیر.

سوالات درس

۱.شروط فرض گردیدن زکات را بنویسید؟

۲.شرط وجوب ادای زکات چیست؟

۳.شرط صحت ادای زکات را بنویسید؟

ص:۲۱۰

۴۴-نصاب زکات(۱)

حیوانات چرنده

منظور از چرنـده بودن،حیواناتی انـد مانند شتر و گاو و گوسـفند،که بیشتر از نصف سال را به چریدن در صـحراء و علفزارهای مباح(قابل استفاده برای عموم)سپری می کنند و صاحبشان به آنها جز به ندرت علف نمی دهد.

بنابر این،زکات واجب نمی گردد برای:

۱.حیواناتی که کمتر از نصف سال را بچرند؛

۲.حیواناتی که جهت کارهای کشاورزی،شخم زنی،خرمن کوبی و باربری نگهداری می شوند.

نصاب زکات حیوانات چرنده

۱.زکات شتر

ردیفنصابمقدار زکات واجب

۱کمتر از ۵ شترزکات ندارد

۲از ۵ تا ۹ شتر۱ گوسفند

۳از ۱۰ تا ۱۴ شتر۲ گوسفند

ص:۲۱۱

۴از ۱۵ تا ۱۹ شتر۳ گوسفند

۵از ۲۰ تا۲۴ شتر۴ گوسفند

۶از ۲۵ تا ۳۰ شتر۱ بنت مخاض:شتری که یک سالش کامل شده و وارد سال دوم گشته

۷از ۳۶ تا ۴۵ شتر۱ بنت لبون:شتری که دو سالش کامل شده و وارد سال سوم گشته

۸از ۴۶ تا ۶۰ شتر۱ حِقّه:شتری که سه سالش کامل شده و وارد سال چهارم گشته

۹از ۶۱ تا ۷۵ شتر۱ جذعه:شتری که پنج سالش کامل شده و وارد سال ششم گشته

۱۰از ۷۶ تا ۹۰ شتر۲ بنت لبون:شتری که دو سالش کامل شده و وارد سال سوم گشته

۱۱از ۹۱ تا ۱۲۰ شتر۲ حقه:شتری که سه سالش کامل شده و وارد سال چهارم گشته

هر گاه تعداد شترها(نصاب)به ۱۲۰ برسد،زکات از سر گرفته می شود،بدین صورت که در فاصله بین ۱۲۰ تا ۱۴۰ شتر،در هر پنج شتر یک گوسفند است به همراه دو حقه(شتری که وارد سال چهارم شده)و در فاصله بین ۱۴۵ تا ۱۴۹ شتر،دو حقه و یک بنت مخاض است.توجه فرمایید:

۱۲۰۱۲ قدّس سره ۲۵ حِقه و ۱ گوسفند

۱۲۰۱۳ قدّس سره ۲۱۰ حِقه و ۲ گوسفند

۱۲۰۱۴ قدّس سره ۲۱۵ حِقه و ۳ گوسفند

۱۲۰۱۵ قدّس سره ۲۲۰ حِقه و ۴ گوسفند

۱۲۰۱۶ قدّس سره ۲۲۵ حِقه و ۱ بنت مخاض

۱۷از ۱۴۵ تا ۱۴۹

۱۸در ۱۵۰ شتر۳ حِقه:شتری که سه سالش کامل شده و وارد سال چهارم گشته

هر گاه تعداد شترها(نصاب)به ۱۵۰ برسد،زکات از سر گرفته می شود،بدین صورت که در فاصله بین ۱۵۰ تا ۱۷۵ شتر،در هر پنج شتر یک گوسفند است به همراه سه حقه(شتری که وارد سال چهارم شده)و در فاصله بین ۱۷۵ تا ۱۹۶ نیز زکات فرق دارد،که هم اکنون توجه فرمایید:

۱۵۰۱۹ قدّس سره ۳۵ حِقه و۱ گوسفند

۱۵۰۲۰ قدّس سره ۳۱۰ حقه و ۲ گوسفند

۱۵۰۲۱ قدّس سره ۳۱۵ حقه و ۳ گوسفند

۱۵۰۲۲ قدّس سره ۳۲۰ حقه و ۴ گوسفند

۱۵۰۲۳ قدّس سره ۳۲۵ حقه و ۱ بنت مخاض

۱۵۰۲۴ قدّس سره ۳۳۶ حقه و ۱ بنت لبون

۲۵از ۱۸۶ تا ۱۹۶

۲۶از ۱۹۶ تا ۴۲۰۰ حقه

هرگاه تعداد شتران از این حد یعنی ۲۰۰ شتر زیادتر گردید،زکات دوباره از سر گرفته می شود همان طور که در ۵۰ شتر بعد از ۱۵۰ شتر از سر گرفته شد.

۲.زکات گاو

ردیفنصابمقدار زکات واجب

۱کمتر از ۳۰ گاوزکات ندارد

۲از ۳۰ تا ۳۹ گاو۱ تبیع یا تبیعه:گاو نر یا ماده ای که وارد سال دوم گردیده

۳در ۴۰ گاو۱ مسن یا مسنه:گاو نر یا ماده ای که وارد سال سوم شده

هر گاه تعداد گاوها از ۴۰ بیشتر باشد،به نظر امام ابو حنیفه رحمه الله تا ۶۰ گاو،زکات به حساب آن است،یعنی در ۱ گاو،یک حصه از چهل حصه یک گاو ماده سه ساله است،و در دو گاو،نصف آن،یعنی یک حصه از بیست حصه گاو ماده سه ساله است،و در سه گاو،سه حصه از چهل حصه یک گاو ماده سه ساله است.اما به نظر امام ابو یوسف و محمد(رهما)زاید بر ۴۰ گاو تا ۵۹ گاو چیزی تعلّق نمی گیرد(به ادامه بحث توجه فرمایید:)

۴از ۶۰ تا ۶۹ گاو۲ تبیع یا تبیعه

۵از ۷۰ تا ۷۹ گاو۱ مسنه به همراه ۱ تبیع

۶از ۸۰ تا ۸۹ گاو۲ مسنه

۷از ۹۰ تا ۹۹ گاو۳ تبیعه

۸در ۱۰۰ گاو۲ تبیع به همراه ۱ مسنه

۹بیش از ۱۰۰ گاوبه همین ترتیب،زکات،با افزوده شدن هر ۱۰ گاو،از ۱ تبیع به ۱ مسنه تغییر می کند.توجه فرمایید:

۱۰در ۱۱۰ گاو۲ تبیع به همراه ۲ مسنه

۱۱در ۱۲۰ گاو۳ تبیع به همراه ۲ مسنه

۱۲در ۱۳۰ گاو۳ تبیع به همراه ۳ مسنه

۱۳در ۱۴۰ گاو۴ تبیع به همراه ۳ مسنه

۱۴در ۱۵۰ گاو و....۴ تبیع به همراه ۴ مسنه و.....

۳.زکات گوسفند

ردیفنصابمقدار زکات واجب

۱کمتر از ۴۰ گوسفندزکات ندارد

۲از ۴۰ تا ۱۲۰ گوسفند۱ گوسفند

۳از ۱۲۰ تا ۲۰۰ گوسفند۲ گوسفند

۴از ۲۰۱ تا ۳۳۹۹ گوسفند

۵در ۴۰۰ گوسفند۴ گوسفند

۶بیش از ۴۰۰ گوسفنددر هر ۱۰۰ عدد گوسفند،یک گوسفند

توجه:زکات زمانی به شتر و گاو و گوسفند تعلُّق می گیرد که یک سال کامل قمری بر آنها گذشته و وارد سال دوم شده باشند.

ص:۲۱۴

چکیده مطالب

-چرنده در مبحث زکات،حیوانی است که بیشتر از نصف سال را در صحراء بچرد و صاحبش به آن جز به ندرت علف ندهد؛

-هر یک از شتر و گاو و گوسفند چندین نصاب دارد که با توجه به هر کدام،مقدار زکات آن نیز متفاوت خواهد بود؛

-زکات زمانی تعلق می گیرد که یک سال قمری کامل بر حیوانات گذشته باشد.

سوالات درس

۱.منظور از حیوانات چرنده چیست و شرایط عامّ تعلق گرفتن زکات به آنها کدام است؟

۲.کمترین حدّ نصاب شتر،گاو و گوسفند که زکات به آن تعلق می گیرد،کدام است؟

۳.زکات در چه سِنّی برای حیوانات تعلق می گیرد؟

ص:۲۱۵

۴۵-نصاب زکات(۲)

نصاب زکات در محصولات کشاورزی و میوه ها

محصولات کشاورزی و میوجات نصاب معینی ندارنـد.بنا بر این،هر آنچه که زمین رویانـد دارای زکات است (۱)چه کم باشد و چه زیاد و چه سال بر آن گذشته باشد یا نه.

زمین کشاورزی دارای انواعی است و مقدار زکات در هر کدام متفاوت می باشد.به جدول زیر توجه فرمایید:

ص:۲۱۶

۱- (۱) .به جز هیزم و نی و علف.

زمین زراعی و کشاورزی(یک دهم:۱۰٪یا نصف عُشر یعنی یک بیستم:۵٪)زمین عُشری بر دو قسم است:۱.زمینی که با آب آسمان و نهرها و دریاها سیراب می شودزکات در این زمین ها بر اساس نصاب عشر یعنی یک دهم:۱۰٪پرداخت می شود

۲.زمینی که با دَلو سیراب می شودزکات در این زمین ها نصف عشر یعنی یک بیستم(۵٪)استقبل از پرداخت نصف عشر نباید اجرت آب دادن و مزد کارگر و دیگر مصارف جانبی محصول را جدا کرد

۲زمین خراجیزکات ندارد بلکه به خراج آن اکتفا می شود

نصاب زکات معادن و رکاز

معدن:شامل فلزاتی می شود که ذوب گردد و در آتش گداخته شود،مانند طلا،نقره،آهن،مس،و سرب.مایع معدنی مثل سیماب نیز در حکم معدن است.

رکاز:یعنی گنج و منظور دفینه زمان جاهلی است،به عبارتی دیگر رکاز هر نوع مال با ارزشی است که از زمان قبل از اسلام در زیر زمین به جا مانده است.

نصاب زکات معادن و رکاز:معادن و رکاز نصاب تعیین شده ای ندارند،بلکه هر مقدار از آن که استخراج و کشف گردد،زکات به آن به مقدار یک پنجم(خُمس)یعنی ۲۰٪تعلق می گیرد.

ص:۲۱۷

نصاب زکات طلا و نقره

نصاب طلا:بیست مثقال است که تقریباً بین ۸۶ تا ۹۲ گرم محاسبه می گردد؛

نصاب نقره:دویست درهم است که تقریباً معادل ۵۹۵ تا ۶۰۰ گرم می باشد.

مقدار زکات طلا و نقره:مالک نصاب طلا و نقره،باید یک چهلم یعنی ۲.۵٪(ربع عُشر)آن را پرداخت نماید.

مالک نصاب اختیار دارد۱اگر خواست در زکات طلا و نقره قطعه ای از آن را بر اساس وزن خارج گرداند

۲اگر خواست مقدار زکات را بر اساس قیمت جاری روز بیرون نماید

۳اگر خواست کالا یا مال پیمانه یا وزن شده را به حساب قیمت،به جای زکات طلا و نقره پرداخت نماید

زکات عروض

عُرُوض جمع عَرض است و منظور از آن در اینجا کالاهای تجاری است که به قصد سود و تجارت،مورد خرید و فروش و معامله قرار می گیرد.

به جدول زیر توجه فرمایید:

نصاب زکات عروضنصاب زکات کالاهای تجاری همان نصاب طلا و نقره است که به ترتیب عبارت اند از ۲۰ مثقال و ۲۰۰ درهم.یعنی هر وقت مقدار کالاهای تجاری به یکی از این دو حد برسد،زکات بر آن تعلق می گیرد.

مقدار زکات عروضمقدار واجب ادای زکات در کالای تجاری همان مقدار واجب زکات طلا و نقره،یعنی ۲.۵٪(ربع عُشر)است

شروط وجوب زکات برای عروض۱مالکِ کالاها نیت تجارت با آن را داشته باشد

۲کالاها به حد نصاب طلا یا نقره رسیده باشد

ص:۲۱۸

چکیده مطالب

-به هر مقدار از محصولات کشاورزی زکات تعلق می گیرد،البته بستگی به نوع زمین کشاورزی دارد که مقدار زکات در هر کدام از آن،متفاوت است؛

-معادن،مثل طلا،نقره،آهن،سرب،مس و رکاز یعنی گنجی که از زمان قبل از اسلام در زیر زمین به جا مانده است،نصاب تعیین شده ای ندارند و به هر مقدار از آن یک پنجم یعنی ۲۰٪زکات تعلق می گیرد؛

-نصاب طلا تقریباً بین ۸۶ تا ۹۲ گرم و نصاب نقره تقریباً معادل ۵۹۵ تا ۶۰۰ گرم می باشد و مقدار زکات آنها یک چهارم یعنی ۲.۵٪می باشد؛

-هر گاه مقدار کالاهای تجاری به حد نصاب طلا و یا نقره برسد،زکات در آن به اندازه ۲.۵٪تعلق می گیرد.

سوالات درس

۱.نصاب زکات در محصولات کشاورزی چه مقدار است،یعنی به چه مقدار از محصولات کشاورزی زکات تعلّق می گیرد؟

۲.نصاب زکات در معدنها و رکاز(گنجها)چه قدر است و زکاتِ آن چه مقدار است؟

۳.نصاب زکات در طلا و نقره چه قدر است و زکاتِ آن چه مقدار است؟

۴.نصاب زکات کالاهای تجاری چه قدر است و زکاتِ آن چه مقدار است؟

ص:۲۱۹

۴۶-حجّ (۱)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

...وَ لِلّهِ عَلَی النّاسِ حِجُّ الْبَیْتِ مَنِ اسْتَطاعَ إِلَیْهِ سَبِیلاً وَ مَنْ کَفَرَ فَإِنَّ اللّهَ غَنِیٌّ عَنِ الْعالَمِینَ [آل عمران/۹۷]

و برای خـدا بر مردم است که آهنگ خانه(او)کننـد،آنها که توانایی رفتن به سوی آن را دارنـد.و هر کس کفر ورزد(و حج را ترک کند)،خداوند از همه جهانیان،بی نیاز است

تعریف حج

حج در لغت به معنای قصد کردن کاری بزرگ است و در اصـطلاح شـریعت عبارت است از:به جا آوردن یک سلسله عبادات به هم مرتبط در اماکن مخصوص و وقت های خاصّ به وجهی ویژه.

حکم حج

حج،در طول عمر هر مسلمانی که دارای شرایط است،یک بار به صورت عینی فرض می گردد.

ص:۲۲۰

شروط فرض گردیدن حج

فرض گردیدن حج متوقف بر فراهم شدن شروط زیر است:

شروط فرض گردیدن حج۱اسلامپس بنابر این،حج برای این افراد فرض نمی باشد:کافر

۲بلوغکودک

۳عقلدیوانه

۴آزادیبرده

۵استطاعتناتوان و غیر مستطیع

استطاعت عبارت است از اینکه شخص افزون بر نفقه خانواده خویش،در مدت غیاب خویش مالک توشه و مرکب راه در رفت و برگشت باشد

شروط وجوب ادای حج

ادای حج واجب نمی گردد (۱)مگر با وجود این شروط:

شروط وجوب ادای حج۱سلامت بدنپس حج برای شخص فلج و پیرمرد و پیرزنی که قدرت بر مسافرت ندارند و نیز شخصی که بخاطر مریضی زمینگیر شده است،واجب(فرض)نمی باشد

۲برطرف شدن آنچه که مانع از رفتن به حج استپس حج برای شخص زندانی و کسی که بیم این دارد که او را از رفتن به حج منع کند،واجب نیست

۳ایمن بودن راهدر صورت خوفناک بودن راه،حج واجب نمی شود

۴همراه شدن محرم برای زندر صورت عدم وجود محرم،حج بر زن واجب نمی گردد

۵عدم حالت عده برای زناگر زن در حالت عده طلاق و یا عده وفات شوهر به سر می برد،حج بر او واجب نیست

۱- (۱) .یعنی فرض نمی گردد.

شروط صحت ادای حج

ادای حج تنها با تحقق شروط زیر صحیح می شود:

شروط صحت ادای حج۱احرامعبارت است از:۱.نیّت حج

\۲.گفتن تلبیه از میقاتگاهتلبیه:لبّیک اللّهم لبّیک،لبّیک لا شریک لک لبّیک،إنّ الحمدَ و النعمه لک و المُلک،لا شریک لکَ

\۳.پوشیدن جامه دوخته نشده بجای دوخته شده

۲وقت مخصوصحج باید در ایام و ماههای مخصوص انجام بگیرد که عبارت است از:۱.شوّال

۲.ذی القعده

۳.ده روز از ماه ذیحجهحج در غیر این ایام صحت ندارد

۳اماکن مخصوصعبارتند از:۱.سرزمین عرفات برای وقوف

\۲.مسجد الحرام برای طواف

ص:۲۲۲

چکیده مطالب

-حج در لغت به معنای قصد کردن کاری بزرگ و در اصطلاح عبارت است از:به جا آوردن یک سلسله عبادات به هم مرتبط در اماکن مخصوص و وقت های خاصّ به وجهی ویژه؛

-حج،در طول عمر هر مسلمانی که دارای شرایط است،یک بار به صورت عینی فرض می گردد؛

-فرض گردیدن حج متوقف بر شروط آتی است:اسلام،بلوغ،عقل،آزادی و استطاعت؛

-شروط وجوب ادای حج عبارتند از:سلامت بدن،رفع موانع راه،ایمن بودن راه،وجود محرم با زن و عدم حالت عده برای زن؛

-شروط صحت ادای حج عبارتند از:احرام،وقت مخصوص و اماکن خاصّ.

سوالات درس

۱.حج را تعریف کنید؟

۲.حکم حج کدام است؟

۳.شروط فرض گردیدن حج را بنویسید؟

۴.شروط وجوب ادای حج را نام ببرید؟

۵.شروط صحت ادای حج را ذکر کنید؟

۴۷-حج(۲)

تعریف عمره

«عمره»در لغت به معنای زیارت مکانی آباد و در اصطلاح شرع به معنای زیارت خانه خدا با بجا آوردن مناسک و برنامه های خاص آن است.

اقسام حج و عمره

عمره و حج دارای اقسامی اند که در جدول زیر بیان شده است:

اقسام حج و عمرهاقسام حج۱حجّ افرادعبارت است از آنکه شخص،نخست مناسک و مراسم حج را بجا آورد و پس از اتمام حج به قصد«عمره» (۱)احرام ببندد و مناسک خاص آن را به پایان برساند

۲حجّ تمتّععبارت است از آنکه شخص در ایام و ماههای ویژه حج(شوال،ذیقعده و ده روز ذیحجه)نخست مناسک«عمره»و سپس مناسک حج را با دو احرام بجا آورد

۳حجّ قرانبه معنای جمع احرام عمره و حج در یک سفر است،یعنی شخص از میقات،برای عمره و حج هر دو،احرام ببندد

ص:۲۲۴

۱- (۱) .«عمره»در لغت به معنای زیارت مکانی آباد و در اصطلاح شرع به معنای زیارت خانه خدا با بجا آوردن مناسک و برنامه های خاص آن است.

اقسام عمره۱عمره مفردهعمره مفرده به لحاظ زمانی مستقل از حج است و در تمام مدّت سال می توان مراسم آن را بجا آورد و حکم عمره مفرده سنت مؤکده است اگر چنانچه شرطهای وجوب ادای حج فراهم گردد

۲عمره تمتععبارت است از بجا آوردن مراسم«عمره»قبل از مراسم حج

فرایض(ارکان)حج

۱احراماحرام در لغت به معنای منع است و در شرع به معنای حرام گردانیدن چند چیز و واجب نمودن چند چیزی دیگراگر یکی از این فرایض ترک شود،حج باطل می شود

۲وقوف در عرفاتتوقف کردن در صحرای عرفات حد اقل یک لحظه از زوال روز عرفه تا صبح روز عید قربان

۳طواف زیارتطواف کردن در اطراف خانه کعبه هفت مراتبه در روزهای عید قربان(۱۰-۱۱-۱۲ ذیحجه)

واجبات حج

واجبات حج عبارتند از:

واجبات حج۱وقوف در مزدلفهحتی به مقدار یک لحظه بعد از نماز صبح تا طلوع خورشید روز دهم ذیحجههر کدام از این واجبات ترک شود،ذبح یک گوسفند بر حاجی واجب می گردد

۲سعی بین صفا و مروهکه آغاز آن از صفا و پایانش به مروه و به تعداد هفت شوط است

۳طواف وداعبرای غیر اهالی مکّه

۴دو رکعت نماز طوافپس از هفت بار دور زدن

۵رمی جمرات سه گانهدر روزهای قربانی یعنی ایام تشریق

۶تراشیدن یا کوتاه کردن موی سردر سرزمین حرم و در ایام قربانی

ص:۲۲۵

چکیده مطالب

-عمره در اصطلاح شرع به معنای زیارت خانه خدا با بجا آوردن مناسک و برنامه های خاص آن است؛

-حج بر سه قسم:افراد،تمتّع و قران و عمره بر دو قسم:مفرده و تمتّع تقسیم می شود؛

-حج دارای سه فرض است:احرام،وقوف در عرفه و طواف زیارت؛

-واجبات حج شش تاست:وقوف در مزدلفه،سعی،طواف وداع،دو رکعت نماز طواف،رمی جمرات،تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر.

سوالات درس

۱.عمره را تعریف کنید؟

۲.اقسام حج و عمره را بنویسید؟

۳.ارکان حج کدامهایند؟

۴.واجبات حج را نام ببرید؟

ص:۲۲۶

۴۸-حج(۳)

سنت های حج

حج دارای سنت هایی است که عبارت اند از:

۱غسل یا وضودر هنگام بستن احرام(مستحب است بنابر قول مشهور)

۲دو رکعت نمازبعد از نیت احرام(مستحب است بنابر قول صحیح)

۳تلبیه گفتنهرچه بیشتر گفته شود بهتر است

۴طواف قدومبرای غیر اهالی مکه

۵تیامنیعنی طواف ها را باید از طرف راست شروع کرد

۶اضطباعیعنی هنگام طواف یک طرف رداء خویش را در زیر بغل راست و طرف دیگر آن را بر شانه چپ قرار دادن

۷رمل در طوافیعنی در سه شوط اول از طواف،قدمها را نزدیک به هم برداشته و هر دو شانه خویش را جنباندن و مثل پهلوانان راه برود

۸هَروَلَه در سعیهروله حد وسط میان راه رفتن و دویدن است که در بین دو میل سبز انجام می دهند

۹استلام و بوسیدن حجر الاسوددر آغاز و پایان هر شوط از طواف

۱۰گذرانیدن شب در مِنی و مزدلفهدر ایام تشریق

ص:۲۲۷

۱۱جمع نماز ظهر و عصردر صحرای عرفات با یک اذان و دو اقامه

۱۲جمع بین نماز مغرب و عشاءدر مزدلفه با یک اذان و دو اقامه

کسی که این سنت ها را ترک کند گناهکار می شود اما کفاره بر او واجب نمی شود

محظورات حج

محظورات یعنی امور ممنوع در حج،که اگر حاجی در حال احرام،مرتکب یکی از آن گردد،مجرم به حساب می آید و باید کفاره مربوط به آن را بپردازد (۱):

۱نزدیکی کردن به همسر تا حد علاقه جنسی۲ارتکاب فعل حرام

۳دشنام دادن به یکدیگر یا مرافعه و مناقشه نمودن۴استفاده از خوشبویی ها

۵کوتاه کردن ناخون۶پوشیدن لباس دوخته شده برای مرد

۷پوشاندن سر و صورت با هر پوشاننده ای۸پوشاندن زن صورت و دستان خویش را

۹کندن موی سر یا ریش یا موی زیر بغل یا زیر ناف۱۰روغن مالیدن بر موی و بدن

۱۱قطع یا ریشه کن ساختن درختان حرم۱۲کشتن حیوان وحشی بیابانی چه مأکول اللحم و چه غیر آن

کیفیت انجام حج

۱.کسی که برای انجام حج مستطیع(توانا)گردیده است و می خواهد حج انجام بدهد،در ایام و ماه های حج-در صورت غیر اهل مکه بودن-باید به سوی مکه مکرمه حرکت کند؛

۱- (۱) .کفارات مربوط به هر یک از محظورات در کتاب های فقهی سطوح بالاتر ذکر شده سات.

۲.پس چون به میقات رسید غسل کند یا وضو سازد و سپس لباس احرام (۱)بر تن نماید؛

۳.آنگاه دو رکعت نماز به جا آورد و نیت حج کند و سپس تلبیه گوید؛

۴.چون تلبیه گفت،محرم به«عمره»شده است و باید از همان لحظه از محظورات دوری نماید؛

۵.در مسیر مکه هر جا به بلندی و پستی می رسد بسیار تلبیه خواند و چون بیت الحرام را دید تکبیر و تحلیل گوید و در صورت امکان،حجر الاسود را استلام نماید و ببوسد؛

۶.سپس به ترتیب،این اعمال را به عنوان«عمره»بجا آورد:طواف،دو رکعت نماز طواف،سعی بین صفا و مروه و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر؛

۷.پس از این اعمال،«عمره»پایان می یابد و نوبت به«حج»می رسد،که دارای دوازده عمل است و باید به ترتیب بجا آورده شود؛

۸.ترتیب در اعمال دوازده گانه ی حج تمتع به شرح زیر است:

۱)بستن احرام به نیت حج تمتع در مکه مکرمه؛۲)ایستادن در عرفات؛۳)ایستادن در مشعر الحرام یعنی مزدلفه؛۴)رمی جمرات عقبه در منی در روز عید قربان؛۵)قربانی کردن در منی؛۶)تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر؛۷)طواف زیارت؛۸)دو رکعت نماز طواف زیارت؛۹)سعی بین صفا و مروه؛۱۰)رمی جمرات در روزهای یازدهم و دوازدهم و در مواردی روز سیزدهم؛ ۱۱)ماندن در منی در شب یازدهم و دوازدهم و در مواردی شب سیزدهم و چهاردهم؛۱۲)طواف وداع.

۱- (۱) .این احرام به عنوان«احرام حج تمتع»به حساب می آید.توضیح اینکه:در یک تقسیم بندی،حج تمتع از دو بخش«عمره»و«حج»تشکیل می شود،که البته به هر دوی آن«حج تمتع»نیز گفته می شود.عمره تمتع دارای پنج عمل است:احرام،طواف،دو رکعت نماز طواف،سعی بین صفا و مروه و تراشیدن یا کوتاه کردن موی سر.پس از انجام اعمال عمره،نوبت به حج می رسد که دارای دوازده عمل است.

چکیده مطالب

–حج دارای اعمال مستحبی زیادی است که عبارتند از:غسل یا وضو و دو رکعت نماز هنگام احرام،تلبیه گفتن،طواف قدوم،تیامن،اضطباع،رمل در طواف،هَروَلَه در سعی،استلام و بوسیدن حجر الاسود،گذراندن شب در مِنی،جمع کردن دو نماز در عرفات و مزدلفه؛

––محظورات حج دوازده تاست که باید از آن پرهیز نمود؛

–اعمال حج دارای ترتیب خاصی است که باید حاجیان آن را رعایت نمایند.

سوالات درس

۱.اعمال مستحبی حج را بنویسید؟

۲.محظورات حج را بیان کنید؟

۳.کیفیت انجام حج را با اختصار توضیح دهید؟

ص:۲۳۰

۴۹–قربانی

تعریف قربانی

قربـانی که معروف به«اُضـحِیه»است،به حیوانی اطلاـق می گردد که در روز عیـد قربـان ذبـح کرده می شود.در اصـطلاح شـرع عبارت است از:ذبح کردن حیوان خاصّی به نیت تقرب،در وقت مخصوصی.

حکم قربانی:قربانی کردن واجب است و به نظر امام ابو یوسف و محمد(رحمهما الله)سنت مؤکده است.

شرطهای وجوب قربانی

قربانی کردن با وجود شرایط زیر واجب می گردد:

۱.اسلام؛۲.آزادی؛۳.غنی و ثروتمند بودن.

گـذشت یک سال تمام بر نصاب مال،در قربانی شـرط نیست،بلکه اگر شـخص در روز عیـد قربان افزون بر نیازمندیهای اصـلی خویش،مالک مقدار نصاب بود قربانی کردن بر وی واجب می گردد.

وقت قربانی

وقت قربانی از طلوع صبح روز دهم ذی الحجه آغاز می گردد و تا قبل از

غروب روز دوازدهم این ماه ادامه می یابد.

باید توجه داشت که مردم شـهرها و قریه های بزرگ،لازم است قربانی را بعد از نماز عید قربان انجام بدهند،اما مردم قریه های کوچکی که برگزار کردن نماز عید در آنها واجب نیست،می توانند قربانی را بلا فاصله بعد از طلوع صبح انجام بدهند.

افضل این است که قربانی در روز اول،سپس در روز دوم و بعد در روز سوم از روزهای عید قربان انجام بگیرد.

شرایط حیوانات ذبحی برای قربانی

شروط حیوانات قربانیحیواناتی که جایز است

قربانی شوند۱حیوان باید چهارپا باشددر نتیجه:قربانی کردن غیر چهارپا مُجزِی نخواهد بود

۲شترباید وارد سال ششم شده باشد

۳گاوباید وارد سال سوم شده باشد

۴گاومیش

۵گوسفند یا بزباید وارد سال دوم شده باشد

حیواناتی که قربانی کردن آنها

جایز نیست۱حیوانات وحشی

۲حیوان نابینا و یا یکچشم

۳حیوانی که بر اثر دیوانگی قدرت بر چریدن نداشته باشد

۴حیوان لنگی که قدرت رفتن تا قربانگاه را ندارد

۵لاغر بودن حیوان به حدی که استخوانش مغز نداشته باشد

۶حیوانی که قسمت زیادی از گوش یا دومش از بین رفته باشد

۷حیوانی که بیشتر دندانهایش شکسته شده باشد

۸حیوانی که به طور مادرزاد گوش و یا سرپستان نداشته باشد

مصرف گوشت و پوست قربانی

افضل این است که گوشت های قربانی به سه قسم تقسیم گردد:

۱.یک قسمت آن صدقه داده شود؛

۲.یک سوم آن را شخص برای خود و خانواده خویش نگه دارد؛

۳.یک حصه ی دیگر را برای نزدیکان و دوستان بفرستد.

۴.جایز است شخص،پوست قربانی را برای استفاده خود به کار گیرد و یا آن را به ثروتمندی اهداء نماید،اما اگر آن را بفروشد،واجب است بهایش را صدقه بدهد.

ص:۲۳۳

چکیده مطالب

-قربـانی اصـطلاحاً عبارت است از:ذبـح کردن حیوان خاصّی به نیت تقرب،در وقت مخصوصـی و حکم آن واجب است علی الاصح؛

-قربانی کردن با وجود این شرایط واجب می گردد:۱)اسلام؛۲)آزادی؛۳)ثروتمندی.

-وقت قربانی از طلوع صبح روز دهم ذی الحجه آغاز می گردد و تا قبل از غروب روز دوازدهم این ماه ادامه می یابد؛

-هر حیوانی را نمی توان قربانی کرد،بلکه حیوانات قربانی شونده باید دارای شرایط خاصی باشند؛

-افضـل این است که گـوشت هـای قربـانی به سه قسم تقسـیم گردد:۱)برای صدقه؛۲)برای خود و خـانواده؛۳)برای نزدیکان و دوستان.

سوالات درس

۱.قربانی را تعریف کنید؟

۲.شروط وجوب قربانی را بنویسید؟

۳.وقت قربانی کردن حیوانات کی است؟

۴.شرایط حیوانات قربانی شونده را بیان نمایید؟

۵.مصرف گوشت و پوست قربانی چه گونه باید انجام بگیرد؟

۵۰-امر به معروف و نهی از منکر(۱)

اشاره

قال الله تبارك و تعالى:

وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ [آل عمران/۱۰۴]

باید از میان شما،جمعی دعوت به نیکی،و امر به معروف و نهی از منکر کنند!و آنها همان رستگارانند

درآمد

هر انسانی نسبت به کارهای ناپسندی که در جامعه انجام می گیرد و کارهای نیک و پسندیده ای که ترک می شود باید احساس مسئولیت داشته باشد.بنابراین اگر کار واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد سکوت و بی تفاوتی در برابر آن جایز نیست و تمام افراد جامعه باید برای برپایی واجبات شرعی و جلوگیری از کارهای غیر شرعی و حرام،اقدام کنند که این عملکرد آنها به عنوان امر به معروف و نهی از منکر قلمداد می شود.

تعریف امر به معروف و نهی از منکر

در احکام دین،به تمام فرایض،واجبات،سنت ها و مستحبات که مورد رضایت و خوشنودی خداوند است«معروف»،و به تمام محرمات و مکروهات

که بر خلاف خوشنودی و رضایت پروردگار است،«منکر» گفته می شود.بنابراین:

«امر به ممعروف»عبارت است از دعوت افراد جامعه به انجام کارهای فرض،واجب،سنت و مستحب؛

«نهی از منکر»عبارت است از باز داشتن مردم از کارهای حرام و مکروه.

مراتب امر به معروف و نهی از منکر

بر اساس روایات،برای امر به معروف و نهی از منکر مراتبی است که اگر با عمل به مرتبه ی پایین تر مقصود حاصل شود،نوبت به عمل به مرتبه ی بعدی نمی رسد.به جدول زیر توجه کنید:

مراتب امر به معروف و نهی از منکر۱عملبرخورد غیر فیزیکیبا معصیت کننده طوری برخورد شود که بفهمد به سبب انجام آن گناه با او اینگونه برخورد می شود،مثل اینکه:از او رو گرداند

\با چهره ی عبوس و قیافه ی گرفته با او برخورد کند

\با او با لحن درشت حرف بزنند

\رفت و آمد نکند

\برخورد فیزیکی(استفاده از زور بازو)استفاده از زور بازو برای جلوگیری از منکر و برپایی امور شرعی،مثل ریختن خمر و یا شکستن آلات موسیقی و مانند آن

۲قولبا زبان امر و نهی کند یعنی با شخص معصیت کننده با زبان و بیان برخورد کند،مثلاً به کسی که فرضی را از فرایض ترک کرده است تذکر یا دستور دهد که فرایض را بجا آورد و یا به گنهکار دستور دهد که گناه را ترک کندامر به معروف و نهی از منکر با زبان مراحلی دارد که نخست با نرمی و زبان خوش باشد و با دلیل و حجت ثابت کند که معصیت یا ترک فرض یا واجب چه پیامدهایی دارد و اگر موثر واقع نشد می توان لحن خود را تغییر دهد

ص:۲۳۶

۳قلبـاگر شـخص نتوانـد عملاًـ مجرم را از گنـاه باز دارد یا به او قولاً تـذکر بدهـد،در مرحله آخر کمترین کاری که بایـد انجام بدهد ناراحتی قلبی است،به عبارتی دیگر،نسـبت به گناه انجام شده خوشـنود و راضی نباشد،بلکه در درون خود احساس نفرت کند

نظریه

برخی علما و فقها این مراتب را میان سه گروه از مردم تقسیم نمودند:

۱.در امر و نهی استفاده از زور بازو وظیفه ی حاکمان و امیران است؛

۲.در امر و نهی استفاده از زبان و بیان وظیفه ی علما و دانشمندان است؛

۳.امر و نهی قلبی وظیفه مردم عوام است. (۱)

۱- (۱) .تلخیص و ترجمه از«فتاوای عالمگیری»،۳۵۲/۵-۲۵۴.

چکیده مطالب

-هر انسانی در جامعه خویش مسئول است و اگر واجبی ترک شود و یا حرامی اتفاق بیفتد سکوت و بی تفاوتی در برابر آن جایز نیست؛

-«امر به معروف»عبارت است از دعوت افراد جامعه به انجام کارهای فرض،واجب،سنت و مستحب و«نهی از منکر»عبارت است از باز داشتن مردم از کارهای حرام و مکروه؛

-امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرتبه:عمل،قول و قلب است،که اگر با عمل به مرتبه ی پایین تر مقصود حاصل شود،نوبت به عمل به مرتبه ی بعدی نمی رسد؛

-نظر برخی علماء بر این است که مرتبه عمل مخصوص حاکمان و مرتبه قول ویژه دانشمندان و مرتبه قلب بر عهده عوام است.

سوالات درس

۱.سکوت و بی تفاوتی در برابر کار واجبی که در جامعه ترک شود و یا حرامی که اتفاق بیفتد،نشانه چه نوع احساسی است؟

۲.امر به معروف و نهی از منکر را تعریف کنید؟

۳.امر به معروف و نهی از منکر دارای چند مرتبه است؟راجع به هر کدام کمی توضیح بدهید.

۴.برخی علماء،مراتب امر به معروف و نهی از منکر را وظیفه چه گروه هایی می دانند؟

ص:۲۳۸

۵۱-امر به معروف و نهی از منکر(۲)

شرایط عمومی برای امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر شرایط خاصی دارد که به مهمترین آن اشاره خواهد شد:

شرایط کسی که امر و نهی می کند۱علمیعنی معروف و منکر را بشناسد و به آن علم داشته باشد

۲نیتنیتِ خالص داشته باشد و امر و نهی را تنها بخاطر خدا انجام بدهد

۳صبر و بردباریدر بیشتر موارد،امر به معروف و نهی از منکر نیاز به تکرار دارد و در این راه نباید خسته و نااُمید گشت

۴عملامر به معروف و نهی از منکر زمانی مؤثر واقع می شود که خود شخص به مفاد آن عمل نماید (۱)

۵مهربان و رحم دلباید طوری رفتار کند که طبیبی دلسوز و پدر مهربان با بیمار و فرزندش رفتار می کند و از ضرر رساندن و آسیب زدن بپرهیزد

۱- (۱) . یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ* كَبُرَ مَقْتاً عِنْدَ اللّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ ای کسانی که ایمان آورده اید!چرا سخنی می گویید که عمل نمی کنید؟!نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی کنید! [صف/۲-۳]

شرایط کسی که مورد امر و نهی قرار می گیرد۱کسی باشد که در حق او آن کار ممنوعه،منکر محسوب شودبنابر این،سن بلوغ و شرایط تکلیف شرط نیست و مثلاً کودک یا دیوانه ای خمر بنوشد،مورد نهی قرار می گیرد

۲مورد تأثیر قرار بگیرداگر کسی باشد که امر به معروف و نهی از منکر در او تأثیری نمی گذارد و یا شخص مُحتسِب در این باره شک داشته باشد،امر به معروف و نهی از منکر در مورد او واجب نیست

شرایط عملی که نهی روی آن واقع می شود۱منکر باشدیعنی فعلی باشد که از منظر شریعت هر کس باید از آن اجتناب ورزد

۲منکر موجود باشدو یا مقدمات منکر موجود باشد

۳منکر بدون تجسس و تحقیق ظاهر و علنی باشدپس در مورد منکرهایی که در نهان و به دور از چشم عموم انجام می گیرد،حِسبه واجب نیست

۴منکر اجتهادی نباشدیعنی منکر بودن آن فعل قطعی باشد،لذا اگر فعلی در یک مذهب مُنکَر و در مذهبی دیگر منکَر محسوب نشود،در انجام امر به معروف و نهی از منکر،مذهب مُحتسب علیه در نظر گرفته می شود

ص:۲۴۰

چکیده مطالب

-امر به معروف و نهی از منکر دارای شرایط خاصی است که به سه بخش مهم تقسیم می شود:

-شرایط کسی که امر و نهی می کند،که عبارت است از:علم،نیت،صبر و بردباری،عمل،مهربان و رحم دل؛

-شرایط کسی که مورد امر و نهی قرار می گیرد؛

شرایط عملی که نهی روی آن واقع می شود.

سولات درس پنجاه و یکم

۱.شرایط کسی را که امر به معروف و نهی از منکر می کند،بنویسید؟

۲.شرایط کسی را که مورد امر و نهی قرار می گیرد،بیان کنید؟

۳.شرایط عملی را که نهی روی آن واقع می شود،ذکر کنید؟

۵۲-احکام خوردن و آشامیدن(۱)

اشاره

قال الله تبارک و تعالی:

یا أَیُّهَا النّاسُ کُلُوا مِمّا فِی الْأَرْضِ حَلالاً طَیِّباً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ إِنَّهُ لَکُمْ عَدُوٌّ مُبِینٌ [بقره/۱۶۸]

ای مردم!از آنچه در زمین است،حلال و پاکیزه بخورید و از گامهای شیطان،پیروی نکنید چه اینکه او،دشمن آشکار شماست

درآمد

خداوند بزرگ و عطابخش نعمت ها،برای بهره برداری انسان،طبیعت زیبا و انواع خوردنی ها-از حیوانات،میوه ها و سبزیجات-را در اختیار او قرار داده است.خداوند از انسان خواسته که از نعمت های آفریده او برای خوردن و آشامیدن،پوشاک مسکن و سایر نیازهای طبیعی خویش به کار گیرد.در این میان،برای حفظ جان و سلامتی جسم و روح،بقا و تداوم نسل ها و احترام به حقوق دیگران،قوانین و مقرراتی قرار داده است که التزام عملی به آن قوانین و مقررات،ضامن خوشبختی و سعادت او در دنیا و آخرت خواهد بود.

در این درس آنچه در مورد خوراکی ها و آشامیدنی ها مهم و لازم است،ارائه خواهد شد.

حکم خوراکی ها و آشامیدنی ها

قاعده کلّی و حکم عامّ در این باره این است که:

اصل در اشیاء،از جمله خوردنی ها و آشامیدنی ها«إباحه»است،یعنی هیچ چیزی حرام نیست مگر اینکه با دلیلی شرعی حرام بودن آن ثابت گردد.

اقسام و احکام خوردن و آشامیدن

خوردن و آشامیدن،از لحاظ کمّی(نه کیفی)دارای اقسام چهارگانه زیر است:

۱فرضاگر خوردن و آشامیدن به اندازه ای باشد که:شخص را از هلاکت باز دارددر همه این حالتها حُکم خوردن آشامیدن فرض است

\علاوه بر نجات از هلاکت،قدرت بر انجام عبادات فرضی مثل نماز و روزه را پیدا کند

\شخص بتواند به رفع نیازهای طبیعی خویش و خانواده اش بپردازد

۲مستحباگر خوردن و آشامیدن کمی بیش از مقدار فرض آن باشددر همه این حالتها حُکم خوردن آشامیدن مستحب است

شخص بخاطر رعایت ادب نزد مهمان،غذا را بیشتر بخورد

زیاد خوردن غذا بخاطر انجام عبادات مستحبی انجام بگیرد

۳مباحخوردن و آشامیدن در همه شرایط زمانی و مکانی مباح استمگر زمانی که شخص مرتکب فعل حرام شود،مثل:روزه دار در ماه رمضان بخورد یا بیاشامد

\اسراف و تبذیر پیش آید

\نسبت به حقوق دیگران ظلم شود

۴حرامخوردن و آشامیدن حرام می شود آنگاه که:مواد خوردنی و نوشیدنی از راه حرام به دست آمده باشد

\بدون هیچ هدف عُقلایی ای پُرخوری انجام بگیرد،مثلاً صِرفاً برای چاق شدن و اضافه وزن پیدا کردن و یا لذت بردن

حکم عدم خوردن و آشامیدن

بعضی وقتها،نخوردن و نیاشامیدن حکم حرام را به خود می گیرد،که مهمترین مصادیق آن در جدول زیر بیان شده است:

نخوردن و نیاشامیـدن در این موارد حرام است و شـخص گناهکار به حساب می آید:۱ریاضت کشیدن یعنی کم کردن مقدار خوردن و آشامیدن به حدی که شخص از انجام عبادات و رفع نیازهای طبیعی خویش ناتوان گردد

۲اگر شـخص در حالت های اضـطراری،از خوردن میته(گوشت حیوان حرام مرده)و اشیای حرام به قدری که از هلاکت نجات یابد،خودداری نماید و در این حال از دنیا برود

۳اگر شخص در ایام روزه چیزی نخورد و در اثر گرسنگی بمیرد

۴کسی که مریض است و از خوردن دارو جهت بهبود و مداوا یافتن صرف نظر نماید تا اینکه در اثر آن بیماری از دنیا برود

ص:۲۴۴

چکیده مطالب

-خداوند برای بهره برداری انسان،حیوانات،میوه ها و سبزیجات را در اختیار او قرار داده است،اما بخاطر بقا و تداوم نسل ها و احترام به حقوق دیگران،قوانین و مقرراتی قرار داده که التزام عملی به آن ضامن سعادت او در دنیا و آخرت خواهد بود؛

-خوردن و آشامیدن،از لحاظ کمّی(نه کیفی)دارای اقسام چهارگانه:فرض،مستحب،مباح و حرام است؛

-بعضی وقتها،نخوردن و نیاشامیدن حکم حرام را به خود می گیرد؛

-اصل در اشیاء،از جمله خوردنی ها و آشامیدنی ها«إباحه»است.

سوالات درس

۱.حِکمت و فلسفه تشریع(قرار دادن حُکمهایی مثل حرمت و کراهت و اباحه و استحباب)در مورد خوردنی ها و آشامیدنی ها چیست؟

۲.خوردن و آشامیدن،از لحاظ کمّی دارای چند قسم است؟نام ببرید.

۳.در چه مواردی نخوردن و نیاشامیدن حرام است؟

۴.حُکم اصلی در اشیاء،از جمله خوردنی ها و آشامیدنی ها چیست؟

۵۳-احکام خوردن و آشامیدن(۲)

انواع و احکام خوراکی ها

خوراکی ها به سه قسم حیوانی،گیاهی و شیمیایی تقسیم می شود و خوراکی های حیوانی و گیاهی و شیمیایی نیز به ترتیب،به پنج،سه و دو نوع تقسیم می گردد.این تقسیمات را همراه با احکام آن در جدول به شرح ذیل است:

خوراکی های حیوانیچهارپایاناهلیحلال گوشتگاو،گاومیش،شتر،گوسفند،بزشیر چهارپایان حلال گوشت،حلال و شیر چهارپایان حرام گوشت،حرام و شیر چهارپایان مکروه گوشت،مکروه می باشد(اما به نظر امام ابویوسف و محمد(رها)شیر اسب حلال است)

\حرام گوشتسگ،گربه،خر

\مکروه گوشتاسب و قاطر(اما به نظر امام ابویوسف و محمد(رها)گوشت اسب حلال است)

وحشیحلال گوشتآهو،بز کو هی،گورخر،خرگوش

\حرام گوشتتمامی حیوانات درنده مانند گرگ،شیر و پلنگ و...

ص:۲۴۶

پرندگاناهلیحلال گوشتمرغ و خروس،کبوتر اهلی،اُردک و غاز اهلیتخم مرغ و تخم سایر پرندگان حلال گوشت،حلال و تخم پرندگان حرام گوشت،حرام و تخم پرندگان مکروه گوشت مکروه می باشد

وحشیحلال گوشتکبوتر وحشی،کبک،بلدرچین،گنجشک و...

\حرام گوشتتمامی پرندگانی که چنگال دارند مانند عقاب

\مکروه گوشتهدهد،خفاش،طاووس

آبزیانتمام آبزیان،حرام گوشت است بجز ماهی و فرقی نمی کند ماهی شکل معمولی داشته باشد و یا مثل سپر مدوّر یا مانند مار مستطیل باشد

برمایی (۱)هیچ یک از حیوانات دوگانه زی حلال نیست

حشراتتمام انواع حشرات حرام است بجز ملخ و نیز کِرم میوه،پنیرو...که در داخل آن رشد یافته و به همراه آن خورده شود،اما به تنهایی خوردن این نوع کرم جایز نمی باشد

خوراکی های گیاهیمیوه هااهلی و وحشیتمام میوه ها و سبزیجات و حبوبات حلال است،مگر

آنچه برای بدن و یا عقل انسان ضرر داشته باشد

سبزیجات

حبوبات

خوراکی های شیمیاییمعمولتمام انواع غذاها و داروهای شیمیایی که برای استعمال داخلی در نظر گرفته شده است حلال است به شرط اینکه از مواد پاک و حلال تهیه شده باشد

غیر معمول(مُضرّ)انواع مواد مخدر و هیروئین به شکل قرص،آدامس،سیگار و...که باعث سستی،گرانی و خللدار شدن فعالیت عقل و ذهن می شود،حرام است

۱- (۱) .حیوان دوگانه زی که هم در خشکی و هم در آب به سر می برد.

انواع و احکام آشامیدنی ها

منظور از آشامیدنی ها انواع مایعات نوشیدنی و دود تریاك و مخدرات است.از جمله مایعات نوشیدنی عبارتند از:آب نهر و بحر،آب چشمه و آبنبار،آب باران و ژاله و برف،همچنین عصاره گیاهان اعم از میوه و سبزیجات و حبوبات،شیر انسان و حیوانات،چای و انواع نوشابه های گازی و شیمیایی و....جهت تکمیل بحث،به جدول زیر توجه فرمایید:

همه نوع آشامیدنی ها پاك و حلال اند بجز این موارد:مایعات ۱مایعات نجسبول-خون-منی

۲مایعات متنجّسمایعی که در اصل طاهر و حلال است اما در اثر برخورد با شئ نجس،متنجّس می شود

۳مایعات مضر به بدن انسانزهر-منتجات شیمیایی مضرّ-عصاره گیاهان مضرّ-گازهای مضر

۴مایعات مست کنندهیعنی خمر و شراب از هر چیز که تهیه شده باشد مثل انگور،خرما،گندم و...

۵شیر حیوانات حرام گوشتمثل شیر گربه،سگ،خوك و...

مخدرات۶موادی که باعث سستی،گرانی و خللدار شدن فعالیت عقل و ذهن می شودیعنی انواع مواد مخدر،همچون بنگ،افیون،حشیش،سیگار و غیره

چکیده مطالب

-خوراکی ها به سه قسم گیاهی،شیمیایی و حیوانی تقسیم می شود و خوراکی های گیاهی و شیمیایی و حیوانی نیز به ترتیب،به سه،دو و چهار نوع تقسیم می گردد،که هر کدام از آن دارای مصادیق زیادی است و هر یک حکم خاص خود را دارد؛

-همه نوع نوشیدنی ها پاک و حلال اند بجز مایعات نجس،متنجس،مضرّ به بدن انسان،مست کننده،شیر حیوانات حرام گوشت و نیز مخدرات همچون بنگ و حشیش وسیگار.

سوالات درس

۱.خوراکی ها به چند قسم تقسیم می شود و هر یک دارای چه انواعی است؟

۲.حکم هر یک از انواع خوراکی ها را بیان نمایید؟

۳.چه نوع نوشیدنی ها حلال و چه نوعِ آن حرام است؟

ص:۲۴۹

۵۴-احکام خوردن و آشامیدن(۳)

اشاره

آداب غذا خوردن

مراعات نمودن آداب غذا خوردن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود:

مستحبات غذا خوردن به شرح زیر است:

۱تأخیر نکردن و به عبارتی تعجیل بر حضور در سر سفره،زمانی که احتمال سرد و یا فاسد شدن غذا باشد و یا اینکه کسانی در انتظار حضور طرف باشند

۲شستن دست ها قبل از غذا خوردن و بعد از آن

۳شروع غذا خوردن با گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم»

۴«بسمله»را بلند بگوید تا اطرافیان نیز متذکر شوند

۵اگر بسمله را در شروع فراموش کرد،پس هر کجا که به یاد آورد،بگوید

۶بعد از غذا خوردن حمد و ثنای الهی گوید

۷قبل از پرداختن به غذا و بعد از آن کمی نمک بخورد

۸اگر چند نفر سر سفره نشسته اند،هر کسی از غذای جلوی خویش بخورد

۹اگر چند نفر سر سفره نشسته اند،عجله نکنند و با آرامش تناول نمایند و از گفتن سخنان ناگوار و آشفته کننده بپرهیزند

۱۰اگر شخص تنها است،غذا را از اطراف ظرف و نه از وسط آن بخورد

ص:۲۵۰

۱۱به نوع و کیفیت غذا عیب و نقصان نسبت ندهد به خصوص زمانی که در سر سفره دیگران است،اما اگر بخواهد از دستپخت همسرش ایراد بگیرد،تنها در حد تذکر همراه با لطافت و نرمی باشد و نه بیش از این

۱۲شخص قبل از آنکه کاملاً سیر گردد دست از غذا خوردن بکشد

۱۳اگر شخص مهمان است،در حق صاحب غذا و میزبان دعای خیر نماید

مکروهات غذا خوردن

۱.در حال سیری غذا خوردن؛

۲.پرخوری کردن؛

۳.نگاه کردن به صورت و لقمه دیگران؛

۴.غذا را داغ خوردن؛

۵.فوت کردن به غذا؛

۶.گذاشتن نان زیر ظرف غذا؛

۷.در راه و یا در حال راه رفتن غذا خوردن؛

۸.تکیه کردن به چیزی یا به دست چپ(در حال غذا خوردن)؛

۹.دور انداختن میوه پیش از آنکه کاملاً آن را بخورد.

۱۰.گوشت یا غذا را بالای نان قرار دادن و از آن به عنوان ظرف استفاده کردن.

آداب آب نوشیدن

مراعات نمودن آداب آب نوشیدن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود:

مستحبات آب نوشیدن

۱.نشسته نوشیدن آب؛

۲.پیش از آشامیدن آب «بسم الله» و بعد از آن «الحمد الله» گفتن؛

۳.به سه نفس آب را آشامیدن؛

۴.آب را با پری دهان نیاشامید بلکه کم کم به دهان گرفتن.

مکروهات آب نوشیدن

۱.با یک نفس نوشیدن یک لیوان آب؛

۲.با دهان پُر،آب آشامیدن؛

۳.آشامیدن آب بعد از غذای چرب.

ص:۲۵۲

چکیده مطالب

–غذا خوردن دارای آدابی است و مراعات نمودن آداب غذا خوردن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود؛

–آب نوشیدن دارای آدابی است و مراعات نمودن آداب آب نوشیدن در مراعات مستحبات و مکروهات آن خلاصه می شود.

سوالات درس

۱.مستحبّات غذا خوردن را ذکر کنید؟

۲.مکروهات غذا خوردن را نام ببرید؟

۳.مستحبات آب نوشیدن را بیان نمایید؟

۴.مکروهات آب نوشیدن را ذکر کنید؟

۵۵-مَحرَم و نامحرم

درآمد

یکی از نعمت های الهی حس بینایی است.بینایی نعمتی است بزرگ،که انسان باید این نعمت را در راه پیشرفت و کمال و ترقی خود به کار گیرد و از آن استفاده ی بهینه نماید و از استفاده کردن در راه حرام پرهیز نماید.هر چند نگاه به طبیعت زیبا و قدرت های خدای تعالی عبادت است ولی تجاوز به حقوق دیگران گناه است و حفظ دیده از نگاه شهوت انگیز به دیگران و حفظ خود از تماشای نامحرمان لازم است.

نگاه کردن احکام خاص خود را دارد که در این بحث مطرح خواهد شد.

قاعده کلّی

قاعده کلی در مورد عورت این است که:

هیچ یک از اعضای بدن شخص چه زن باشد و چه مرد،برای خود او عورت به حساب نمی آید؛

هیچ یک از اعضای بدن همسران(زن و شوهر)برای دیگری عورت محسوب نمی شود؛

هر انسانی اعم از زن و مرد،اگر از روی شهوت و لذت طلبی به هر نوع عضوی

از اعضای بدن همجنس یا غیر همجنس خود و یا به نامحرم یا محارم خود نگاه کند،حرام است(البته نگاه شهوت آمیز زوجین به یکدیگر اشکال ندارد).

عورت

عورت در لغت به معنای نقص و کمبودی است و در اصطلاح شرع به آن عضو از اعضای بدن انسان اطلاق می شود که نگاه کردن به آن حرام و پوشانیدن آن واجب است.

عورت مردعورت مرد عبارت است از زیر ناف تا انتهای زانوناف عورت نیست اما زانو عورت است

عورت زنعورت زن به سبب اختلاف اصناف،تفاوت پیدا می کندیعنی اگر زن قرار بگیرد در برابر:۱همسرشزن در برابر همسرش هیچ عورتی ندارد

\۲مَحارِمش مانند پسر،پدر،پدربزرگعورت زن برای محارم او عبارت است از:پشت و شکم و از ناف تا انتهای زانوپس جایز است زن نزد محارم خویش سر و مو،سینه و پستانهایش را آشکار کند،مثل اینکه نزد آنان به نوزادش شیر بدهد

\۳مرد بیگانهتمام بدن زن نزد مرد بیگانه عورت است به جز روی و پنجه دستان

\۴زنان مؤمنهعورت زن در برابر زنان مسلمان مانند عورت مرد است در برابر مردان،یعنی از زیر ناف تا انتهای زانو

\۵زنان کافره و فاجرهزن کافر در برابر زن مسلمان حکم مرد بیگانه را دارد،یعنی تنها می تواند روی و پنجه دستانش را آشکار کند

محرم و نامحرم

محرم کسی است که ازدواج و نکاح با او حرام است و محدودیتی که در

نگاه به سایر افراد وجود دارد نسبت به آنها وجود ندارد.

افرادی که بر مرد و زن محرمند عبارتند از دو دسته:محرم های نسبی و محرم های سببی،به شرح ذیل است:

ردیفمحرم های

نسبی زنمحرم های

نسبی مردردیفمحرم های

سببی زنمحرم های

سببی مرد

۱پدر و پدربزرگمادر و مادر بزرگ۱پدرشوهر و پدربزرگ اومادر زن و مادر بزرگ او

۲پسر و فرزندان او یعنی پسرانشدختر و فرزندان او یعنی دخترانش۲پسر شوهردختر زن

۳برادرخواهر۳شوهرمادر(ناپدری)زن پدر(نامادری)

۴برادرزاده یعنی پسر برادرخواهر زاده یعنی دختر خواهر۴شوهر دختر(داماد)زن پسر(عروس)

۵خواهرزاده یعنی پسر خواهربرادر زاده یعنی دختر برادر

۶عمو(عموی خودش و عموی و الدینش)عمه(عمه خودش و عمه و الدینش

۷داعی(داعی خودش و داعی و الدینش)خاله(خاله ی خودش و خاله ی و الدینش)

بجز کسانی که نامبرده شدند،بقیه افراد نامحرمند حتی زن برادر و خواهر زن برای مرد و شوهرخواهر و برادر شوهر برای زن.

ازدواج با خواهر زن تا مدتی که خواهرش همسر اوست حرام می باشد،یعنی ازدواج با دو خواهر جایز نیست مگر آنکه اولی از دنیا برود یا او را طلاق دهد.

همچنین با عمه و یا خاله و خواهرزاده و برادرزاده زنش نمی تواند ازدواج کند،مگر اینکه این زن از دنیا برود و یا او را طلاق دهد.

ص:۲۵۶

چکیده مطالب

-یکی از نعمت های الهی حس بینایی است و انسان باید از آن استفاده بهینه نماید و از استفاده کردن در راه حرام پرهیز نماید؛

-عورت در اصطلاح شرع به آن عضو از اعضای بدن انسان گفته می شود که نگاه کردن به آن حرام و پوشانیدن آن واجب است،که در مورد زن و مرد تفاوت دارد؛

-هیچ یک از اعضای بدن شخص برای خود او و همسرش عورت محسوب نمی شود؛

-محرم کسی است که ازدواج و نکاح با او حرام است و محدودیتی که در نگاه به سایر افراد وجود دارد نسبت به آنها وجود ندارد و به دو گروه نسبی و سببی تقسیم می شود؛

-زن برادر و خواهر زن برای مرد و شوهرخواهر و برادر شوهر برای زن نامحرم هستند.

سوالات درس

۱.حدود عورت مرد را بنویسید؟

۲.عورت زن را در برابر اصناف مختلف توضیح بدهید؟

۳.قاعده کلّی در مورد عورت چیست؟

۴.محارم چه کسانی هستند(تعریف کنید)و اقسام آن را بنویسید؟

۵.محارم زن را نام ببرید؟

۶.محارم مرد را نام ببرید؟

ص:۲۵۷

۵۶-احکام ازدواج

درآمد

ازدواج کردن سنت پیامبر صلّی الله علیه و آله است که فرمود:

«النِّکاحُ سُنَّتی فَمَن رَغِبَ عَن سُنَّتی فَلَیسَ مِنّی»

ازدواج کردن سنت من است و هر کس از سنت من روی گرداند از امت من نیست.

اما ازدواج برای کسی که به سبب نداشتن همسر مرتکب گناه می شود،مثلاً به عادتِ نگاه کردن به نامحرمان گرفتار شده است،واجب می باشد.

فوائد ازدواج

مهمترین فوائد ازدواج عبارتند از:

۱فرزند

۲شکستن شهوت و ارضا و کنترل آن

۳تدبیر خانه و منزل و آرامش خاطر

۴بسیاری خویشاوندان

۵مجاهدت نفس در قیام نمودن به حق خانواده

همسر و شوهر شایسته

زن و شوهر شایسته مرد و زنی است که خصال زیر در آن دو جمع باشد:

شوهر شایسته۱حسن معاشرت

۲حسن تدبیر و سیاست

۳دارای روحیه شاد،مزاح و ملاعبه

۴صاحب غیرت

۵قدرت بر مباشرت

۶توانایی در امر ولادت

۷کفایت یعنی با همسرش هم کف باشد

همسر شایسته۱دیندار و خدا ترس و عفیف باشد

۲اخلاق و آداب خوب داشته باشد

۳خوبرو،یعنی صاحب چهره ی زیبا باشد

۴زاینده،یعنی عقیم نباشد

۵دوشیزه،یعنی باکره باشد نه ثیبه

۶بیگانه،یعنی از خویشاوندان نباشد

۷مطیع باشد،یعنی از شوهر خود اطاعت کند

۸کم خرج و کم توقع باشد،پس نباید تجمل گرا باشد

۹مهرش کمتر باشد

۱۰صاحب نسب یعنی از خانواده ی شریف باشد

وظایف شوهر

امور آتی بر عهده شوهر واجب است:

۱.همسر و فرزندانش را با نفقه تأمین کند؛

۲.به همسر و فرزندانش علم و ادب بیآموزد؛

ص:۲۵۹

۳.با همسر و فرزندانش از روی عدل و انصاف رفتار کند؛

۴.اینکه همسر و فرزندانش را زیادتر از شش ماه بدون نفقه ترک نکند.

عقد ازدواج

عقد ازدواج دو شرط دارد:

۱.ایجاب و قبول؛

۲.حضور دو شاهد مرد و یا یک مرد و دو زن.

ایجاب و قبول باید دلالت بر زمان گذشته(ماضی)کند یا یکی معنای گذشته را داشته باشد و دیگری صیغه امر و به معنای مستقبل یا حال باشد،همچون:

«زَوَّجتُ و تَزَوَّجتُ»یا به فارسی:دادم و پذیرفتم؛

«با من ازدواج کن»و«با تو ازدواج کردم»؛

«با تو ازدواج می کنم»و«قبول کردم به عوض مهر به این مقدار».

چند نکته

ایجاب و قبول شرط نیست که با زبان عربی و یا از ماده ی«زَوَّجَ و تَزَوَّجَ»باشد؛

ذکر مهر در خطبه ی نکاح و یا عقد نکاح شرط نیست و بدون ذکر مهر عقد نکاح درست است و باید مهر مثل را شوهر به همسرش بدهد؛

شاهدان باید آزاد و مکلف و مسلمان باشند و نکاح در حضور شاهدانی که فاسق هستند درست است.

ص:۲۶۰

چکیده مطالب

-ازدواج کردن سنت پیامر صلّی الله علیه و آله است،اما در موارد احتمال ارتکاب گناه،واجب می گردد؛

-فوائد ازدواج زیاد است از جمله:فرزند،ارضای شهوت،تدبیر خانه و آرامش خاطر،بسیاری خویشاوندان و مجاهدت نفس در قیام نمودن به حق خانواده؛

-زن و شوهر زمانی شایسته و ایدآل به حساب می آیند که دارای برخی صفات و خصال کمالیه باشند؛

-برخی از امور،وظایف شوهر شناخته می شود که بر او واجب است آنها را انجام بدهد؛

-ایجاب و قبول و حضور شاهدها از شروط عقد ازدواج است و صیغه عقد ازدواج باید به معنای گذشته دلالت کند و یا یکی به معنای گذشته و دیگری صیغه امر و به معنای مستقبل یا حال باشد.

سوالات درس

۱.حُکم اولیه و ثانویه ازدواج کردن را بنویسید؟

۲.فوائد ازدواج را نام ببرید؟

۳.همسر شایسته چه صفاتی دارد؟

۴.صفات شوهر شایسته را بیان نمایید؟

۵.وظایف شوهر کدام است؟

۶.شروط عقد ازدواج را بنویسید و بیان کنید که با چه صیغه ای باید گفته شود؟

ص:۲۶۱

۵۷-احکام طلاق

درآمد

خداوند متعال به بندگان خود توصیه می کند که با همسرانشان حُسن معاشرت داشته باشند،آنجا که می فرماید:

وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ [نساء/۱۹]

و با آنان(زنان)به طور شایسته رفتار کنید.

در صورت عدم امکان حُسن معاشرت و ناسازگاری بین زوجین،خداوند برای آنان راه نجات را«طلاق»قرار داده است،که با انجام دادن آن،زن از عقد نکاح شوهرش خارج می شود.

باید توجه داشت که اگر بین زن و شوهر اختلافی به وجود آمد که زندگی مشترک آنان را به خطر می اندازد،فوراً به فکر طلاق نیفتند،بلکه لازم است با از خودگذشتگی و حُسن تدبیر خویش و کمک اطرافیان،به خصوص خویشاوندان دو طرف (۱)،کاری کنند که قضیه به جدایی کشیده نشود.

۱- (۱) . وَ إِنْ خِفْتُمْ شِقاقَ بَيْنِهِما فَابْعَثُوا حَكَماً مِنْ أَهْلِهِ وَ حَكَماً مِنْ أَهْلِها إِنْ يُرِيدا إِصْلاحاً يُوَفِّقِ اللّٰهُ بَيْنَهُما إِنَّ اللّٰهَ كانَ عَلِيماً خَبِيراً [نساء/۳۵]و اگر از جدایی و شکاف میان آن دو(همسر)بیم داشته باشید،یک داور از خانواده شوهر،و یک داور از خانواده زن انتخاب کنید(تا به کار آنان رسیدگی کنند).اگر این دو داور،تصمیم به اصلاح داشته باشند،خداوند به توافق آنها کمک می کند؛زیرا خداوند،دانا و آگاه است.

از این رو،می بینیم که در فرمایشات پیامبر اسلام صلّی الله علیه و آله«طلاق»بدترین حلال ها نزد خداوند به شمار رفته است،آنجا که فرموده:

«أبغضُ الحَلالِ إلی اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ الطّلاقُ» (۱)

پس معلوم می شود که طلاق در موارد اضطراری و برای رفع حرج مشروع شده است.

تعریف طلاق

طلاق در لغت به معنای رها کردن و در اصطلاح شریعت عبارت است از رها کردن زن از قید نکاه شوهر.

شروط طلاق

شروط طلاق برای شوهر،یعنی طلاق دهنده،سه چیز است:

۱.عقل؛۲.بلوغ؛۳.بیدار بودن.

پس اگر طلاق دهنده دیوانه یا کودک و یا خواب بود،طلاق تحقق نمی یابد.اما:

طلاق دهنده اگر مست و یا در حال إجبار بود؛طلاقش واقع می شود.

شوهر باید همسرش را در طُهر(پاکی از حیض)که در آن نزدیکی نکرده است،طلاق بدهد و اگر در حالت حیض و یا در طهری که نزدیکی کرده است،طلاق بدهد طلاق واقع می شود،ولی مکروه است.

۱- (۱) .به نقل از«سنن»ابی داود و«مستدرک»حاکم نیشابوری.

اقسام طلاق

اقسام طلاقطلاق صریح۱طلاق حسنطلاق حسن این است که شوهر زنش را در طُهری که نزدیکی نکرده است،طلاق بدهد و او را به حال خودش رها کند

۲طلاق سنّتطلاق سنّت آن است که شوهر در هر طهری که نزدیکی نکرده باشد،یک بار طلاق می کند و در نوبت طلاق های اول و دوم رجعت (۱)می کند و چون بار سوم طلاق کرد،باین (۲)می شود و نمی تواند رجعت کند

۳طلاق بدعتطلاق بدعت آن است که شوهر همسرش را در طهری که نزدیکی کرده است و یا در حالت حیض،طلاق بدهد

طلاق کنایهطلاق کنایه طلاقی است که شوهر لفظ«طلاق»را به زبان نمی آرد،بلکه عباراتی را به کار می برد که می شود فهمید هدف او چیست.مثلاً به همسرش می گوید:«تو یکی هستی»یا«عده ات را بشمار»یا«چهار سوی تو قبله»و مانند اینها،که برخی از این الفاظ و عبارات طلاق محسوب می شود بدون احتیاج به نیت و برخی دیگر وابسته به نیت است که در کتاب های فقهی مفصل بیان شده است

.

۱- (۱) .رجعت یعنی زن و شوهر با همدیگر مثل زوج های معمولی معامله و معاشرت بکنند.

۲- (۲) .طلاق باین:طلاقی است که مرد جز از راه عقد جدید حق رجوع به همسرش را ندارد.

چکیده مطالب

-در صورت ناسازگاری بین زوجین،خداوند برای آنان راه نجات را«طلاق»قرار داده است،اما باید توجه داشت که«طلاق»بدترین حلال ها نزد خداوند است و در موارد اضطراری و برای رفع حرج مشروع شده است؛

-طلاق یعنی رها کردن و در اصطلاح شریعت عبارت است از رها کردن زن از قید نکاه شوهر؛

-شروط طلاق برای طلاق دهنده سه چیز است:۱)عقل؛۲)بلوغ؛۳)بیدار بودن.

-طلاق مست و مجبور واقع می شود و اگر طلاق در حالت حیض یا طهری که نزدیکی کرده است،انجام بگیرد،واقع می شود اما کراهت دارد؛

-طلاق یا«صریح»است و یا«کنایه»و طلاق صریح به سه قسم حسن،سنت و بدعت تقسیم می شود.

سوالات درس

۱.بدترین حلال ها نزد خداوند چیست؟چرا؟

۲.طلاق را تعریف کنید؟

۳.شروط طلاق را بنویسید؟

۴.در چه حالت هایی طلاق واقع می شود اما کراهت دارد؟

۵.اقسام طلاق را نام ببرید و راجع به یکی از آن توضیح دهید؟

۵۸-حضانت

تعریف حضانت

«حَضانت»در لغت به معنای حفظ و نگه داری،در کنار و در بر گرفتن،به سینه چسپاندن و پرورش دادن است.

در اصطلاح فقهاء«حضانت»عبارت است از:سرپرستی و پرورش کودک توسط کسی که سزاوار به آن است و حقّ حضانت از آن اوست.

مسأله حضانت،معمولاً-در مورد فرزند خردسال،بعد از آنکه پدر و مادرش از هم جدا بشوند و یا پدر یا مادر او از دنیا برود،مطرح می شود.اما گاهی به نگه داری و سرپرستی مطلق کودکان و یا افراد بالغ و کمهوش(و به قول معروف عقب مانده ذهنی اند)نیز حضانت اطلاق می گردد.

أبعاد حضانت

حضانت هم در بُعد مادی مطرح است و هم در بعد معنوی:

در نخستین مرحله،نگه داری طفل،شامل پرورش جسمی وی و فراهم آوردن امکانات لازم برای رشد او می شود؛از جمله تهیه خوراک و پوشاک و مسکن و در صورت بیماری بهره مندی از پزشک و دارو و درمان و به طور کلّی هر آن چه برای دوام و بقای طفل لازم باشد.

ص:۲۶۶

در کنار پرورش و رشد و نمو جسمی،رشد معنوی طفل نیز ضروری است،مانند فراهم آوردن امکانات تحصیل و فراگیری علم و دانش لازم،که از مهمترین وسیله پرورش روحی و تربیت معنوی طفل به حساب می آید.

سزاوارترین شخص بر حضانت

شایسته ترین فرد برای سرپرستی و پرورش کودک پس از جدایی زن و شوهر،مادر است،به این شرط که مرتده یا فاجره و یا بی امنیت و بد اخلاق نباشد.

پس از مادر افراد آتی شایستگی سرپرستی را دارند:

۱مادر مادر۴خواهر مادری۷خاله مادری

۲مادر پدر۵خواهر پدری۸خاله پدری

۳خواهر پدری و مادری۶خاله پدری و مادری۹خویشاوندان پدری به شرطی که نامحرم نباشند نسبت به کودک دختر همچون پسر عمو

برخی مسائل

اگر مادر کودک با نامحرم ازدواج کند یعنی به شخصی که نسبت به دخترش نامحرم است،حق سرپرستی از او ساقط می شود و نوبت به طبقه دیگر،مثلاً ـ به مادرِ مادر می رسد.اما اگر مادر با محرم کودک ازدواج کند،مثلاً ـ با عموی کودک،پس از ازدواج هم می تواند سرپرستی کودکش را داشته باشد؛

کودک در انتخاب سرپرست خود اختیار ندارد؛

مدت سرپرستی پسر تا هفت سالگی است و مدت سرپرستی دختر بچه تاحیض دیدن اوست.در این مدت مادر و یا مادر بزرگ برای سرپرستی سزاوارتر از دیگران هستند و پس از این مدت،خویشاوندان پدری سزاوارتر به سرپرستی می باشند.

ص:۲۶۷

اگر دختربچه دارای خویشاوندان پدری باشد،در این صورت قاضی شرایط را بررسی می کند و هر چه مصلحت دید همان را انجام می دهد؛یا به زنی که امین و خوش اخلاق است می سپارد و یا به زندگی مستقل اجازه می دهد.

مکان حضانت

مکان سرپرستی کودک شهر و زادگاه زن و شوهر است اگر آنها مثل قبل در همان جا بوده و از همدیگر دور نشده باشند.و اگر چنانچه در اثر کوچ و انتقال،زن و شوهر از یکدیگر دور شده باشند،زن می تواند در همان شهرکه ازدواج کرده است کودک خود را سرپرستی کند،ولی نمی تواند کودک را از آن شهر خارج کرده و همراه خود به شهر دیگر و یا شهر خودش ببرد،مگر در دو حالت:

۱.بین این شهر(شهری که زن در آن ازدواج کرده است)و شهر خودش(یا شهر دیگر)فاصله دور نباشد،به طوری که اگر پدرش به دیدار فرزندش برود،بتواند تا شب به شهر خود برگردد؛

۲.عقد نکاح زن و شوهر در شهر دیگری برگزار شده باشد که منسوب به زن است.

چکیده مطالب

-«حَضانت»اصطلاحاً یعنی سرپرستی کودک توسط کسی که سزاوار به آن است؛

-مسأله حضانت،معمولاً در مورد فرزند خردسال پیش می آید،اما گاهی به سرپرستی مطلق کودکان و یا افراد بالغ و کمهوش نیز حضانت اطلاق می گردد؛

-حضانت طفل شامل هم پرورش جسمی وی و فراهم آوردن امکانات لازم برای رشد او می شود و هم رشد روحی معنوی طفل را نیز در بر می گیرد؛

-شایسته ترین فرد برای سرپرستی کودک پس از جدایی زن و شوهر،مادر است؛

-اگر زن با کسی که نسبت به دختربچه اش نامحرم است ازدواج کند،حق سرپرستی از او ساقط می شود و نوبت به کسانی دیگر،مثل مادرِ مادر میرسد؛

-مکان سرپرستی کودک شهر و زادگاه زن و شوهر است و اگر در اثر کوچ،زن و شوهر از یکدیگر دور شده باشند،زن می تواند در همان شهرکه ازدواج کرده است کودک خود را سرپرستی کند.

سوالات درس

۱.حضانت را تعریف کنید و بنویسید که چه کسانی مورد حضانت قرار می گیرند؟

۲.حضانت باید چه نوع ابعاد کودکان را شامل گردد؟

۳.شایسته ترین فرد برای سرپرستی کودک کیست؟

۴.مادر در چه صورت از حق حضانت فرزندش محروم می ماند؟

۵.حضانت کودک در چه مکانی باید انجام بگیرد؟

ص:۲۶۹

۵۹-بیع(خرید و فروش)

اشاره

وَ أَحَلَّ اللّهُ الْبَیْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبا [بقره/۲۷۵]

خدا بیع را حلال کرده،و ربا را حرام نموده است

تعریف بیع

بیع در اصطلاح فقها عبارت است از مبادله مال به مال با رضایت هر دو طرف،که عاقدین هستند،یعنی فروشنده و خریدار.

شرط بیع

شرط بیع«ایجاب و قبول»است که یکی از عاقدین«بعتُ»(فروختم)و دیگری«اشتریتُ»(خریدم)می گوید.یا یکی«بِعنِی»(بفروش)و دیگری«بعتُ»(فروختم)می گوید.

اگر یکی ایجاب کرد،دیگری اختیار دارد که قبول کند یا نکند و اگر قبول کرد،بیع لازم می شود و حق برگردانیدن را ندارد.

بیع تَعاطِی

اگر هنگام داد و ستد،لفظ ایجاب و قبول آورده نشود بلکه معنای این دو

ص:۲۷۰

لحاظ گردد-که معمولاً ـ همین نوع بیع از شیوع بیشتری برخوردار است-بیع صحیح است و اصطلاحاً به آن«بیع تعاطی یا معاطات» گویند.

خیار

در صورتی که عیب و نقصان کالا ـ ظاهر شود و یا خریدار کالا را بدون مشاهده خریده باشد،او صاحب اختیار است؛اگر خواست در طول سه روز بر می گرداند و اگر نخواست نگه می دارد.

لازم به ذکر است که پنهان کردن عیب کالا و نگفتن نقصان آن در زمان خرید و فروش،«غشّ»نام دارد و حرام است.

انواع بیع

بیع از جهت صحت و فساد به انواع زیر تقسیم می شود:

انواع بیعصحیحبیعی که دارای شرایط لازم و موافق با اقتضای عقد بیع و شریعت اسلام انجام گرفته باشد

فاسد۱بیع باطلبیع باطل بیعی است که کالا ـ و عوض یا یکی از آن دو مال حرام باشد مثل گوشت مردار،خون،خمر،خوک،یا اینکه کالا مملوک نباشد،مثلاً مسروق باشد و یا یکی(کالا یا عوض)اصلاً وجود خارجی نداشته باشدحکم بیع باطل روشن است:بطلان

۲بیع زمان جاهلیت که بر چند نوع است:۱بیع مزابنه:فروختن کالایی که وزن یا حجم یا تعداد آن نامشخص است به چیزی که مقدار آن معلوم می باشد،مثلاً فروختن میوه ای که در درخت است به یک جعبه میوه(که مثلاً وزنش ده کیلو است)هیچ یک از این نوع خرید و فروش ها جایز نیست و اگر انجام بگیرد باطل است،

۲بیع منابذه یا إلقاء الحجر یا حصات:خریدار از دور به چیزی که نمی داند چیست یا نمی داند ارزش یا مقدارش چه قدر است،سنگ پرتاب می کند(مثلاً به گله گوسفندان)و به هر کدام که اصابت نمود همان را به عنوان کالا می خرد و یا مثلاً برای خرید زمینی که مساحتش مشخص نیست سنگ پرتاب می کند که اگر به هرجا رسید،همان مقدار را بخردزیرا در آنها نوعی مجهولیت و احتمال فریب خوردن وجود دارد و متضمن شرطهایی است که مخالف با مقتضای عقد بیع است

۳\بیع ملامسه:فروختن کالا در شب تاریک به این شرط که هرچه را خریدار با دست لمس کرد،بخرد و یا در روز روشن اگر شرط کنند که به هر چه دستشان برسد بخرند یا بفروشند و بدون اینکه مقدار و ارزشش معلوم باشد

ص:۲۷۲

انواع بیعفاسد۳بیع غرر بیعی که در آن نوعی فریب و مجهولیت نهفته باشد،که دارای مصادیقی است:۱فروختن کالا،مثل کفش یا لباس و یا منزل به این شرط که فروشنده از آن در مدت معینی استفاده کند چه تنهایی یا چه به صورت مشترکاین نوع خرید و فروش ها جایز نیست زیرا متضمن شروطی است که مخالف با مقتضای عقد بیع می باشد و یا نوعی فریب و مجهولیت در کالا یا عوض وجود دارد

\۲فروختن پارچه به شرطی که فروشنده آن را به دلخواه خویش بِبُرد و بدوزد

\۳فروختن کالا به شرط اینکه در مدّت غیر معین آن را تحویل خواهد داد

\۴فروختن میوه ای که در درخت است و ماهی ای که در آب و پشم یا شیری که در بدن حیوان است

۴بیع موقوف یا فضولیبیع موقوف یا فضولی بیعی است که شخص،مال غیر را بدون آگاهی و اطلاع قبلی صاحبش بفروشدصحت و جواز این بیع بستگی به رضایت صاحب مال دارد،که اگر راضی نبود،بیع تحقق نمی یابد

چکیده مطالب

-بیع در اصطلاح عبارت است از مبادله مال به مال با رضایت هر دو طرف،که عاقدین هستند،یعنی فروشنده و خریدار؛

-شرط بیع«ایجاب و قبول»است؛

-اگر ایجاب و قبول به لفظ آورده نشود،بلکه در معنا لحاظ گردد،اصطلاحاً به آن بیع معاطاتی گویند؛

-در صورتی که عیب و نقصان کالا ظاهر شود و یا خریدار کالا را ندیده و خریده باشد،مسأله خیار بیع پیش می آید؛

-بیع یا صحیح است یا فاسد،و بیع فاسد نیز تقسیم می شود به:بیع باطل،بیع زمان جاهلیت،بیع غرر و بیع موقوف.

سوالات درس

۱.بیع را تعریف کنید؟

۲.بیع چه شرطی دارد؟

۳.بیع معاطاتی چه نوع بیعی است؟

۴.در چه مواردی می توان کالای خریده شده را برگرداند؟به این عمل چه گویند؟

۵.اقسام بیع را نام ببرید؟

ص:۲۷۴

۶۰-ربا-إقاله-مرابحه-تولیه

اشاره

ربا

تعریف ربا

(۱)ربا رد لغت به معنای زیادت است و در اصطلاح فقها عبارت است از:مورد خرید و فروش قرار دادن مکیل و موزون(کالا)با جنس خود همراه با تفاضل،بدین صورت که یکی کم و دیگری بیشتر باشد.

مصادیق ربا

پس،خرید و فروش طلا با طلا،نقره با نقره،گندم با گندم،جو با جو در حالی که یکی کم و دیگری بیشتر باشد،درست نیست و حرام است،هرچند در صفت و از لحاظ کیفیت یکی عالی بوده و دیگری دانی و پَست باشد.

۱- (۱) - یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللّهَ وَ ذَرُوا ما بَقِیَ مِنَ الرِّبا إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ* فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُؤُسُ أَمْوالِکُمْ لا تَظْلِمُونَ وَ لا تُظْلَمُونَ [بقره/۲۷۸-۲۷۹]ای کسانی که ایمان آورده اید!از خدا بپرهیزید،و آنچه از(مطالبات)ربا باقی مانده،رها کنید؛اگر ایمان دارید!اگر(چنین)نمی کنید،پس با خدا و رسولش اعلام جنگ کنید!و اگر توبه کنید،سرمایه های شما،از آن شماست؛نه ستمکار می شوید و نه ستم دیده.

همچنین داد و ستد گندم با آرد یا سبوس آن و یا خرید و فروش آرد به سبوس در حالی که یکی کم باشد و دیگری بیشتر،ربا محسوب می شود.

استثنائات

اما خرید و فروش حیوان به گوشت و یا گوشت به حیوان،یا داد و ستد کشمش به انگور یا انگور به سرکه،و یا خرید و فروش گوشت گاو به گوشت گوسفند یا عکس آن در حالی که یکی کم و دیگری زیاد باشد،درست است و ربا محسوب نمی شود.

إقاله

تعریف إقاله

إقاله عبارت است از برگرداندن داد و ستدی که انجام گرفته است با رضایت هر دو طرف و همراه با قیمت و کمّیت قبلی کالا.

حکم إقاله

إقاله بنابر تعریفی که گذشت،جایز است به شرط اینکه کالا موجود باشد،ولی اگر کالا از بین رفته باشد،إقاله درست نیست،بر خلاف عوض(قیمت)که اگر از بین رفته بود،اشکال ندارد و با جایگزین کردن آن با چیزی دیگر-در صورتی که خریدار قبول کند-إقاله صحیح می شود.

اقاله در کلام پیامبر صلّی الله علیه و آله

إقاله اگر همراه با شرایط آن انجام بگیرد نه تنها جایز است،بلکه ثواب بسیار هم دارد.پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله در این باره فرمودند:

«مَن أقالَ نادماً بیعته أقالَ اللّهُ عثرَتَه یومَ القیامه» (۱)

ص:۲۷۶

۱- (۱) .به نقل از«سنن»ابی داود و«مستدرک»حاکم نیشابوری.

یعنی:هر کس فسخ معامله ی شخص پشیمان شده را قبول کند،خداوند در روز قیامت از لغزش های او صرف نظر خواهد کرد.

مرابحه و تولیه

تعریف مرابحه

مرابحه عبارت است از منتقل کردن کالایی که خریده بود،با قیمت(عوض)قبلی و با سود بیشتر به صاحب اولی اش.

تعریف تولیه

تولیه عبارت است از منتقل کردن کالایی که خریده بود به صاحبش با همان قیمت(عوض)قبلی بدون سود بیشتر.

حُکم مرابحه و تولیه

حکم مرابحه و تولیه جواز و صحت است به شرط اینکه هنگام معامله بیع،قیمت آن(یعنی همان عوض)با پول و یا چیزهایی که اندازه اش معلوم است داد و ستد شده باشد،مثل چیزهای موزون و مکیل.اما در غیر این صورت به شرطی درست است که در روی کالا کار کرده باشد،مثلاً رنگ کرده باشد و یا دوخته باشد.

ص:۲۷۷

چکیده مطالب

-ربـا یعنی مـورد خریـد و فروش قرار دادن کالاـ بـا جنس خـود همراه بـا تفاضـل،بـدین صـورت که یکی کم و دیگری بیشـتر باشد،مثل بیع طلا به طلا؛

-خرید و فروش حیوان به گوشت و بالعکس یا کشمش به انگور یا انگور به سرکه و بالعکس در حالی که یکی کم و دیگری زیاد باشد،درست است و ربا محسوب نمی شود؛

-إقاله نه تنها جایز است،بلکه ثواب هم دارد و آن عبارت است از برگردانـدن داد و سـتدی که انجام گرفته است با رضایت هر دو طرف و همراه با قیمت و کمّیت قبلی کالا؛

-مرابحه یعنی منتقل کردن کالایی که خریده بود،با قیمت(عوض)قبلی و با سود بیشتر به صاحب اولی اش؛

-تولیه یعنی منتقل کردن کالایی که خریده بود به صاحبش با همان قیمت(عوض)قبلی بدون سود بیشتر؛

-حکم مرابحه و تـولیه جواز و صـحت است به شـرط اینکه هنگـام بیع،قیمت آن(یعنی همـان عوض)بـا پول و یـا چیزهـایی که اندازه اش معلوم است داد و ستد شده باشد.

سوالات درس

۱.ربا را توضیح دهید و برای آن چند نمونه ذکر کنید؟

۲.چه چیزها از ربا مستثنی هستند؟

۳.به چه نوع معامله ای إقاله گویند و حکم آن چیست؟

۴.مرابحه را تعریف کنید؟

۵.معامله تولیه را توضیح بدهید؟

۶.حکم مرابحه و تولیه چیست؟

ص:۲۷۸

منابع و مآخذ

در تهیه متن و محتوای نوشتار حاضر از مهم ترین کتب فقهی قدیم و جدید مذهب حنفی استفاده شده است که عبارتند از:

۱.«الفتاوی الهندیه»معروف به«فتاوای عالمگیریه»تألیف:علامه شیخ نظام الدین؛

۲.«مختصر القدوری»تألیف:ابوالحسین احمد بن محمد بغدادی حنفی؛

۳.«مختصر الوقایه»تألیف:عبیدالله بن مسعود صدرالشریعه ثانی؛

۴.«تحفه الفقهاء»تألیف:علاءالدین سمرقندی؛

۵.«الاختیار-اختیار لتعلیل المختار»تألیف:عبدالله بن محمود بن مودود الموصلی الحنفی؛

۶.«الفقه الحنفی فی ثوبه الجدید»تألیف:عبدالحمید محمود طهماز؛

۷.«المفصل فی الفقه الحنفی-العبادات»تألیف:محمد ماجد عتر؛

۸.«الفقه المیسّر-العبادات»تألیف:عبدالرئوف شفیق الرحمن ندوی،با مقدمه سیدابوالحسن علی ندوی؛

۹.«توضیح المسائل حنفی»تألیف:مولوی عبدالواحد فقیری هروی.

ص:۲۷۹

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹